

آموزش جامع گرامر زبان انگلیسی

منبع بی نظیر از چکیده ی مهمترین کتاب های گرامر

آموزش مبتدی تا پیشرفته گرامر زبان انگلیسی همراه با تکنیک های تست زنی آزمون های زبان داخلی و خارجی

جزوه گرامر انگلیسی
فرفره های

دستور زبان انگلیسی (English Grammar)

دستور زبان انگلیسی مجموعه قواعد و مقرراتی است که اصول درست خواندن و درست نوشتن را به ما می آموزد.

الفبای انگلیسی (English Alphabet)

الفبای انگلیسی جمعاً ۲۶ حرف دارد که شامل حروف بزرگ (Capital letters) و حروف کوچک (Small letters) می شود. حروف کوچک خود به دوشکل نوشتاری و چاپی می باشد.

حروف انگلیسی به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- حروف صدا دار (The vowel letters) شامل: a- e- i- o- u

۲- حروف نیمه صدا دار (The half vowel letters) شامل: w- y

۳- حروف بی صدا (constant letters) شامل بقیه حروف انگلیسی

صداهای ترکیبی:

Tion: station - examination	صدای شن	Sh: dish – sheep	صدای ش
Ture: picture - future	صدای چر	Ch: church - chin	صدای چ
Sion: confusion	صدای ژن	Kh: khosrow - khan	صدای خ
Cial: special	صدای شل	Gh: ghasem	صدای ق
Th: thought - that	صدای د - ذ	Ph: telephone - physics	صدای ف

اسم (Noun)

اسم کلمه ای است که برای نامیدن اشخاص و اشیا به کار می رود. به عبارت دیگر کلمه ای که اشخاص و یا اشیا را معرفی کند اسم نامیده می شود.

مثال: قلم (pen)، کتاب (book)، مرد (man)، خورشید (sun)

انواع اسم:

به طور کلی اسامی را می توان براساس وجود فیزیکی یا عدم وجود فیزیکی به دو دسته تقسیم کرد:

۱- اسم ذات (concrete noun): اسمی که قابل رویت بوده و به خودی خود وجود داشته باشد. مثال: صندلی (chair)

۲- اسم معنی (abstract noun): اسمی که به خودی خود وجود ندارد و نمیتوان آن را لمس کرد. مثال: رهبری (leadership)، هوش (intelligence)، قدرت (ability)

انواع اسم ذات:

۱- اسم خاص (proper noun): کلمه ای است که بر شی یا شخص خاصی دلالت می کند. مثال: تهران (Tehran)، علی (Ali)

نکته: از آنجایی که اسم خاص به خودی خود معین و مشخص است، هرگز قبل از آن از The (حرف تعریف معین) استفاده نمی شود.

توضیح حرف معین The

به طور کلی در صورتی که مطلب مورد نظر هم برای گوینده و هم برای شنونده شناخته شده باشد از the استفاده می کنیم. The می تواند قبل از اسامی، مفرد، جمع، قابل شمارش و غیر قابل شمارش بیاید ولی باید آن اسم مشخص و شناخته شده باشد. موارد استفاده از the:

- وقتی فقط یک چیز در دنیا وجود دارد. مثال: خورشید the sun ، آسمان the sky
 - برای صفات برترین (در مبحث صفت بررسی خواهد شد)
 - برای ابزار و آلات موسیقی. مثال: پیانو the piano
 - برای گیاهان، حیوانات، اختراعات و اجزای بدن. مثال: عقاب the eagle
 - قبل از دهه ها و قرن ها. مثال: the twenties, the 20th century
 - قبل از عبارت های زمانی و مکانی. مثال: the morning, the future, the back, the middle, the south
 - قبل از اعداد ترتیبی. مثال: the first, the fifth
- نکته: قبل از اعداد اصلی از the استفاده نمی کنیم. مثال: one, two, ten
- قبل از اسامی کشورها، و شهرهایی که دارای of هستند. مثال: the city of Tehran = Tehran city
 - مناطق جغرافیایی. مثال: the middle east
- نکته: قبل از قاره ها the استفاده نمیشود. مثال: Asia, Europe
- قبل از اسامی جنگ ها. مثال: the khandagh war
- نکته: قبل از جنگ های جهانی the نمی آید. مثال: world war II

اشتباهاتی که در تست ها مربوط به حرف تعیین the می تواند به عنوان دام استفاده شود:

- جایی که the باید به کار می رفته اما حذف شده است.
- کاربرد نادرست the به جای a-an یا برعکس

- کاربرد نادرست صفت ملکی به جای the یا a-an و برعکس

مثال:

coral reefs are limestone formations composed of tiny sea organism and the remains.

توضیح: remains اسم است پس قبل از آن باید صفت ملکی استفاده شود. بنابراین باید به جای the از their استفاده کرد.

۲- اسم عام (common noun): اسمی که تمام افراد هم جنس و هم نوع را در بر می گیرد. مثال: کتاب (book)، دختر (girl)، شهر (city)

۳- اسم جمع (collective noun): اسمی که در صورت مفرد (یعنی بدون S جمع) ولی در معنی جمع باشد و بیان کننده ی تعدادی از افراد هم جنس و مشابه باشد. مثال: تیپ (brigade)، قبیله (tribe)، گله (flock)، تیم (team)
بر اساس فعلی که این قبیل اسمی میگیرند آن ها را در سه دسته بررسی می کنیم:

دسته اول: فعل همیشه مفرد (فعل بدون علامت S یا es مربوط به سوم شخص)

اطلاعات information	تیم team	جمعیت crowd	گروه group
ارتش army	اخبار-خبر news	شنوندگان audience	مبلمان furniture

مثال:

A group of scientists is working on the new project.

دسته دوم: فعل همیشه جمع

مردم people

پلیس the police

مثال:

Many people were on there waiting for the train.

دسته سوم: فعل هم مفرد هم جمع

گله گاو cattle

گله گوسفند flock

۴- اسم جنس (material noun): اسمی که نوع و جنس و ماده شی را تعیین میکند. مثال: چوب (wood)، نقره (silver).

بررسی قواعد جمع بستن: به طور کلی اسم در جمله یا مفرد (singular) است یا جمع (plural).

مثال: یک سگ one dog – دو سگ two dogs

قاعده ۱: اگر به آخر اسم مفرد s اضافه کنیم تبدیل به جمع می شود. مثال: یک کتاب a book – کتاب ها books

قاعده ۲: اگر آخر اسم z-x-s-sh-ch باشد در حالت جمع es می گیرد و (ایز) تلفظ می شود. مثال: ظروف dishes – جعبه ها boxes

قاعده ۳: اگر آخر اسم t-p-k-f باشد در حالت جمع s میگیرد و (س) تلفظ می شود. مثال: فنجان ها cups, پشت بام ها roofs

قاعده ۴: اگر اسمی به حرفی غیر از قاعده ی ۲ و ۳ ختم شود در حالت جمع s میگیرد و (ز) تلفظ می شود.

قاعده ۵: اگر اسمی به y ختم شود و قبل آن یک حرف بی صدا باشد، وقتی جمع میبندیم به ies تبدیل میشود. مثال: وظیفه duties – وظایف duty

قاعده ۶: اگر اسمی به y ختم شود و قبل آن یک حرف صدادار باشد، y تغییری نمی کند و فقط s اضافه می شود. مثال: کلید key – کلیدها keys

قاعده ۷: برای جمع بستن حروف و ارقام و اعداد از s و آپستروف استفاده می شود. مثال:

در لغت room دو تا O وجود دارد. There are two O's in the word room.

نکته: s که بعد از سال به کار می رود به معنی (انندی) در زبان فارسی است.

He died in 1960s.

قاعده ۸: اگر آخر اسم o بیاید و قبل آن یک حرف بی صدا باشد حین جمع بستن (es) و اگر قبل آن یک حرف صدادار باشد فقط s میگیرد. مثال: سیاه پوست ها negroes – باغ وحش ها zoos

قاعده ۹: اگر اسمی به f ختم شود در جمع به ves) تبدیل می شود. مثال: برگ leaf – برگ ها leaves
به استثنای کلمات زیر که فقط به آخر آن ها s اضافه می شود.

دستمال ها handkerchiefs	پشت بام ها roofs	دلایل proofs
روسا chiefs	خلیج ها gulfs	پرتگاه ها cliffs
سر آستین ها cuffs	غم ها griefs	سم ها hoofs
مدعیان plaintiffs	صخره ها reefs	غلامان serfs

قاعده ۱۰: اگر اسمی به fe ختم شود در جمع fe به ves) تبدیل می شود. مثال: زن wife – زن ها wives

به جز سه اسم زیر:

صندوق ها safes	نزاع ها strifes	فلوت ها fifes
----------------	-----------------	---------------

نکته ۱: اگر آخر کلمه is باشد به es تبدیل می شود: پایان نامه thesis, پایان نامه ها theses

نکته ۲: اگر آخر کلمه us باشد به i تبدیل می شود: قارچ fungus, قارچ ها fungi

نکته ۳: اگر آخر کلمه on یا um باشد به a تبدیل می شود: باکتری bacterium، باکتری ها bacteria

قاعده ۱۱: در زبان انگلیسی ۱۱ اسم بی قاعده وجود دارد که با تغییر حرف به حالت جمع تبدیل می شوند.

مفرد	جمع	مفرد	جمع
man مرد	men مردان	woman زن	women زنان
mouse موش	mice موش ها	louse شپش	lice شپش ها
tooth دندان	teeth دندان ها	foot پا	feet پاها
goose غاز نر	geese غازهای نر	crisis بحران	crises بحران ها
basis پایه	bases پایه ها	dormouse موش	dormice موش ها
		footman فراش	footmen فراش ها

نکته: کلمات زیر فرم مفرد و جمع یکسانی دارند

مفرد	جمع	مفرد	جمع
salmon ماهی آزاد	salmon ماهی های آزاد	fish ماهی	fish ماهی ها
offspring بچه	offspring بچه ها	trout قزل آلا	trout قزل آلاها
deer آهو	deer آهوها	sheep گوسفند	sheep گوسفندها
		spacecraft فضاپیما	spacecraft فضاپیماها

قاعده ۱۲: اسامی زیر بی قاعده هستند:

مفرد	جمع	مفرد	جمع
ox گاو نر	oxen گاوهای نر	child بچه	children بچه ها
brother برادر	brethren بردارها	cow گاو ماده	kin/cows گاوهای ماده

قاعده ۱۳: بعضی کلمات با اضافه کردن حرف تعریف the جمع می شوند.

the dead مردگان	the young جوانان	the poor فقرا	the rich ثروتمندان
	the oppressed مستضعفان	the heathen کافران	the needy نیازمندان

قاعده ۱۴: کلمات زیر در صورتی که قابل شمارش باشند جمع بسته می شوند ولی در حالت غیر قابل شمارش جمع بسته نمی شوند:

غ ق شمارش	ق شمارش	غ ق شمارش	ق شمارش	غ ق شمارش	ق شمارش
water آب	waters جویبارها	iron آهن	irons اطو	tin قلع	tins قوطی ها
light نور	lights چراغ ها	glass شیشه	glasses لیوان ها	paper کاغذ	papers مقاله
wood چوب	woods جنگل	time زمان	دوره تاریخی - دفعه		
			times		

قاعده ۱۵: برای جمع بستن اسم مرکب (ترکیب ۲ اسم پشت سر هم)، S جمع به آخر کلمه دوم اضافه می شود. مثال: ناپسری ها shoe – makers کفاش ها

به استثنای چهار کلمه زیر که هر دو جمع بسته می شوند:

مفرد	جمع
woman-servant کلفت	women-servants کلفت ها
man-servant نوکر	men-servants نوکرها
woman-teacher معلم زن	women-teachers معلم های زن
lord-justice قاضی	lord-justices قاضی ها

نکته: اگر کلمه ای اسم بود ولی نقش صفت داشت هرگز جمع بسته نمی شود. در نتیجه هنگام ساختن صفات مرکب شامل (یک عدد + یک اسم) اسم بعد از عدد جمع بسته نمی شود. مثال:

فرم غلط: a six miles walk - فرم صحیح: a six mile walk (پیاده روی ۶ مایلی - اینجا ۶ مایلی اسمی است که نقش صفت گرفته)

فرم غلط: a ten dollars bill - فرم صحیح: a ten dollar bill (یک اسکناس ۱۰ دلاری - اینجا ده دلاری اسمی است که نقش صفت گرفته).

قاعده ۱۶: اگر اسم مرکب حرف اضافه داشت S جمع فقط به آخر اسم اول اضافه می شود. مثال: مادر زن ها mothers-in-law, عابرین passers-by

نکته: کلمات زیر مفرد هستند و با فعل مفرد به کار میروند و هرگز S نمیگیرند.

news خبر-اخبار	shouting فریاد	furniture مبلمان	mathematic ریاضیات
information اطلاعات	baggage وسایل سفر	luggage اثاثیه	advice پند و نصیحت
clothing پوشاک	homework-work تکلیف	traffic ترافیک	flying پرواز
		thunder رعد	behaviour رفتار

نکته: کلمه work فقط زمانی که به معنی آثار یک نویسنده و یا هنرمند باشد S میگیرد. مثال:

These are the works of Sa'di.

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسم قابل شمارش (countable noun)

اسمی که تعداد آن مشخص است. به عبارت دیگر می توان آن را شمرد.

برای شمارش این اسامی از عدد و یا کلماتی مانند **many, a lot, some** استفاده می کنیم (در بحث کمیت نماها بررسی خواهند شد).

اگر این اسامی در حالت جمع باشند **s** یا **es** میگیرند و اگر در حالت مفرد باشند قبل از آن ها **a,an,one** به کار می رود.
مثال: دو کتاب **two books**، یک کیف **a book**، تعداد زیادی کتاب **many books**

نکته: این اسامی در جواب "چه تعداد یا چندتا" به کار می روند.

توضیحات مربوط به حرف تعریف نامعین (**a-an**)

حروف تعریف نامعین **a-an** نقش نکره در زبان فارسی را ایفا می کند. به طور کلی هر گاه بخواهیم از اسمی در مفهوم عام صحبت کنیم از این حروف استفاده می کنیم یا اسم را به صورت جمع بنویسیم.

مثال: اسب حیوان خوبی است **a horse is a good animal** – اسب ها حیوانات خوبی هستند **horses are good animal**

نکته: چنانچه اسمی با حروف صدا دار (**a-e-i-o-u**) و یا **h** غیر ملفوظ (**h** که خوانده نمی شود) آغاز شود از **an** استفاده میکنیم. مثال: **An apple- an hour- an honest man**

نکته: اگر اسمی با حروف صدا دار آغاز شود ولی صدای اصلی خود را ندهد باید از **a** استفاده کنیم. مثال: یک اتحادیه **a union**، یک کتاب مفید **a useful book**، یک ساختمان یک طبقه **a one storey building**

نکته: تفاوت **a** و **an** با کلمه **one**

حروف **a-an** زمانی به کار می روند که تاکید روی **a-an** نباشد و اشاره به تعداد نمی کند و تلاش می کنند اسم را به صورت نکره بیان کنند. مثال: اسبی **a horse**

ولی هرگاه بخواهیم نظر مخاطب را به یک شی یا امر منحصر به فرد جلب کنیم و یا تعداد آن را مشخص کنیم از **one** استفاده می کنیم. مثال: در این ردیف یک جای خالی وجود دارد (تاکید روی تعداد جای خالی است) **there is a vacant seat in this row**

اسم غیر قابل شمارش (uncountable noun)

اسمی که نه مفرد است نه جمع.

به عبارت دیگر نمی توان آن را شمرد.

این اسامی **s** یا **es** نمیگیرند (جمع بسته نمی شوند) و در ابتدای آن ها **a,an** یا اعداد قرار نمی گیرد (توجه به این نکته در تست ها مهم است) و با کلماتی مانند **a lot,some,much** و یا به تنهایی می آیند (در بحث کمیت نماها بررسی خواهند شد).

این اسامی همیشه با فعل مفرد می آیند

مثال:

sugar شکر	water آب	bread نان	salt نمک
coffee قهوه	milk شیر	tea چای	gold طلا
knowledges معلومات	intelligence هوش	cheese پنیر	butter کره
advice پند	fruit میوه	luggage بار سفر	information اطلاعات
mail محموله پستی	baggage بار سفر	furniture مبلمان	machinery آلات
cash پول نقد	hope امید	percent درصد	health سلامت
work کار	clothing پوشاک	jewelry جواهرات	traffic ترافیک
			equipment تجهیزات

نکته: این اسامی در جواب "چه مقدار یا چقدر" به کار می روند.

نحوه تبدیل اسامی غیر قابل شمارش به اسامی قابل شمارش

برای بیان یک واحد از اسمی که غیر قابل شمارش است باید واحد آن را (که یک اسم قابل شمارش است) در ابتدای آن نوشت. در واقع واحدها قابل شمارش هستند (loaf-bottle-glass-cup-bar). مثال:

a loaf of bread یک قرص نان

a bottle of milk یک بطری شیر

a glass of water یک لیوان آب

a cup of tea یک فنجان چای

a bar of soap یک قالب صابون

کمیت نماها

کمیت نما کلمه ای است که کمیت یا مقدار چیزی را نشان می دهد.

کمیت نما	نوع کلمه	نوع جمله	مثال
Any - وقتی درباره مقدار نامعینی از چیزی در جملات منفی و سوالی صحبت میکنیم - اسم بعد از any اگر قابل شمارش باشد به صورت جمع استفاده می شود. - اگر any در جمله به معنی (هر) باشد می تواند در جملات مثبت به کار رود و اسم بعد آن در این	ق شمارش غ ق شمارش	سوالی منفی	Are there any apples in the fridge? There are not any milk in the bottle. The seats aren't reserved. You can take any seat you like.

حالت (اگر قابل شمارش) باشد به صورت مفرد می آید.			Any student will be able to tell you where the college library is.
Many - این کلمه در ترکیب با so و too می تواند در جملات مثبت هم به کار برود.	ق شمارش	سوالی منفی	Are there many lights on the ceiling? There are not many chairs in the room? There were too many cars on the road.
Much - این کلمه در ترکیب با so و too می تواند در جملات مثبت هم به کار برود.	غ ق شمارش	سوالی منفی	Is there much traffic on the road? There is not much time left. There is so much traffic on the road.
Some - بیان مقدار نامعینی از چیزی در جملات مثبت - هنگام تعارف کردن چیزی به کسی یا طرح سوالی که انتظار پاسخ مثبت داریم	ق شمارش غ ق شمارش	مثبت	There are some students in this classroom. There is some water in the glass. Would you like some coffee? Do you have some money with you?
A lot of Lots of Plenty of	ق شمارش غ ق شمارش	مثبت	He bought a lot of/lots of/plenty of CDs. She has a lot of/lots of/plenty of money.
A large number of	ق شمارش	مثبت	She has a large number of old coins.
several	ق شمارش	مثبت	There are several cars in the garage.
A few Few - few دارای مفهوم منفی بوده و تعداد/مقدار ناکافی را نشان می دهند. - a few دارای مفهوم مثبت بوده و تعداد/مقدار کافی را نشان می دهند.	ق شمارش	مثبت	There are a few/few hospitals in the city. Mike has to go shopping. There are few potatoes left.

			<p>در این جمله مایک مجبور به خرید کردن است چون سیب زمینی های کمی باقی مانده است.</p> <p>Peter doesn't have to go shopping. there are a few potatoes left.</p> <p>در این جمله پیتر مجبور نیست به خرید برود زیرا به اندازه کافی سیب زمینی باقی مانده است.</p>
<p>A little Little</p> <p>– little دارای مفهوم منفی بوده و تعداد/مقدار ناکافی را نشان می دهند.</p> <p>– a little دارای مفهوم مثبت بوده و تعداد/مقدار کافی را نشان می دهند.</p>	غ ق شمارش	مثبت	<p>This is a little/little sugar in the tea.</p> <p>Mike has made a little progress, so he is happy.</p> <p>در این جمله مایک به اندازه کافی پیشرفت کرده و در نتیجه خوشحال است.</p> <p>Peter has made little progress, so he is disappointed.</p> <p>در این جمله پیتر پیشرفت کمی داشته و در نتیجه نا امید است.</p>
all	ق شمارش غ ق شمارش	مثبت منفی سوالی	<p>he read all of the stories.</p> <p>Did you spend all of the money?</p>
Both- many-a few-several-fewer	اسامی جمع قابل شمارش		Bothe of them have cars.
Another-each-every	اسامی مفرد قابل شمارش		
A little- much-less-amount	غ ق شمارش		
All-a lot of-plenty of-enough-some-any-lots of-most-more	ق شمارش غ ق شمارش		

نکته: کلمه **only** تنها با **a few** و **a little** ترکیب می شود و نشان دهنده تعداد/مقدار ناکافی می باشد.

Only a few = few / only a little = little

نکته: عبارت **quite a few** اصطلاحی است که نشان دهنده تعداد زیاد است. مثال:

I have been there quite a few times. دفعات زیادی به آنجا رفته ام.

نکته: بررسی تفاوت دو جمله:

ترکیب با اسم قابل شمارش جمع: he has read all the books.

ترکیب با اسم قابل شمارش مفرد: he has read all the book.

جمله اول به این معنی است که او تمام کتاب ها را خوانده است.

جمله دوم به این معنی است که او همه یک کتاب را خوانده است.

ضمایر

ضمیر شخصی

ضمیر شخصی یا **personal pronoun**. واژه‌ای است که در جمله جایگزین اسم خاص می‌شود: یا برای اینکه دوباره آن اسم تکرار نشود یا برای اینکه جمله کوتاه‌تر شود. در این درس می‌خواهیم با کاربرد ضمایر و ساختار دستوری آن در زبان انگلیسی آشنا شویم.

انواع ضمایر شخصی

۱- ضمایر شخصی فاعلی: ضمیری است که جایگزین فاعل جمله می‌شود.

۲- ضمایر شخصی مفعولی: ضمیری است که جایگزین مفعول جمله می‌شود.

ضمیر شخصی فاعلی

ضمیر شخصی فاعلی یا **subject pronoun** ضمیری است که جایگزین فاعل جمله می‌شود. این ضمایر در فارسی دارای معادل هستند (من، تو، او، ما، شما، آنها) به مثال‌های زیر توجه کنید:

" I " like your dress .

"من" لباس شما را دوست دارم.

" He " is my friend .

"او" دوست من است.

شما می‌توانید ضمایر فاعلی را در جدول زیر مشاهده کنید:

فاعل جمله	فارسی	انگلیسی
اول شخص مفرد	من	I
دوم شخص مفرد	تو	you
سوم شخص مفرد	او	he / she / it
اول شخص جمع	ما	we
دوم شخص جمع	شما	you
سوم شخص جمع	آنها	they

دو نکته درباره ضمایر شخصی

۱- در زبان انگلیسی تفاوتی بر خلاف زبان فارسی بین ضمیر "تو" و "شما" وجود ندارد و برای هر دو از ضمیر "you" استفاده می‌کنند.

۲- ضمیر سوم شخص مفرد در انگلیسی سه حالت مختلف دارد He. ضمیر شخصی مفرد مذکر، she ضمیر سوم شخص مفرد مونث و it ضمیر سوم شخص مفرد غیر انسان است. مونث و مذکر بودن اسامی در انگلیسی به جنسیت طبیعی‌شان بستگی دارد.

ضمیر It برای اشاره به حیوانات استفاده می‌شود. البته گاهی هم از ضمایر he و she برای حیوانات نیز استفاده می‌کنیم. اگر از جنسیت اسم مطمئن نیستیم از ضمیر سوم شخص جمع (they) استفاده می‌کنیم.

You could go to a doctor . They might help you .

تو می‌توانی به دکتر بروی. او به تو کمک می‌کند.

چون جنسیت واژه "دکتر" مشخص نیست از they استفاده شد.

ضمایر شخصی مفعولی

ضمایر شخصی مفعولی جایگزین مفعول جمله می‌شوند. در زبان فارسی این ضمایر معادلی ندارد و ما ضمیر مفعولی را با ترکیب حروف اضافه (معمولا "را" و "به") با ضمیر می‌سازیم (به من، برای او ...). این ضمیر دو کاربرد دارد:

۱- از ضمایر شخصی مفعولی به جای مفعول جمله استفاده می‌کنیم.

Can you help " me " please ?

می‌توانی "به من" کمک کنی؟

I saw " her " in town today .

من امروز "او را" در شهر دیدم.

۲- از ضمایر شخصی مفعولی در عبارت‌های حرف اضافه‌ای که نقش متمم دارند بعد از حروف اضافه استفاده می‌کنیم:

I'll speak " to them " .

من "با آنها" صحبت خواهم کرد.

Give it " to him " .

آن را "به او" بده.

شما می‌توانید ضمایر مفعولی را در جدول زیر مشاهده کنید:

ضمایر مفعولی	مفعول جمله
me	اول شخص مفرد
you	دوم شخص مفرد
him / her / it	سوم شخص مفرد
us	اول شخص جمع

you	دوم شخص جمع
them	سوم شخص جمع

ضمیر اشاره

ضمایر اشاره یا **demonstrative pronouns** همانطور که از اسم‌شان پیداست برای اشاره کردن به چیزی یا گاهی اوقات به شخصی استفاده می‌شود. این ضمایر در زبان انگلیسی شامل (this) اشاره به چیز مفرد نزدیک (that) اشاره به چیز مفرد دور (these) اشاره به چیزهای نزدیک و (those) اشاره به چیزهای دور هستند. جملاتی که با این ضمایر ساخته می‌شوند، همیشه سوم شخص هستند.

ضمایر اشاره نزدیک

this و **these** به معنای "این" و "اینها" ضمایر اشاره نزدیک هستند که برای اشاره به اشیا یا افراد نزدیک استفاده می‌شوند. در انگلیسی کاربردهای مختلفی دارند که در ادامه با چند تا از این کاربردها آشنا می‌شویم:

۱- برای صحبت کردن راجع به افراد یا اشیا نزدیک. به مثال‌های زیر توجه کنید:

This is a nice cup of tea .

این یک فنجان چای خوش طعم است.

Whose shoes are these ?

اینها کفش‌های کیست؟

۲- برای معرفی کردن اشخاص به دیگران برای اولین بار. به مثال‌های زیر توجه کنید:

This is Janet .

این "جنت" است.

These are my friends , John and Michael .

اینها دوستان من هستند، "جان" و "مایکل".

توجه کنید

دقت کنید که برای معرفی اشخاص باید برای هر کدام از اشخاص از ضمیر اشاره استفاده کنیم، یعنی نمی‌توانیم با یک ضمیر اشاره دو نفر را معرفی کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

These are John and Michael . (نادرست)

این مثال به این دلیل نادرست است که برای اشاره به افراد از ضمیر اشاره **these** استفاده کرده است

This is John and this is Michael . (درست)

۳: برای معرفی خود پشت تلفن. به مثال زیر توجه کنید

Hello , this is David , Can I speak to Sally ?

الو، "دیوید" هستم، می‌توانم با "سالی" صحبت کنم؟

ضمایر اشاره دور

those و that به معنای "آن" و "آنها" ضمائر اشاره دور هستند که برای اشاره به اشیا و افراد دور استفاده می‌شود. در انگلیسی کاربردهای مختلفی دارند که در ادامه با چند تا از این کاربردها آشنا می‌شویم:

۱- برای اشاره به اشیا و افراد دور. به مثال‌های زیر توجه کنید:

This is our house , and that's Rebecca's house over there .

این خانه ماست، و آن طرف خانه "ریکا" است.

Those are very expensive shoes .

آنها کفش‌های بسیار گران قیمتی هستند.

۲- استفاده از that برای اشاره به حرف یا کاری در گذشته یا حال. در زبان فارسی معمولاً در این کاربرد that را ترجمه نمی‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

A : Shall we go to the cinema ?

چطور است به سینما برویم؟

B : Yes , that's a good idea .

آره، فکر خوبی است.

A : I've got a new job .

من شغل جدیدی پیدا کرده‌ام.

B : That's great .

عالی است.

A : I'm very tired .

من خیلی خسته‌ام.

B : Why is that ?

دلیلش چیست؟

جدول ضمائر اشاره

در جدول زیر می‌توانید ضمائر اشاره در زبان انگلیسی را با معادل‌هایشان در فارسی مشاهده کنید:

جمع	مفرد	
these	this	نزدیک
those	that	دور

توجه

در زبان انگلیسی ضمیر اشاره هم از لحاظ دوری و نزدیکی و هم از نظر مفرد و جمع بودن تابع اسم خود است اما در زبان فارسی تنها از لحاظ دوری و نزدیکی تابع هم هستند. یعنی در زبان فارسی اگر اسم جمع هم باشد ضمیر اشاره مفرد استفاده می‌شود. به مثال زیر توجه کنید:

These shoes are black .

این کفش‌ها مشک‌ها هستند.
همانطور که دیدید با این که ضمیر اشاره در انگلیسی جمع نزدیک بود اما در فارسی مفرد نزدیک ترجمه شد.

ضمیر نامعین

Indefinite Pronouns یا ضمیر نامعین در زبان انگلیسی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که بخواهیم درباره چیز یا فردی نامشخص و مبهم صحبت کنیم یا اینکه در مورد موضوعی عمومی بدون توجه به فرد یا چیزی خاص صحبت کنیم. در جدول زیر ابتدا با این ضمیر آشنا می‌شویم:

something	someone	somebody
anything	anyone	anybody
nothing	no one	nobody
everything	everyone	everybody

نکته

از ضمیری که آخرشان -body یا -one دارد برای اشاره به افراد و ضمیری که آخرشان -thing دارد برای اشاره به اشیا استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Everybody enjoyed the concert .

همه از کنسرت لذت بردند.

I opened the door but there was no one at home .

من در را باز کردم اما هیچ کس خانه نبود.

Everything is beautiful in this village .

همه چیز در این روستا زیبا است.

ما بعد از ضمیر نامعین از فعل مفرد استفاده می‌کنیم. در فارسی این ضمیر گاهی با فعل مفرد و گاهی با فعل جمع ترجمه می‌شوند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Everybody loves Sally .

همه عاشق "سالی" هستند.

Everything was ready for the party .

همه چیز برای مهمانی آماده بود.

وقتی ضمیری به یک ضمیر نامعین برگردد، معمولاً از ضمیر جمع استفاده می‌شود. به مثال زیر توجه کنید:

Everybody enjoyed the concert . " They " stood up and clapped .

همه از کنسرت لذت بردند. آنها ایستادند و کف زدند.

این ضمایر را می‌توان با اضافه کردن S¹ به ضمایر ملکی نامعین تبدیل کرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

They were staying in somebody's house .

آنها در خانه کسی اقامت داشتند.

Is this anybody's coat ?

آیا این پالتوی کسی است؟

ما از ضمایر نامعینی که با no- شروع می‌شوند به عنوان فاعل جملات منفی استفاده می‌کنیم. دقت کنید که ضمایر نامعینی که با any- شروع می‌شوند در جملات منفی کاربرد ندارند. اما در زبان فارسی، برعکس انگلیسی، ضمایر نامعین با جملات منفی می‌آیند: مثلاً، "هیچکس نیامد."

Anybody didn't come . (نادرست)

این مثال به این دلیل اشتباه است که در جمله منفی از ضمیر anybody استفاده شده است.

Nobody came . (درست)

هیچکس نیامد.

فعل جملاتی که در آن ضمایر نامعینی که با no- شروع می‌شوند باید مثبت باشد. به عبارت دیگر، چنین جمله‌ای به وسیله ضمیر نامعین منفی شده است و دیگر نیازی به عنصر منفی‌کننده دیگری در جمله وجود ندارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Nobody came .

هیچکس نیامد.

Nothing happened .

هیچ اتفاقی نیفتاد.

نکته

وقتی بخواهیم علاوه بر افراد یا اشیای ذکر شده به چیزها یا افراد دیگری هم اشاره کنیم به انتهای ضمایر نامعین واژه else را اضافه می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

If Michael can't come we'll ask somebody else .

اگر "مایکل" نمی‌تواند بیاید از کس دیگری خواهش خواهیم کرد.

So that's eggs , peas and chips . Do you want anything else ?

خب این هم از تخم مرغ، نخود فرنگی و چیپس. چیز دیگری هم لازم داری؟

ضمایر پرسشی

در زبان انگلیسی وقتی ضمایر موصولی what, which, who, whom و whose در ابتدای جملات پرسشی یا جملات پرسشی غیرمستقیم بیایند، ضمیر پرسشی یا **interrogative pronouns** خوانده می‌شوند. ضمیرهای پرسشی همانطور که از اسم‌شان مشخص است برای سوال کردن به کار برده می‌شوند.

توجه

توجه کنید که سایر کلمات پرسشی مثل **when, where, how** ضمیر محسوب نمی‌شوند و قید هستند.

ضمیر پرسشی **who**

از ضمیر پرسشی **who** به معنای (چه کسی، کی) برای سوال پرسیدن درباره افراد استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Who lives here ?

کی اینجا زندگی می‌کند؟

Who did you see ?

چه کسی را دیدی؟

ضمیر پرسشی **whose**

از ضمیر پرسشی **whose** (برای کی، مال چه کسی) برای سوال کردن درباره مالکیت چیزی که برای ما مشخص نیست استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Whose coat is this ? [یا] Whose is this coat ?

این پالتو مال کیست؟

ضمیر پرسشی **what**

از ضمیر پرسشی **what** (چی، چه چیز) برای سوال کردن درباره چیزی استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

What is that ?

آن چیست؟

What do you want ?

چه می‌خواهی؟

ضمیر پرسشی **which**

از ضمیر پرسشی **which** (کدام یک) برای سوال کردن از یک نفر درباره اینکه کدام چیز را انتخاب می‌کند، استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I've got two books . Which do you want ?

من دو تا کتاب دارم. کدام یک را می‌خواهی؟

نکته

ضمیر واژه‌ای است که جایگزین اسم می‌شود، اما می‌توانیم از ضمیر **What** و **which** همراه با اسم هم استفاده کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

What newspaper do you read ?

چه روزنامه‌ای می‌خوانی؟

Which book do you want ?

کدام کتاب را می‌خواهی؟

سوالات پرسشی با حرف اضافه

جملات پرسشی که در انتهای آن حرف اضافه بیاید، در انگلیسی (به خصوص انگلیسی آمریکایی) بسیار پرکاربرد است. گاهی اوقات بعد از **what, which** و **who** از حروف اضافه در انتهای جملات پرسشی استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Who does this book belong to ?

این کتاب متعلق به چه کسی است؟

Which university did you go to ?

به کدام دانشگاه رفتی؟

What are you looking for ?

دنبال چه چیزی می‌گردی؟

ضمایر انعکاسی

ضمیر انعکاسی یا **reflective pronoun** در زبان انگلیسی ضمیری است که معمولاً هنگام یکسان بودن فاعل و مفعول جمله، به عنوان مفعول جمله به کار می‌رود. این ضمایر در زبان فارسی به صورت شکل شده از واژه "خود" نوشته می‌شوند. در جدول زیر با این ضمایر آشنا می‌شویم:

فارسی	انگلیسی	ضمیر انعکاسی
خودم	myself	اول شخص مفرد
خودت	yourself	دوم شخص مفرد
خودش	himself / herself / itself	سوم شخص مفرد
خودمان	ourselves	اول شخص جمع

کاربردهای ضمایر انعکاسی

۱- وقتی فاعل و مفعول یک فعل یکسان باشد، ضمیر انعکاسی می‌تواند به عنوان "مفعول اول یا مستقیم" به کار رود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I am teaching myself to play the piano .

من دارم به خودم پیانو یاد می‌دهم.

Be careful with that knife . You might cut yourself .

مراقب آن چاقو باش. ممکن است خودت را ببری.

ما می‌توانیم با بسیاری از افعال گذرا از ضمیر انعکاسی استفاده کنیم؛ در جدول زیر با چند تا از پرکاربردترین این نوع افعال آشنا می‌شویم.

help	enjoy	dry	cut	blame	amuse
------	-------	-----	-----	-------	-------

teach	satisfy	prepare	kill	introduce	hurt
-------	---------	---------	------	-----------	------

نکته

برخی افعال وقتی با ضمیر انعکاسی همراه می‌شوند معنایشان اندکی دچار تغییر می‌شود، مثلا افعال **find, see, help, behave, apply, content** و ... توجه کنید که در فارسی این افعال را همیشه نمی‌توان به صورت انعکاسی ترجمه و کاملا باید از فعلی دیگر برای ترجمه استفاده کرد. برای مثال فعل **help** معنی "کمک کردن" می‌دهد، اما **help oneself** به معنی به خود کمک کردن نیست، بلکه معنای "پذیرایی کردن" و "میل کردن" می‌دهد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Would you like to help yourself to another drink ?
= Would you like to take another drink .

یک نوشیدنی دیگر میل دارید؟

I wish the children would behave themselves . =
I wish the children would behave well .

ای کاش بچه‌ها خوب رفتار کنند. [رفتار خوبی داشته باشند].

فعل **behave oneself** لزوما در فارسی به صورت انعکاسی ترجمه نمی‌شود و از فعل "مودب بودن" یا "خوش‌رفتار بودن" می‌توان استفاده کرد.

I saw myself as a famous actor . = I imagined that I was a famous actor .

من خود را هنرپیشه مشهوری تصور می‌کردم.

توجه

ما در حالت عادی، با افعالی که بیانگر کاری هستند که خود فرد انجام می‌دهد، مثلا شستن، لباس پوشیدن و اصلاح کردن و (... wash, dress, shave) ... از ضمائر انعکاسی استفاده نمی‌کنیم. در صورتی از ضمائر انعکاسی استفاده می‌کنیم که بخواهیم تاکید روی انجام شدن کار داشته باشیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

He washed in cold water . (He washed himself in cold water : اشتباه)

او با آب سرد حمام کرد.

He always shaved before going out in the morning .

(He always shaved himself before going out in the morning . : اشتباه)

او همیشه صبح‌ها قبل از بیرون رفتن از خانه اصلاح می‌کند.

He dressed himself in spite of his injuries . (برای تاکید)

او علیرغم جراحاتش خودش لباس پوشید.

۲- وقتی فاعل و مفعول یک فعل یکسان باشد، ضمیر انعکاسی می‌تواند به عنوان "مفعول دوم یا غیر مستقیم" به کار رود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

We've brought ourselves something to eat .

ما برای خودمان چیزی برای خوردن خریدیم.

Would you like to pour yourself a drink ?

دوست دارید یک نوشیدنی دیگر برای خودتان بریزید؟

۳- وقتی فعل جمله با حرف اضافه‌ای آمده باشد، از ضمیر انعکاسی می‌توان بعد از حرف اضافه و به عنوان متمم استفاده کرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

They had to cook for themselves .

آنها مجبور شدند برای خودشان غذایی بپزند.

He was feeling very sorry for himself .

او خیلی برای خودش متاسف بود.

توجه کنید

توجه کنید که بعد از حروف اضافه مکان از ضمیر شخصی استفاده می‌کنیم نه از ضمیر انعکاسی. بعد از حرف اضافه‌هایی مثل with (به معنای همراه با) نیز ضمیر شخصی استفاده می‌شود نه ضمیر انعکاسی. به مثال‌های زیر توجه کنید:

He had a suitcase beside " him " .

او در کنار خود یک چمدان داشت.

She had a few dollars with " her " .

او همراه خود چند دلار داشت.

۴- وقتی می‌خواهیم نشان دهیم که کسی کاری را به تنهایی یا بدون کمک کسی انجام داده بعد از حرف اضافه by ضمیر انعکاسی می‌آوریم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I prepared the whole meal by myself .

من تمام غذا را خودم تنهایی درست کردم.

He lived by himself in an enormous house .

او در آن خانه بسیار بزرگ تنهایی زندگی می‌کرد.

۵- برای تاکید کردن بر فرد یا چیز خاصی از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم، مخصوصاً وقتی راجع به فردی مشهور صحبت می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Mary herself has made this cake .

"ماری" خودش این کیک را درست کرده است.

Elvis Presley himself sang the final song .

خود "الویس پریسلی" آهنگ آخر را خواند.

نکته

معمولاً وقتی می‌خواهیم به انجام شدن کار توسط خود فاعل تاکید کنیم در انتهای آن عبارت از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I baked the bread myself .

من خودم نان را پختم.

She mended the car herself .

او خودش ماشین را تعمیر کرد.

ضمایر متقابل

ضمایر **one another** (و **each other**) همدیگر و یکدیگر (ضمایر متقابل یا دوسویه یا **Reciprocal Pronouns** نامیده می‌شوند. از این ضمایر در زبان انگلیسی زمانی استفاده می‌شود که فاعل جمله جمع باشد و فعل جمله مفهوم انجام عمل متقابل را بدهد.

در اصل **each other** برای اشاره به دو نفر و **one another** برای بیشتر از دو نفر به کار می‌رود، اما این تمایز در انگلیسی مدرن کم کم دارد از بین می‌رود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Peter and Mary helped one another .

= Peter helped Mary and Mary helped Peter .

"پیتر" و "ماری" به یکدیگر کمک کردند.

They didn't look at each other .

= He didn't look at her and she didn't look at him .

آنها به همدیگر نگاه نمی‌کردند.

ما می‌توانیم به این ضمایر شکل ملکی هم بدهیم **each other's** (و **one another's**) و از آن به عنوان ضمیر ملکی هم استفاده کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

We often stayed in one another's houses .

ما اغلب در خانه‌های یکدیگر می‌ماندیم.

توجه

توجه داشته باشید که ما هیچوقت از ضمایر متقابل به عنوان فاعل جمله استفاده نمی‌کنیم.

ضمایر one و ones

از ضمایر **one** و **ones** در زبان انگلیسی به منظور جلوگیری از تکرار بی‌مورد یک اسم استفاده می‌شود و به آنها ضمایر غیرشخصی یا **Impersonal Pronouns** هم گفته می‌شود. این ضمایر جایگزین اسامی می‌شوند **one**. جایگزین اسامی مفرد و **ones** جایگزین اسامی جمع می‌شود.

کاربرد one و ones

اگر بخواهیم از بین یک مجموعه یک فرد یا چیز را انتخاب کنیم از **one/ones** استفاده می‌کنیم. اگر بخواهیم به یک فرد یا چیز اشاره کنیم از **one** و اگر بخواهیم به چند فرد یا چیز اشاره کنیم از **ones** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

See those two girls ? Helen is the tall one and Jane is the short one .

آن دو دختر را می‌بینی؟ "هلن" آن قد بلنده و "جین" آن قد کوتاهه است.
در این مثال از بین گروهی از دخترها ما با استفاده از **one** به دو دختر خاص (بلند قد و کوتاه قد) اشاره کردیم.
Let's look at the photographs . The ones you took in Paris .

بیا عکس‌ها را ببینیم. آن‌هایی که در پاریس گرفتی.
در مثال دوم هم از بین مجموعه عکس‌ها با **ones** به عکس‌های خاصی اشاره شد.

در جملات سوالی اغلب پس از ضمیر پرسشی **which** ، از ضمیر **one** و **ones** استفاده می‌کنیم. در این کاربرد این ضمیر معنای "یک" می‌دهد. گاهی اوقات در زبان فارسی این ضمیر را ترجمه نمی‌کنیم و فقط از واژه "کدام" استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

You can borrow a book . Which one do you want ?

می‌توانید یک کتاب قرض بگیرید. کدام (یک) را می‌خواهید؟

There are lots of books here . Which ones are yours ?

اینجا کتاب‌های بسیاری وجود دارد. کدام‌ها [کدام یک از آنها] مال شماست؟

ضمایر نامعین **you** و **they**

در زبان انگلیسی از ضمیر **you** و **they** زمانی استفاده می‌کنیم که می‌خواهیم به صورت کلی حرف بزنیم و شخص خاصی مدنظر نداریم. در زبان فارسی این جمله‌ها را با "آدم" می‌سازند، مثلا (آدم می‌تواند آنلاین خرید کند، آدم نباید اینجا پارک کند). در زبان انگلیسی برای این جملات فاعل جداگانه‌ای وجود ندارد و ما از ضمیر **you** و **they** برای صحبت کردن درباره مردم به طور کلی استفاده می‌کنیم، چه شامل گوینده باشد و چه شنونده. به مثال زیر توجه کنید:

You can buy this book anywhere .

می‌توانید این کتاب را از هر کجا بخرید.

جمله‌ای که مخاطب خاصی ندارد، مثل نمونه بالا را می‌توان به سه روش ترجمه کرد:

۱- با فاعل "آدم"، مثلا: آدم می‌تواند این کتاب را از هر کجا بخرد.

۲- با حذف فاعل، مثلا: می‌توان این کتاب را از هر کجا خرید.

۳- با شناسه فاعلی، مثلا: می‌توانید این کتاب را از هر کجا بخرید.

به یک نمونه دیگر از این جمله‌ها توجه کنید:

You can't park here .

نمی‌توانید اینجا پارک کنید.
ما از **they** و **them** نیز برای صحبت کردن درباره مردم به طور کلی استفاده می‌کنیم.

They serve good food here .

اینجا غذاهای خوبی سرو می‌کنند.

نکته

وقتی می‌خواهیم درباره دولت و مقامات مسئول صحبت کنیم و نمی‌خواهیم از شخص خاصی نام ببریم، از ضمیر **they** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

They are going to increase taxes .

آنها [دولت] قرار است مالیات‌ها را افزایش دهند.

They don't let you smoke in here .

آنها [مسئولین] اجازه نمی‌دهند اینجا سیگار بکشید.

ضمایر مصنوعی

there و **it** در زبان انگلیسی دو ضمیر نسبتاً پرکاربرد هستند که در این درس می‌خواهیم با کاربردها و ساختار گرامری این دو آشنا شویم. این دو ضمیر در انگلیسی ضمایر مصنوعی یا **dummy pronouns** نامیده می‌شوند. برای اینکه راحت‌تر این دو ضمیر را یاد بگیریم بهتر است ابتدا با مفهوم ضمیر مصنوعی آشنا شویم:

ضمیر مصنوعی

ضمیر مصنوعی (**dummy pronoun**) زمانی به کار می‌رود که ما در جمله فاعل مشخص نداریم، ولی از آنجا که فعل باید فاعلی داشته باشد و جمله بدون فاعل ناقص است، از ضمایر مصنوعی مانند **there** و **it** استفاده می‌کنیم. این ضمایر در زبان فارسی وجود ندارند و در نتیجه معادلی هم ندارند. در ادامه با دو ضمیر مصنوعی **it** و **there** بیشتر آشنا می‌شویم.

ضمیر مصنوعی **there**

وقتی ضمیر **there** با فعل **be** و یک عبارت اسمی بیاید، از آن به عنوان ضمیر مصنوعی استفاده می‌کنیم. این ترکیب (**there is/was/were/are**) کاربردهای مختلفی دارد که در ادامه با پنج تا از این کاربردها آشنا می‌شویم.

۱- برای معرفی موضوعی جدید یا اعلام کردن خبر جدید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

" There is " a meeting this evening . It will start at seven .

امروز غروب جلسه‌ای برگزار می‌شود. جلسه ساعت هفت شروع می‌شود.

" There has been " an accident . I hope no one is hurt .

تصادف شده است. امیدوارم کسی صدمه ندیده باشد.

۲- برای بیان تعداد یا مقدار چیزی. در این کاربرد بعد از **there was/were/is/are** صفات یا قید شمارشی (مثل **some, a lot of, many**) می‌آید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

" There was " a lot of rain last night .

دیشب باران زیادی بارید.

" There were " five hundred seats in the conference hall .

پانصد صندلی در سالن همایش بود.

۳- برای نشان دادن مکان و جای چیزی یا شخصی. به مثال‌های زیر توجه کنید:

" There used to be " a playground at the end of the street .

قبلاً در انتهای خیابان یک زمین بازی بود.

" There are " people at home .

افراد در خانه حضور دارند.

۴- با ضمائر نامعین مقدار (مثل **some, a lot of, many**) و مصدر با **to** به مثال‌های زیر توجه کنید:

" There is " a lot of work to do .

کار زیاد برای انجام دادن هست.

" There was " nothing to watch on television .

تلویزیون هیچ برنامه برای تماشا کردن نشان نمی‌داد.

نشان دادن فاعل در جملات با مصدر **to**

دقت کنید که برای نشان دادن فاعل در جملاتی که با ساختار **there** با ضمیر نامعین و مصدر با **to** ساخته می‌شوند، از حرف اضافه **for** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

There is nothing for the children to do in the village .

در روستا هیچ کاری برای بچه‌ها نیست که انجام دهند.

There is a lot of work for you to do .

کارهای زیادی برای تو هست که انجام‌شان دهی.

۵- با ضمائر نامعین مقدار (مثل **some, a lot of, many**) و مصدر با **ing** به مثال‌های زیر توجه کنید:

There is someone waiting to see you .

کسی منتظر است که تو را ببیند.

There were a lot of people shouting and waving .

آدم‌های زیادی داد می‌زدند و دست تکان می‌دادند.

نکته

اگر عبارت اسمی در جمله‌ای که با **there** آمده مفرد بود از فعل مفرد و اگر عبارت اسمی جمع بود از فعل جمع استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

There were some biscuits in the cupboard .

چند تا بیسکویت در کابینت بود.

There was a lot of rain last night .

دیشب باران زیادی بارید.

ضمیر مصنوعی it

در انگلیسی از ضمیر مصنوعی it در کاربردهای زیادی استفاده می‌شود، مثلا برای بیان تاریخ، آب و هوا، ساعت و ... که در این بخش با این کاربردها آشنا می‌شویم.

۱- برای بیان تاریخ. به مثال زیر توجه کنید:

It's January 4th .

چهارم ژانویه است.

۲- برای بیان ساعت. به مثال زیر توجه کنید:

It's one o'clock .

ساعت یک است.

۳- برای بیان وضعیت آب و هوا. به مثال‌های زیر توجه کنید:

It's raining .

هوا بارانی است. [دارد باران می‌بارد].

It was getting cold .

هوا داشت سرد می‌شد.

It's a beautiful day .

روز قشنگی است.

۴- برای نظر دادن راجع به شرایط یک مکان. به مثال‌های زیر توجه کنید:

It's very cold in here .

اینجا خیلی سرد است.

It's very comfortable in my new apartment .

آپارتمان جدید من خیلی راحت است.

۵- برای نظر دادن با استفاده از ساختار مصدر با to. به مثال‌های زیر توجه کنید:

It's nice to meet you .

از آشنایی با شما خوشبختم.

It was interesting to meet your brother .

دیدار کردن با برادرت جالب بود.

۶- برای نظر دادن با استفاده از ساختار فعل ing. به مثال‌های زیر توجه کنید:

It's great living in Spain .

زندگی کردن در اسپانیا عالی است.

It's awful driving in this heavy traffic .

رانندگی کردن در ترافیک سنگین خیلی بد است.

استفاده از it برای صحبت کردن درباره انسان

ما از it برای صحبت کردن درباره خودمان (ourselves) استفاده می کنیم. مثلا:

۱- وقتی می خواهیم خودمان را پشت تلفن معرفی کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

Hello . It's George .

الو. "جرج" هستم.

۲- وقتی کسی ما را نمی بیند، مثلا وقتی که پشت در هستیم یا پشت تلفن صحبت می کنیم. (مثال زیر جمله را نشان می دهد که وقتی پشت در هستیم برای معرفی خود بیان می کنیم.)

It's me . It's Mary .

[ماری پشت در است] منم. "ماری" هستم.

ما از It برای صحبت کردن راجع به دیگران (other people) نیز استفاده می کنیم. مثلا:

۱- وقتی برای اولین بار به کسی اشاره می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

Who's that ? I think it's John's brother .

او چه کسی است؟ فکر کنم برادر "جان" است.

۲- وقتی پشت تلفن می خواهیم بدانیم چه کسی دارد با ما صحبت می کند. (مثال زیر جمله ای را نشان می دهد که بعد از جواب دادن تلفن می گوییم.)

Hello . Who is it ?

[تلفن زنگ می زند، ما جواب می دهیم] الو. چه کسی صحبت می کند؟

۳- وقتی کسی را (مثلا کسی که پشت در است) نمی بینیم. (مثال زیر جمله ای است که هنگام باز کردن در بازگو می کنیم.)

Who is it ?

[کسی در را می زند. ما می گوییم] کیه؟

ضمایر موصولی

ضمایر موصولی یا به عبارت دیگر ضمایر نسبی یا **Relative Pronouns** در زبان انگلیسی ضمایی هستند که از آنها برای نشان دادن رابطه یک اسم با موضوعی خاص استفاده می شود. این ضمایر در ابتدای یک عبارت موصولی قرار می گیرند و اطلاعاتی درباره اسم قبل از خود می دهند. ابتدا در جدول زیر با این ضمایر بیشتر آشنا می شویم:

ضمایر موصولی	ضمایر موصولی فاعلی	ضمایر موصولی مفعولی	ضمایر موصولی ملکی
افراد	who	who(m)	whose

whose	which	which	اشیا
	that	that	افراد و اشیا

این ضمایر در انگلیسی کاربردهای مختلفی دارند که در ادامه با آنها آشنا می‌شویم.

۱- ما برای مشخص کردن اینکه درباره چه فرد یا چیزی صحبت می‌کنیم، از ضمیر موصولی بعد از یک اسم استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

the house that Jack built

خانه‌ای که "جک" ساخته

the woman who discovered radium

خانمی که رادیوم را کشف کرده

۲- گاهی اوقات برای دادن اطلاعات بیشتر یا اضافی از ضمیر موصولی استفاده می‌کنیم. معمولاً این جمله یا عبارت اضافی بین دو ویرگول "،" می‌آید و حذف شدن آن از جمله آسیبی به کل جمله نمی‌رساند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Lord Thompson , who is 76 , has just retired .

لرد "تامسون"، که ۷۶ ساله است، تازه بازنشسته شده است.

We had fish and chips , which is my favorite meal .

ما ماهی و سیب زمینی سرخ کرده داشتیم، که غذای مورد علاقه من است.

توجه

توجه کنید که در کاربرد ۲ ما از ضمیر **that** نمی‌توانیم به عنوان فاعل جملات و عبارات اضافی استفاده کنیم.

ضمیر موصولی **whose** حالت ملکی ضمیر **who** است و برای نشان دادن مالکیت چیزی به کار می‌رود. به مثال زیر توجه کنید:

This is George , whose brother went to live in Germany .

این "جرج" است، کسی که برادرش برای زندگی به آلمان رفت.

ما گاهی اوقات از ضمیر موصولی مفعولی **whom** در جملات استفاده می‌کنیم، اما این ضمیر در انگلیسی مدرن در حال از بین رفتن است و انگلیسی زبان‌ها در حالت مفعولی هم از ضمیر **who** استفاده می‌کنند.

This is George , whom you met at our house last year .

این "جرج" است، کسی که پارسال در خانه ما با او ملاقات کردید.

This is George , who you met at our house last year .

این "جرج" است، کسی که پارسال در خانه ما با او ملاقات کردید.

وقتی ضمیرهای **whom** و **which** با حرف اضافه همراه باشند، آن حرف اضافه می‌تواند یا در ابتدای عبارت بیاید یا در انتهای عبارت.

I had an uncle in Germany , " from " whom I inherited a bit of money .

من عمویی در آلمان داشتم، که از او پول اندکی برایم به ارث رسید.

We bought a chainsaw , which we cut all the wood up " with " .

ما یک اره برقی خریدیم، که می‌توانیم با آن هر چوبی را ببریم.

در مثال‌های بالا می‌توانیم ضمیر **that** را جایگزین **which** و **whom** کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I had an uncle in Germany that I inherited a bit of money from .

من عمویی در آلمان داشتم، که از او پول اندکی برایم به ارث رسید.

We bought a chainsaw that we cut all the wood up with .

ما یک اره برقی خریدیم، که می‌توانیم با آن هر چوبی را ببریم.

فعل

افعال واژه‌هایی هستند که یا نشان‌دهنده حالت و چگونگی وقوع عملی هستند که به آنها افعال حالت (state verbs) می‌گوییم، یا عملی را که فاعل انجام می‌دهد، نشان می‌دهند که به آنها افعال کنشی (action verbs) می‌گویند.

شکل‌های گرامری فعل

در زبان انگلیسی افعال از لحاظ گرامری پنج حالت خاص به خود می‌گیرند که هر کدام خصوصیات خود را دارند.
۱- شکل ساده فعل: این حالت شکل طبیعی فعل است و هیچ نشانه خاصی ندارد. به مثال‌ها توجه کنید:

- Work کار کردن
- play بازی کردن
- listen گوش کردن

این شکل افعال در زمان حال ساده استفاده می‌شود. در این حالت در سوم شخص مفرد به فعل **s** یا **es** اضافه می‌کنیم. این حالت از معدود حالت‌های صرف شدن افعال در انگلیسی است.

۲- حالت **gerund** یا مصدر با **ing**. این حالت افعال که در فارسی به آن "اسم مصدر" می‌گوییم برای ساخت زمان‌های استمراری استفاده می‌شود. در این حالت در انگلیسی به هر فعلی **ing** اضافه می‌کنیم و در فارسی به انتهای بن ماضی **-ن** اضافه می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- working کار کردن
- playing بازی کردن
- listening گوش کردن

۳- شکل گذشته افعال که خود به دو حالت تقسیم می‌شود. افعال باقاعده که به صورت معمول و با قاعده با اضافه کردن -ed به آخر افعال ساخته می‌شود و افعال بی‌قاعده که باید شکل گذشته آنها را به خاطر سپرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- worked
- played
- listened

۴- شکل سوم افعال (Past participle) یا به صورت خلاصه (p.p.) که در فارسی به آن اسم مفعول هم گفته می‌شود. شکل سوم افعال باقاعده و بی‌قاعده هستند. شکل سوم باقاعده به صورت معمول با اضافه کردن -ed به آخر افعال ساخته می‌شود. شکل سوم بی‌قاعده افعال را باید به خاطر سپرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- worked
- played
- listened

۵- شکل مصدر با to یا to infinitive که با اضافه کردن to به شکل ساده فعل درست می‌شود. این حالت افعال بدون زمان و بدون شخص هستند و تنها معنای فعل را می‌رسانند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- to work
- to play
- to listen

نقش افعال

هیچ جمله یا جمله‌واره مستقلی بدون وجود فعل کافی نیست. فعل یک واژه ندا با نقش اصلی (interjection) تلقی می‌شود چرا که به تنهایی می‌تواند خود یک جمله محسوب شود، مثلاً در جملات امری. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Stop: بس کن

Come: بیا

انواع افعال از لحاظ ساختاری

از لحاظ ساختاری و شکل ظاهری، می‌توان افعال را به سه دسته تقسیم کرد.

۱- افعال ساده (simple verbs)

۲- افعال عبارتی (phrasal verbs)

۳- افعال ترکیبی (compound verbs)

افعال ساده هیچ علامت یا حرف اضافه‌ای به خود نمی‌گیرند و تنها از یک واژه ساخته شده‌اند.

He spoke angrily: او با عصبانیت صحبت کرد.

افعال عبارتی از ترکیب یک فعل به علاوه یک یا دو حرف اضافه درست می‌شوند. این فعل‌های عبارتی با داشتن حرف اضافه معمولاً معنای متفاوتی با شکل ساده خود خواهند داشت.

I came up with an idea: ایده‌ای به ذهنم خطور کرد.

افعال ترکیبی افعالی هستند که از ترکیب دو فعل یا یک فعل به علاوه اسم درست می‌شوند.

She goes shopping twice a week: او دو بار در هفته به خرید می‌رود.

انواع فعل از لحاظ دستوری

از لحاظ نقش دستوری که افعال در جمله به خود می‌گیرند، می‌توان افعال را به دو دسته "افعال کمکی (auxiliary verbs) و "افعال وجهی (modal verb) تقسیم‌بندی کرد.

افعال کمکی معمولاً قبل از یک فعل دیگر (فعل اصلی) در جمله قرار می‌گیرند و برای سوالی کردن، منفی کردن، ساختن زمان‌های خاص و حالت مجهول استفاده می‌شوند. افعال کمکی اصلی در زبان انگلیسی be, have, do است.

He is playing football: او دارد فوتبال بازی می‌کند.

انواع افعال از لحاظ مفعولی

افعال را می‌توان از نظر نیازشان به مفعول (object) یا مسند (complement) به "افعال گذرا (transitive verbs)" ، "افعال ناگذر (intransitive verbs)" ، "افعال کنایی (ergative verbs) و "افعال انعکاسی (reflexive verbs)" تقسیم‌بندی کرد.

افعال ناگذر به افعالی گفته می‌شود که تنها به فاعل نیاز دارند.

He ran: او دوید.

افعال گذرا افعالی هستند که علاوه بر فاعل به مفعول هم نیاز دارند و بدون مفعول معنای جمله کامل نمی‌شود.

He gave me the book: او کتاب را به من داد.

افعال کنایی یا ارگاتیو افعالی هستند که هم گذرا و هم ناگذر هستند و با توجه به اینکه مفعول بگیرند یا نه معنایشان تغییر می‌کند.

The bus was moving: اتوبوس در حال حرکت کردن بود.

افعال انعکاسی افعالی هستند که زمانی به کار می‌روند که فاعل و مفعول جمله یکسان باشد.

They enjoyed themselves: به آنها خوش گذشت.

فعل be در زبان انگلیسی

فعل be پرکاربردترین فعل زبان انگلیسی است. این فعل از معدود فعل‌هایی است که صرف می‌شود. فعل be به معنای "بودن" است و فعلی اسنادی محسوب می‌شود، یعنی بعدش باید یک اسم بیاید ولی آن اسم، مفعول نیست و مسند نام دارد، مثلاً "من معلم هستم" (در این جمله "معلم" مسند است نه مفعول). ابتدا با ساختارها و صرف این فعل آشنا می‌شویم. در جدول زیر تمام ساختارهای این فعل آمده است:

شخص	جملات منفی حال ساده	جملات مثبت حال ساده	جملات سوالی
اول شخص مفرد	I am not / I'm not	I am	Am I ?
دوم شخص مفرد	You are not / you're not	You are	Are you ?
سوم شخص مفرد	He / she / it is not / isn't	He / she / it is	Is he / she / it ?
اول شخص جمع	We are not / we aren't	We are	Are we ?
دوم شخص جمع	You are not / you're not	You are	Are you ?

شخص	جملات مثبت گذشته ساده	جملات منفی گذشته ساده
اول شخص مفرد	I was	I was not / I wasn't
دوم شخص مفرد	You were	You were not / you weren't
سوم شخص مفرد	He / she / it was	He / she / it was not / wasn't
اول شخص جمع	We were	We were not / we weren't
دوم شخص جمع	You were	You were not / you weren't
سوم شخص جمع	They were	They were not / they weren't

شکل سوم فعل be	been
حال کامل	has / have been
گذشته کامل	had been

فعل be در الگوهای زیر در جمله به کار می‌رود:

۱- همراه با یک اسم. مسند فعل اسنادی be می‌تواند یک اسم باشد، مثلاً:

My mother is a teacher . مادر من معلم است.

Bill Clinton was the president of the US . "بیل کلینتون" رئیس جمهور آمریکا بود.

۲- همراه با یک صفت. مسند فعل اسنادی **be** می‌تواند یک صفت باشد، مثلاً:

This soup is tasty . این سوپ خوشمزه است.

The children were good . بچه‌ها خوب بودند.

۳- همراه با مصدر **ing** برای ساختن زمان استمراری. وقتی بعد از فعل **be** مصدر **ing** بیاید زمان گذشته استمراری ساخته می‌شود، مثلاً:

We were walking down the street . ما داشتیم در امتداد خیابان قدم می‌زدیم.

Everything was wet . It had been raining for hours . همه چیز خیس بود. ساعت‌ها باران باریده بود.

۴- همراه با شکل سوم فعل (past participle). وقتی بعد از فعل **be** شکل سوم فعل بیاید فعل مجهول ساخته می‌شود، مثلاً:

The house was built in 1890 . خانه در سال ۱۸۹۰ ساخته شد.

The street is called Montagu Street . این خیابان نامش خیابان "مونتگو" است.

۵- می‌تواند یک متمم یا عبارت حرف اضافه‌ای **be** همراه با حرف اضافه برای ساختن عبارت اضافه‌ای. مسند فعل اسنادی. مثلاً:

John and his wife are from Manchester . "جان" و همسرش اهل منچستر هستند.

The flowers are on the table . گل‌ها روی میز است.

افعال گذرا و ناگذرا در زبان انگلیسی

افعال در زبان انگلیسی از نظر ساختار مفعولی، یعنی اینکه آیا به مفعول نیاز دارند یا نه، به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: افعال ناگذر (لازم) که نیاز به مفعول ندارند و افعال گذرا (متعدی) که به مفعول نیاز دارند.

افعال ناگذر

افعال ناگذر (intransitive verbs) افعالی هستند که تنها با وجود فاعل یک جمله کامل را تشکیل می‌دهند و نیازمند مفعول نیستند. افعال ناگذر عمدتاً افعالی هستند که بیانگر عملی باشند. (action verbs).
اگر همراه با افعال ناگذر مفعول بیاید آن جمله اشتباه می‌شود و معنای درستی نمی‌دهد.

"جان" خندید. (John) (smiled)
هیچ اتفاقی نیفتاد. (Nothing) (happened)
بچه خوابیده بود. (The baby) (was sleeping)

افعال گذرا

افعال گذرا (transitive verbs) افعالی هستند که برای کامل شدن علاوه بر فاعل نیاز به مفعول (object) دارند:

"جان" دوچرخه جدیدی می‌خواهد. John wants a new bicycle.
ما داریم فوتبال بازی می‌کنیم. We are playing football.
او شام درست می‌کند. He is making dinner.

افعال کنایی (ergative verbs)

برخی افعال در زبان انگلیسی هم می‌توانند گذرا و هم ناگذر باشند، مثل فعل Increase که هم به معنای زیاد شدن و هم به معنای زیاد کردن است. برخی از این افعال عبارتند از learn: یاد گرفتن، یاد دادن، bake پختن، آشپزی کردن close بستن، break شکستن change تغییر کردن، تغییر دادن (برای اطلاعات بیشتر درباره این افعال به بخش افعال کنایی مراجعه کنید).

فعل معلوم و مجهول

فعال گذرا (transitive verbs) در زبان انگلیسی دو حالت معلوم و مجهول به خود می‌گیرند. فعلی گذرا است که علاوه بر فاعل نیاز به مفعول هم داشته باشد. اگر فعلی هم با فاعل و هم با مفعول بیاید فعل معلوم (active) و اگر بدون فاعل بیاید فعل مجهول (passive) است. ابتدا چند جمله مجهول در انگلیسی را ببینید:

معلوم	مجهول
The hunter killed the lion .	The lion was killed by the hunter .
Someone has cleaned the windows .	The windows have been cleaned .

برای تبدیل کردن جمله معلوم به مجهول ابتدا باید فاعل جمله را حذف کنیم. بعد باید مفعول جمله را به ابتدای جمله منتقل کنیم. کار بعدی تبدیل فعل از معلوم به مجهول است. برای این کار باید از شکل درست be به علاوه شکل سوم فعل (past participle) استفاده کنیم، اگر زمان حال بود am/is/are و اگر گذشته بود was/were به علاوه شکل سوم می‌آوریم.

object	be	past participle	the rest of the sentence
English	is	spoken	all over the world

The windows	have been	cleaned	
Lunch	was being	served	
The work	will be	finished	soon
They	might have been	invited	to the party

ما معمولاً می‌توانیم با فعل got مجهول بسازیم. این کاربرد بیشتر در انگلیسی محاوره‌ای کاربرد دارد.

Be careful with the glass . It might get broken . مراقب لیوان باش. ممکن است بشکند .
Peter got hurt in a crash . "پیتر" در تصادف آسیب دید.

برای نشان دادن فاعل در جمله‌های مجهول از حرف اضافه by استفاده می‌کنیم، یعنی می‌توانیم در انتهای جمله مجهول از by به علاوه فاعل استفاده کنیم، مثلاً:

She was attacked by a dangerous dog . او توسط سگی خطرناک مورد حمله واقع شد .
The money was stolen by her husband . پول توسط شوهرش دزدیده شده بود .

افعالی که دو تا مفعول داشته باشند (مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم) می‌توانیم با هر دوی این مفعول‌ها جمله مجهول بسازیم، به این مثال‌ها دقت کنید:

معلوم	مجهول ۱	مجهول ۲
I gave him a book for his birthday .	A book was given to him for his birthday .	He was given a book for his birthday .
Someone sent her a cheque for a thousand euros	A cheque for a thousand euros was sent to her .	She was sent a cheque for a thousand euros .

با افعال عبارتی (phrasal verbs) نیز می‌توان جمله مجهول ساخت. برای این کار کافی است بعد از شکل سوم فعل، حرف اضافه را بیاوریم. به مثال‌ها توجه کنید:

معلوم	مجهول
They called off the meeting .	The meeting was called off .
His grandmother looked after him .	He was looked after by his grandmother .

برخی فعل‌ها در انگلیسی بیشتر به صورت مجهول کاربرد دارند. این فعل‌ها معمولاً با مصدر با to می‌آیند و بیشتر در زبان نوشتاری یا موقعیت‌های رسمی کاربرد دارد. برخی از این افعال عبارتند از:

be asked to

be expected to

be supposed to

be told to

be allowed to

be scheduled to

John has been asked to make a speech at the meeting . از "جان" خواسته شد تا در جلسه سخنرانی کند.

You are supposed to wear a uniform . شما موظف هستید لباس فرم بپوشید.

The meeting is scheduled to start at seven . شروع جلسه برای ساعت هفت برنامه‌ریزی شده است.

افعال عبارتی

برخی افعال در زبان انگلیسی از دو قسمت درست شده‌اند، یک فعل و یک حرف اضافه (که آن حرف اضافه particle نام دارد). اغلب با اضافه شدن حرف اضافه به فعل، معنای فعل تغییر می‌کند. افعال عبارتی در زبان انگلیسی به خصوص در محاوره و گفت‌وگوهای غیررسمی بسیار پرکاربرد هستند و یادگیری آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

grow + up •

The children are growing up .

بچه‌ها دارند بزرگ می‌شوند.

take + after •

She takes after her mother .

او به مادرش رفته است.

count + on •

I know I can count on you .

می‌دانم می‌توانم روی تو حساب کنم.

برخی اوقات افعال عبارتی جدانشدنی محسوب می‌شوند، یعنی نمی‌توانیم بین فعل و حرف اضافه فاصله بیندازیم و همیشه باید پشت سر هم بیاوریم. ساختار این نوع افعال عبارتی (N (subject) + V + p + N (object) است.

take after •

count on •

come from •

برخی اوقات افعال عبارتی جدانشدنی هستند، یعنی می‌توان حرف اضافه و فعل را با فاصله آورد. ساختار این نوع افعال به دو صورت زیر است:

N (subject) + V + N (object) + p

(N (subject) + V + p + N (object

- give back
- knock over
- leave behind

توجه کنید

وقتی مفعول جمله یک ضمیر شخصی باشد، همیشه ساختار جمله این چنین خواهد بود

(N (subject) + V + p + N (object) : یعنی همیشه بعد از فعل باید ضمیر شخصی بیاید بعد حرف اضافه آورده

شود.

She gave back it . (نادرست)

She gave it back . (درست)

او آن را پس داد.

He knocked over it . (نادرست)

He knocked it over . (درست)

او آن چیز را انداخت.

افعال عبارتی تقریباً همیشه از یک فعل گذرا به علاوه یک حرف اضافه درست می‌شوند. در اینجا با برخی از پرکاربردترین افعال گذرا و حرف اضافه‌هایی که همراهشان می‌آیند آشنا می‌شویم:

bring	about, along, back, forward, in, off, out, round, up
buy	out, up
call	off, up
carry	off, out
cut	back, down, off, out, up
give	away, back, off
hand	back, down, in, on out, over, round
knock	down, out, over
leave	behind, out
let	down, in, off, out
pass	down, over, round
point	out

push	about, around, over
put	across, away, down, forward, off, on, out, through, together, up
set	apart, aside, back, down
shut	away, in, off, out
take	apart, away, back, down, in, on, up, over
think	over, through, up

برخی افعال عبارتی از سه بخش یعنی از یک فعل به علاوه دو حرف اضافه درست شده‌اند و این ساختار را دارند S + V + p
+ p + O، یعنی بعد از فعل دو حرف اضافه و بعدش مفعول می‌آیند:

دوست دخترش او را گذاشت و رفت. His girl friend walked out on him .
او خیلی زود به باقی دوندگها رسید. She soon caught up with the other runners
بچه‌ها باید از والدینشان الگو بگیرند. Children should look up to their parents .

افعال دو مفعولی

همه افعال در زبان انگلیسی می‌توانند مفعول غیرمستقیم داشته باشند. مفعول غیرمستقیم عموماً بعد از یک حرف اضافه می‌آید. این قاعده یک استثنا کلی دارد و آن هم افعالی هستند که هر دو مفعولشان می‌تواند بدون حرف اضافه بیاید. به این گونه از افعال، دو مفعولی می‌گویند. در این بخش با این افعال آشنا خواهیم شد. افعال دو مفعولی همانطور که از نامشان مشخص است دو مفعول دارند: یک مفعول مستقیم (direct object) و یک مفعول غیرمستقیم (indirect object). تفاوت این افعال با سایر افعال در این است که مفعول غیرمستقیم این افعال می‌توانند بدون حرف اضافه بیایند. به مثال‌ها نگاه کنید:

فاعل	فعل	مفعول غیرمستقیم	مفعول مستقیم
My wife	sent	me	an email
He	brought	his mother	some flowers
He	cooked	all his friends	a delicious meal

مفعول غیرمستقیم افعال دو مفعولی را می‌توان با استفاده از حرف اضافه بیاوریم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

فاعل	فعل	مفعول مستقیم	مفعول غیرمستقیم
My wife	sent	an email	to me
He	brought	some flowers	for his mother
He	cooked	a delicious meal	for all his friends.

در جدول اول افعال دو مفعولی بدون حرف اضافه آمده‌اند، اما در جدول دوم مفعول غیرمستقیم با حرف اضافه آمده است. توجه کنید که در این صورت جای مفعول غیرمستقیم و مستقیم در جمله عوض می‌شود. در حالت اول ساختار جمله به صورت فاعل + فعل + مفعول غیرمستقیم + مفعول مستقیم است اما در حالت دوم (یعنی مفعول غیرمستقیم با حرف اضافه) ساختار جمله فاعل + فعل + مفعول مستقیم + مفعول غیرمستقیم است.

نکته

توجه کنید که ما در زبان فارسی افعال دو مفعولی که بشود هر دو مفعول را بدون حرف اضافه آورد نداریم. حتما باید مفعول غیرمستقیم را با یک حرف اضافه بیاوریم.

دسته‌بندی افعال دو مفعولی

مفعول غیرمستقیم افعال دو مفعولی یا می‌توانند با حرف اضافه for بیایند یا با حرف اضافه to. در ادامه بحث، افعالی را که با for مفعول غیرمستقیم می‌گیرند و آن دسته افعالی که با حرف اضافه to مفعول غیرمستقیم می‌گیرند، آورده شده است.

افعال با for

مفعول غیرمستقیم در برخی افعال با حرف اضافه for می‌آید. برخی از این افعال عبارتند از:

- buy خریدن
- get گرفتن، خریدن
- cook پختن، آشپزی کردن
- keep نگه داشتن
- book رزرو کردن
- bring آوردن
- make درست کردن، ساختن
- pour ریختن
- Save نگه داشتن
- find پیدا کردن

They booked a table for me at the restaurant . آنها برای من در رستوران میزی رزرو کردند .
We made toys for all the children . ما برای همه بچه‌ها اسباب بازی درست کردیم .

افعال با to

مفعول غیرمستقیم در برخی افعال با حرف اضافه to می‌آید. برخی از این افعال عبارتند از:

- give دادن
- lend قرض دادن

- offer پیشنهاد دادن
- pass دادن
- Post ارسال کردن
- read خواندن
- Sell فروختن
- Send ارسال کردن
- Show نشان دادن
- Promise قول دادن
- Tell گفتن

او لیوانش را به مردی که کنارش نشسته بود داد. . He gave his glass to the man sitting next to him .
 آنها برای همه مشتری‌هایشان کارت تبریک . They sent Christmas cards to all their customers .
 کریسمس فرستادند.

وقتی مفعول‌های غیرمستقیم طولانی باشند (بیشتر از دو واژه باشند) اغلب از for یا to استفاده می‌کنیم:

او بلیتش را به پلیسی که دم . He showed his ticket to the policeman standing by the door .
 در ایستاده بود نشان داد.

We kept something to eat and drink for all the people who arrived late .
 ما چیزی برای خوردن و آشامیدن برای افرادی که دیر رسیدند کنار گذاشتیم.

نکته

اگر مفعول غیرمستقیم "ضمیر" باشد معمولاً از الگوی ساختاری S + V + Direct O + Indirect O استفاده می‌کنیم،
 یعنی بعد از فعل ابتدا ضمیر مفعولی و بعد مفعول غیرمستقیم را می‌آوریم. به مثال‌ها توجه کنید:

I poured him another drink .

من یک لیوان دیگر برایش نوشیدنی ریختم.

Their mother read them another story .

مادرشان برای آنها داستان دیگری خواند.

افعال ربطی

افعال ربطی افعالی هستند که نه گذرا هستند و نه ناگذر، یعنی نه به مفعول نیاز دارند و نه بدون صفت یا اسمی معنای کاملی می‌دهند. این فعل‌ها وضعیت (state) یا عمل (action) خاصی را نشان نمی‌دهند و فعل‌های خنثی به حساب می‌آیند. این فعل‌ها اسم (فاعل) جمله را به صفت یا مسند (noun complement) متصل می‌کنند. در جدول زیر با ساختار چند نمونه از این افعال نگاه کنید:

ساختار جمله

She was a good friend .	فاعل + فعل + مسند
She was very happy .	فاعل + فعل + صفت
He became headmaster .	اسم + فعل + مسند
He became angry	اسم + فعل + صفت

پرکاربردترین افعال ربطی در زبان انگلیسی عبارتند از:

- be
- become
- appear
- feel
- look
- remain
- seem
- sound

She seemed an intelligent woman .

او زن باهوشی به نظر می‌آمد.

She seemed intelligent .

او باهوش به نظر می‌آمد.

He looked hungry .

او گرسنه به نظر می‌رسید.

He looked a good player .

او به نظر بازیکن خوبی می‌آمد.

نکته

بعد از فعل‌های appear و seem می‌توانیم از ساختار to be استفاده کنیم:

She appeared to be an intelligent woman .

او به نظر زن باهوشی می‌آمد.

He seemed to be angry .

او عصبانی به نظر می‌رسید.

برخی از افعال ربطی فقط به همراه صفت می‌آیند. برخی از این فعل‌ها عبارتند از:

- get
- go
- grow
- taste
- smell

He got hungry in the evening .

او شب گرسنه شد.

She grew stronger every day .

او هر روز قوی تر می شد.

اسم مصدر

مصدر (infinitive) در زبان انگلیسی مفهوم اصلی فعل را می‌رساند ولی فرقی با فعل این است که فعل علاوه بر مفهوم، به زمان، شخص و شمار نیز اشاره می‌کند ولی در مصدر زمان و شخص و شمار، معلوم نیست و به همین دلیل مصدر یکی از اقسام اسم به شمار می‌آید. یکی از راه‌های ساختن اسم مصدر یا اسم فعل در زبان انگلیسی اضافه کردن **ing** به شکل اصلی فعل است که به آن **gerund** نیز می‌گویند. اسم مصدر در جمله می‌تواند نقش‌ها و جایگاه‌های متفاوت به خود بگیرد. در این بخش ابتدا با دو کاربرد اسم مصدر آشنا می‌شویم.

کاربردهای اسم مصدر

۱- اسم مصدر در نقش اسم (as a noun)

I love swimming .

من عاشق شنا کردن هستم.

Swimming is very good for your health .

شنا کردن خیلی برای سلامتی مفید است.

You can get fit by swimming regularly .

شما می‌توانید با منظم شنا کردن خوش هیكل شوید.

نکته

اسم مصدرها تقریباً همیشه اسم غیر قابل شمارش محسوب می‌شوند و جمع بسته نمی‌شوند.

۲- اسم مصدر در نقش صفت (as an adjective)

The main problem today is rising prices .

مسئله اصلی امروز قیمت‌های در حال افزایش است.

That program was really boring .

آن برنامه واقعا کسل کننده بود.

He saw a woman lying on the floor .

او زنی را دراز کشیده روی زمین دید.

چون اسم مصدر در نقش اسم و صفت از فعل ساخته می‌شود، می‌تواند نقش‌های گوناگونی در جمله به خود بگیرد. مثلا:

۱- اسم مصدر به عنوان مفعول (object)

I like playing tennis .

من تنیس بازی کردن را دوست دارم.

Can you imagine living on the moon ?

می‌توانی زندگی کردن در ماه را تصور کنی؟
برخی از افعالی که مفعول ing می‌گیرند عبارتند از:

hate	like	admit
dislike	enjoy	suggest
avoid	begin	start

۲- اسم مصدر به عنوان قید (adverb)

You can earn a lot of money by working hard .

شما می‌توانید با سخت کار کردن پول زیادی دریاورید.

There were several people waiting for the bus .

چندین نفر منتظر اتوبوس بودند.

۳- اسم مصدر به عنوان عبارت (clause)

I heard someone saying that .

من شنیدم کسی آن حرف را می‌زد.

۴- اسم مصدر به عنوان فاعل (subject)

Learning English is not easy .

یاد گرفتن زبان انگلیسی آسان نیست.

۵- اسم مصدر بعد از حروف اضافه (به عنوان مفعول حرف اضافه)

Some people are not interested in learning English .

برخی از مردم علاقه‌ای به یادگیری زبان انگلیسی ندارند.

اسم مصدر می‌تواند در جاهای مختلفی از جمله قرار بگیرد:

۱- قبل از اسم

I read an interesting article in the newspaper today .

من امروز مقاله‌ای جالب در روزنامه خواندم.

We saw a really exciting match on Sunday .

ما روز یکشنبه یک بازی بسیار هیجان‌انگیز دیدیم.

پرکاربردترین صفات-ing داری که قبل از اسم می آیند عبارتند از:

worrying	interesting	amusing
surprising	boring	disappointing
tiring	frightening	terrifying
annoying	exciting	shocking

۲- بعد از اسم

Who is that man standing over there ?

آن مرد که آنجا ایستاده است کیست؟

The boy talking to Angela is her younger brother .

پسری که با "آنجلا" حرف می زند برادر کوچکترش است.

۳- بعد از افعالی نظیر see, watch, hear, smell و...

I heard someone playing the piano .

من شنیدم کسی پیانو می نوازد.

I can smell something burning .

من می توانم بوی چیزی در حال سوختن را استشمام کنم.

افعالی که با ing می آیند:

مصدر (infinitive) در زبان انگلیسی مفهوم اصلی فعل را می رساند ولی فرقی با فعل این است که فعل علاوه بر مفهوم، به زمان، شخص و شمار نیز اشاره می کند، ولی در مصدر زمان و شخص و شمار معلوم نیست و به همین دلیل مصدر یکی از اقسام اسم به شمار می آید. یکی از راه های ساختن اسم مصدر یا اسم فعل در زبان انگلیسی اضافه کردن ing به شکل اصلی فعل است که به آن gerund نیز می گویند. اسم مصدر در جمله می تواند نقش ها و جایگاه های متفاوت به خود بگیرد. چند دسته از افعال در زبان انگلیسی حتما بعد از خود مصدر با ing دارند:

۱- بعد از افعال مربوط به دوست داشتن و دوست نداشتن:

- detest بیزار بودن
- Dislike دوست نداشتن
- enjoy لذت بردن
- Hate متنفر بودن
- Fancy آرزو داشتن
- Like دوست داشتن
- Love دوست داشتن

I love swimming but I hate jogging .

من عاشق شنا کردن هستم اما از پیاده‌روی تند متنفرم.

They always enjoyed visiting their friends .

آنها همیشه از دیدار با دوستانشان لذت می‌بردند.

۲- بعد از عبارت‌هایی که با فعل mind درست شده‌اند:

- wouldn't mind (= would like) •
- don't mind (= I am willing to) •
- would you mind (= will you please) •

I wouldn't mind having some fish and chips .

بدم نمی‌آید کمی ماهی و چیپس بخورم.

I don't mind waiting for a few minutes .

من مشکلی ندارم که چند دقیقه‌ای منتظر بمانم.

Would you mind holding this for me ?

می‌شود این را برای من نگه داری؟

۳- بعد از افعال مربوط به حرف زدن و فکر کردن:

- admit اعتراف کردن •
- Consider در نظر گرفتن •
- deny انکار کردن •
- Imagine تصور کردن •
- remember به یاد آوردن •
- Suggest پیشنهاد کردن •

Our guide suggested waiting until the storm was over .

راهنمای ما پیشنهاد کرد که تا وقتی طوفان تمام شود صبر کنیم.

Everyone denied seeing the accident .

همه دیدن تصادف را انکار کردند.

۴- سایر افعالی که با مصدر ing می‌آیند. این افعال دسته‌بندی خاصی ندارند و باید ساختارشان را به خاطر سپرد:

- Avoid دوری کردن •
- Begin شروع کردن •
- Finish تمام کردن •
- Keep ادامه دادن •
- Miss دلتنگ شدن •

- Practice تمرین کردن
- Risk خطر کردن
- Start شروع کردن
- Stop متوقف کردن

I haven't finished writing this letter .

من هنوز نوشتن این نامه را تمام نکرده‌ام.

Let's practice speaking English .

بیا بیاید انگلیسی صحبت کردن را تمرین کنیم.

حالت مجهول مصدر با ing

بسیاری از این افعال در حالت مجهول با مصدر با ing می‌آیند، یعنی being + past participle

I don't like being interrupted .

من دوست ندارم وسط حرفم بپرند.

Our dog loves being stroked under the chin .

سگ‌های ما عاشق این هستند که زیر چانه‌شان نوازش شود.

بعد از برخی افعال اسم به علاوه مصدر Ing می‌آید، به خصوص افعالی که مربوط به حواس پنجگانه هستند:

۱. See دیدن
۲. Watch تماشا کردن
۳. Hear شنیدن
۴. Smell بو کردن
۵. listen to گوش دادن

We saw everybody running away .

ما دیدیم که همه داشتند فرار می‌کردند.

I could hear someone singing .

می‌توانستم صدای آواز خواندن کسی را بشنوم.

سایر افعالی که با این ساختار (اسم به علاوه مصدر ing) می‌آیند در لیست زیر آمده است. این افعال دسته‌بندی خاصی ندارند و باید ساختار آنها را به خاطر سپرد:

- Catch گرفتن
- Find یافتن
- Imagine تصور کردن
- Leave رها کردن

- Prevent جلوگیری کردن
- Stop متوقف کردن

I caught someone trying to break into my house .

من کسی را موقع سعی کردن بر داخل خانه مان شدن دستگیر کردیم.

We couldn't prevent them getting away .

ما نمی توانستیم از فرار کردن آنها جلوگیری کنیم.

مصدر با to

مصدر (infinitive) در زبان انگلیسی مفهوم اصلی فعل را می‌رساند ولی فرقی با فعل این است که فعل علاوه بر مفهوم، به زمان، شخص و شمار نیز اشاره می‌کند، ولی در مصدر زمان و شخص و شمار، معلوم نیست و به همین دلیل مصدر یکی از اقسام اسم به شمار می‌آید. یکی از راه‌های مصدر ساختن در زبان انگلیسی اضافه کردن to به شکل ساده فعل است. در زبان فارسی مصدر یا بن ماضی با اضافه کردن ـن به بن ماضی ساخته می‌شود (مثلا خوردن، توانستن).

کاربردهای مصدر با to

۱- برای بیان دلیل و هدف. (برای پاسخ دادن به پرسش why...?) در این کاربرد to معنای "تا" می‌دهد. به مثال‌ها نگاه کنید:

He bought some flowers to give to his wife .

او چند تا گل خرید تا به همسرش بدهد.

He locked the door to keep everyone out .

او در را قفل کرد تا نگذارد کسی وارد شود.

در این کاربرد گاهی از عبارت in order to یا in order not to استفاده می‌کنیم.

We set off early in order to avoid the traffic .

ما زود راه افتادیم تا به ترافیک نخوریم.

They spoke quietly in order not to wake the children

آنها آهسته حرف زدند تا بچه‌ها را بیدار نکنند.

در برخی موارد هم می‌توانیم عبارت‌های so as to و so as not to را برای بیان دلیل به کار ببریم.

We set off early so as to avoid the traffic .

ما زود راه افتادیم تا به ترافیک نخوریم.

They spoke quietly so as not to wake the children .

آنها آهسته حرف زدند تا بچه‌ها را بیدار نکنند.

۲- بعد از افعال خاصی در زبان انگلیسی، مخصوصاً فعل‌های مربوط به **feeling** (بیان احساسات) و **thinking** (بیان اعمال فکری) و **saying** (بیان اعمال کلامی) این افعال بدون مصدر با **to** معنای ناتمامی دارند و برای کامل شدن باید همراه با مصدر بیایند. با نمونه‌ای از این افعال آشنا می‌شویم:

hope	hate	forget	expect	decide	choose
plan	mean	love	like	learn	intend
agree	would love	would like	want	remember	prefer
				refuse	promise

They decided to start a business together .

آنها تصمیم گرفتند که با همدیگر کسب و کاری راه بیندازند.

Remember to turn the lights out .

یادت باشد که چراغ‌ها را خاموش کنی.

برخی افعال در انگلیسی همراه با مفعول مستقیم و مصدر با **to** می‌آیند، یعنی بعد از فعل اصلی ضمیر مفعولی یا مفعول مستقیم می‌آوریم و بعد از آن از مصدر با **to** برای کامل کردن جمله و به عنوان مفعول غیرمستقیم استفاده می‌کنیم. با نمونه‌ای از این افعال آشنا می‌شویم:

remind	persuade	order	invite	encourage	ask	advise
		would like	want	would prefer	intend	expect

She reminded me to turn the lights out .

او به من یادآوری کرد که چراغ‌ها را خاموش کنم.

It is easy for you to criticize other people .

برای شما آسان است که بقیه را مورد انتقاد قرار بدهی.

He encouraged his friends to vote for him .

او دوستانش را تشویق کرد تا به او رای بدهند.

۳- بعد از برخی صفات. بعد از برخی صفات در انگلیسی حتماً باید مصدر با **to** بیاید تا دلیل بر آن صفت باشد، یعنی اگر بخواهیم دلیلی برای صفت ارائه کنیم می‌توانیم از مصدر با **to** استفاده کنیم. نمونه‌ای از این صفات عبارتند از:

• Disappointed ناامید

- Glad خوشحال
- Sad ناراحت
- Happy خوشحال
- Anxious مضطرب
- Pleased راضی
- Surprised متعجب
- Proud مفتخر
- Unhappy ناراحت

We were happy to come to the end of our journey .

= We were happy because we had come to the end of our journey

ما خوشحال بودیم که به پایان سفر خودمان رسیده بودیم.

John was surprised to see me . = He was surprised because he saw me

"جان" از دیدن من شگفت زده شد.

دسته‌ای دیگر از صفات نیز در انگلیسی باید حتما بعدشان مصدر با to بیاید. تفاوت این صفات با صفات بالا در این است که مصدر با to بعد از این صفات لزوما دلیل بر آن صفت نیستند، بلکه اینها صفاتی هستند که وقتی با مصدر با to می‌آیند معنایشان اندکی تغییر می‌کند، مثلا able to می‌شود "توانستن" یا due to می‌شود "به خاطر". به نمونه‌ای از این صفات توجه کنید:

- able to توانستن
- unable to نتوانستن
- due to به خاطر
- eager to مشتاق به
- keen to مشتاق به
- likely to احتمال (دارد) که
- unlikely to نامحتمل (است) که
- ready to آماده برای
- prepared to آماده برای
- unwilling to بی‌میل به
- willing to مایل به

It's kind of you to help .

مهربانی تو را می‌رساند که کمک کنی.

Unfortunately I was unable to work for over a week .

متأسفانه من نمی‌توانستم بیشتر از یک هفته کار کنم.

I am really tired . I'm ready to go to bed .

من واقعا خسته‌ام. من آماده‌ام که بخوابم.

بعد از برخی صفات مصدر با to می‌آید تا با کمک آن صفت، یک نظر بدهیم و کاری را با استفاده از مصدر با to به آن صفت اختصاص دهیم. با نمونه‌ای از این صفات آشنا می‌شویم:

- difficult مشکل، سخت
- Easy آسان
- Possible ممکن
- Impossible ناممکن
- Hard سخت
- right درست
- Wrong غلط
- Nice خوب، خوش
- Clever باهوش
- Silly احمقانه
- Foolish احمقانه

It's easy to play the piano , but it's very difficult to play well .

پیانو نواختن آسان است، اما خوب پیانو نواختن بسیار سخت است.

He spoke so quickly it was impossible to understand him .

او آنقدر سریع صحبت کرد که ممکن نبود متوجه حرف‌هایش شد.

نکته

برای اینکه نشان دهیم این پنج صفت به چه کسی بر می‌گردد از حرف اضافه for استفاده می‌کنیم. برای باقی صفات از حرف اضافه of استفاده می‌کنیم.

۱. Difficult دشوار
۲. Easy آسان
۳. Possible ممکن
۴. Impossible غیرممکن
۵. Hard دشوار

It was difficult for us to hear what she was saying .

برای ما سخت بود که بشنویم او داشت چه می‌گفت.

It would be silly of him to spend all his money .

او کار احمقانه‌ای می‌کند اگر تمام پولش را خرج کند.

۴- به عنوان وابسته‌های پسرو (post-modifier) بعد از هسته عبارت‌های اسمی. بعد از برخی اسامی انتزاعی مصدر با to می‌آید تا توضیح بیشتری درباره آن اسم (یا هسته اسمی) بدهد. به مثال‌ها توجه کنید:

- Ability توانایی
- Desire اشتیاق، میل
- Need احتیاج، نیاز
- Wish درخواست، خواسته
- Attempt تلاش
- Failure شکست
- Opportunity فرصت
- Chance شانس
- Intention قصد

I have no desire to be rich .

من هیچ اشتیاقی به ثروتمند شدن ندارم.

They gave him an opportunity to escape .

آنها به او فرصتی برای فرار دادند.

She was annoyed by her failure to answer the question correctly .

او از شکست خود در پاسخ صحیح به سوالات دادن عصبانی شد.

نکته

ما اغلب می‌توانیم بعد از ضمائر نامعین مثل something, someone, anyone و ... از مصدر با to به عنوان وابسته پسرو استفاده کنیم، یعنی برای توضیح بیشتر دادن درباره آن ضمیر نامعین مصدر با to بیاوریم:

When I am travelling I always take something to read .

وقتی سفر می‌کنم همیشه چیزی برای خواندن با خود می‌برم.

I was all alone . I had no one to talk to .

من تنهای تنها بودم. هیچکسی را برای حرف زدن نداشتم.

There is hardly anything to do in most of these small towns .

در بیشتر این شهرهای کوچک به ندرت کاری برای انجام دادن وجود دارد.

افعالی که با مصدر با to می‌آیند

برخی افعال در زبان انگلیسی باید بعد از خودشان مصدر با to داشته باشند و بدون مصدر با to معنایشان ناتمام می‌ماند. به مثال‌ها توجه کنید:

I decided to go home as soon as possible .

من تصمیم گرفتم هرچه زودتر به خانه بروم.

We all wanted to have more English classes .

ما همه می‌خواستیم کلاس‌های انگلیسی بیشتری داشته باشیم.

چند دسته از افعال در زبان انگلیسی حتماً به دنبال خود مصدر با to دارند:

دسته اول: افعال مربوط به فکر کردن و احساسات، یعنی افعالی که برای بیان افکار و ابراز احساسات از آنها استفاده می‌شود،
مثلاً:

- Choose انتخاب کردن
- Decide تصمیم گرفتن
- Expect انتظار داشتن
- Forget فراموش کردن
- Hate متنفر بودن
- Hope امیدوار بودن
- Intend قصد داشتن
- Learn یاد گرفتن
- Like دوست داشتن
- Love عاشق بودن
- Mean منظور داشتن
- Plan برنامه ریزی کردن
- Prefer ترجیح دادن
- Remember به یاد آوردن
- would like دوست داشتن
- would love دوست داشتن

دسته دوم: افعالی که مربوط به بیان نظر و گفتن مطلبی هستند، یعنی افعالی که برای اعمال کلامی و اظهار نظر استفاده می‌شوند، مثلاً:

- agree موافقت کردن
- Promise قول دادن
- Refuse رد کردن

دسته سوم: سایر افعالی که نه عمل کلامی و نه فکری را نشان می‌دهند، اما باز هم با این الگوی ساختاری می‌آیند:

- Arrange ترتیب دادن
- Attempt تلاش کردن
- Fail موفق نشدن
- Help کمک کردن
- Manage مدیریت کردن
- Tend گرایش داشتن
- Try تلاش کردن
- Want خواستن

برخی افعال در زبان انگلیسی همراه با یک اسم و مصدر با to می‌آیند، یعنی بعد از فعل اصلی یک مفعول می‌آید و بعد از آن مصدر با to می‌آید. به مثال‌ها توجه کنید:

She asked him to send her a text message .

او از او خواست تا پیامکی برایش بفرستد.

He wanted all his friends to come to his party .

او از همه دوستانش خواست تا به مهمانی‌اش بیایند.

افعالی که با این ساختار به کار می‌روند را می‌توان به چند دسته تقسیم‌بندی کرد.

دسته اول: افعالی که مربوط به بیان نظر و گفتن مطلبی هستند، به عبارتی افعال بیانگر اعمال کلامی هستند، مثلا:

- Advise نصیحت کردن
- Ask پرسیدن
- Encourage تشویق کردن
- Invite دعوت کردن
- Order سفارش دادن
- Persuade متقاعد کردن
- Remind یادآوری کردن
- Tell گفتن
- Warn هشدار دادن

توجه

فعل warn معمولا در این الگو (یعنی همراه با اسم به علاوه مصدر با to) به صورت منفی به کار می‌رود:

The police warned everyone not to drive too fast .

پلیس به همه هشدار داد که خیلی سریع رانندگی نکنند.

دسته دوم: افعالی که مربوط به خواستن و دوست داشتن هستند و با کمک این افعال می‌توان ترجیحات یا خواسته‌های خود را بیان کنیم، مثلا:

- Expect انتظار داشتن
- Intend قصد داشتن
- Prefer ترجیح دادن
- Want خواستن
- would like ترجیح دادن، دوست داشتن

دسته سوم: سایر افعال با این الگوی ساختاری. این افعال دسته‌بندی خاصی ندارند و باید ساختار آنها را به خاطر سپرد، مثلا

- allow اجازه دادن
- Enable توانمند کردن
- Force مجبور کردن
- Get مجبور کردن
- Teach درس دادن

مصدر با to در حالت مجهول

بعضی از فعل‌ها در انگلیسی در حالت مجهول با مصدر با to می‌آیند، یعنی to be + past participle. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I expected to be met when I arrived at the station .

من وقتی به ایستگاه رسیدم منتظر بودم کسی به دیدنم بیاید.

They wanted to be told if anything happened .

آنها می‌خواستند از هر اتفاقی باخبر شوند.

I don't like driving myself . I prefer to be driven .

من دوست ندارم خودم رانندگی کنم. من ترجیح می‌دهم کسی من را برساند.

افعالی که با that می‌آیند

بعد از برخی افعال در زبان انگلیسی همراه با جمله‌واره (clause) با that می‌آیند، مثلاً افعالی که درباره فکر کردن است. یعنی بعد از این افعال می‌توانیم با جمله‌واره با that توضیحی درباره آن فعل ارائه دهیم. (برای اطلاعات بیشتر با این افعال به افعال نقل قول مراجعه کنید.)

- Think فکر کردن
- Believe باور داشتن
- Expect انتظار داشتن
- Decide تصمیم گرفتن
- Hope امید داشتن
- Know دانستن
- Understand فهمیدن
- Suppose فرض کردن
- Guess حدس زدن
- Imagine تصور کردن
- Feel احساس کردن
- Remember به یاد آوردن
- Forget فراموش کردن

I hope that you will enjoy your holiday .

امیدوارم که از تعطیلات لذت ببری.

She didn't really think that it would happen .

او واقعا فکر نمی کرد که آن اتفاق بیفتد.

I knew that I had seen her somewhere before .

من می دانستم که او را قبلا جایی دیده ام.

بعد از افعالی که درباره گفتن یا بیان نظر هستند نیز از جمله‌واره با **that** استفاده می کنیم. (برای اطلاعات بیشتر با این افعال به افعال نقل قول مراجعه کنید).

- Say گفتن
- Admit اعتراف کردن
- Argue بحث کردن
- Reply جواب دادن
- Agree موافقت کردن
- Claim ادعا کردن
- Deny انکار کردن
- Mention اشاره کردن
- Answer جواب دادن
- Complain شکایت کردن
- Explain توضیح دادن
- Promise قول دادن
- Suggest پیشنهاد کردن

They admitted that they had made a mistake .

آنها اعتراف کردند که مرتکب اشتباه شدند.

She argued that they should invest more in the business .

او بحث کرد که آنها باید بیشتر در کسب و کار سرمایه گذاری کنند.

The children complained that they had nothing to do .

بچه ها شکایت کردند که هیچ کاری برای انجام دادن ندارند.

نکته

فعل **tell** و برخی افعالی که مربوط به گفتن و بیان نظر هستند تقریبا همیشه با یک مفعول غیرمستقیم می آیند، یعنی همراه با یک اسم به علاوه **that clause** می آیند. بعد از فعل اصلی ضمیر مفعولی یا اسم مفعول می آوریم و به عنوان مفعول غیرمستقیم از مصدر با **to** استفاده می کنیم:

- Tell گفتن
- Convince متقاعد کردن
- Persuade متقاعد کردن
- Inform آگاه کردن

• Remind یادآوری کردن

We tried to tell them that they should stop what they were doing .

ما سعی کردیم به آنها بگوییم که باید دست از کاری که می کردند بردارند.

The police informed everybody that the danger was over .

پلیس به همه اطلاع داد که خطر رفع شده است.

بعد از برخی اسم‌ها، به عنوان وابسته پسرو (اسم یا اسم‌هایی که بعد از هسته اسمی می آیند و توضیحی برای هسته اسمی ارائه می کنند) **that clause** می آید. دسته اول این اسامی عبارتند از:

• Advice نصیحت

• Belief باور

• Claim ادعا

• Feeling احساس

• Argument بحث

• Hope امید

• Promise قول

• Report گزارش

• Guess حدس

• Opinion نظر

• Idea ایده

He made a promise that he would do all he could to help .

او قول داد که هر کاری بتواند برای کمک انجام می دهد.

I had a funny feeling that something was wrong .

من احساس عجیبی داشتم که یک چیزی اشتباه بود.

دسته دوم اسامی که بعدشان به عنوان وابسته پسرو جمله‌واره با **that** می آید عبارتند از:

• Fact حقیقت

• Advantage منفعت

• Effect تاثیر، اثر

• Possibility امکان

• Chance شانس، فرصت

• Danger خطر

• Evidence مدرک

• Problem مسئله

• Difficulty مشکل

She pointed out the danger that they might be left behind .

او به این خطر اشاره کرد که آنها ممکن است پشت سر جا بمانند.

There was a chance that we would succeed

شانس این وجود داشت که ما موفق شویم.

نکته

اگر بعد از این اسامی فعل **be** بیاید، بعد از فعل **be** برای توضیح بیشتر اسم از جمله‌واره **that** استفاده می‌کنیم. یعنی اگر این اسامی به عنوان فاعل جمله باشند بعد از فعل **be** برای کامل کردن جمله می‌توانیم جمله‌واره با **that** بیاوریم:

- Danger خطر
- Problem مشکل، مسئله
- Chance شانس، فرصت
- Possibility امکان، احتمال
- Fact حقیقت

The danger is that we will be left behind .

خطر این است که ما جا خواهیم ماند.

The fact is that it is getting very late .

حقیقت این است که دارد خیلی دیر می‌شود.

بعد از صفاتی که احساسات را بیان می‌کنند، برای توضیح دادن درباره دلیل آن احساس از جمله‌واره با **that** استفاده می‌کنیم:

- Pleased خشنود
- Sorry متاسف
- Happy خوشحال
- Unhappy ناراحت
- Sad ناراحت
- Excited هیجان‌زده
- Glad خوشحال
- Disappointed ناامید
- Afraid متاسف

I am sorry that you can't come .

متاسفم که نمی‌توانی بیایی.

Everybody was pleased that the danger was past .

همه خوشحال بودند که خطر رفع شده است.

It is lucky that you were able to drive us home .

شانس آوردیم که تو توانستی ما را به خانه برسانی.

توجه کنید

ما همیشه می‌توانیم that را از جمله‌واره that clause حذف کنیم:

They admitted [that] they had made a mistake .

آنها اعتراف کردند (که) مرتکب اشتباه شدند.

The police informed everybody [that] the danger was over .

پلیس به همه اطلاع داد خطر رفع شده است.

I am sorry [that] you can't come .

متاسفم نمی‌توانی بیایی.

افعال انعکاسی

افعال انعکاسی به آن دسته از افعال گفته می‌شود که همراه با یک ضمیر انعکاسی می‌آیند (برای اطلاعات بیشتر به بخش ضمائر انعکاسی مراجعه کنید). گاهی با آمدن ضمائر انعکاسی معنای فعل تغییری نکرده و گاهی کاملاً معنای فعل عوض می‌شود. در دسته اول ما ضمیر انعکاسی را ترجمه می‌کنیم ولی در بخش دوم معمولاً ضمیر انعکاسی به تنهایی ترجمه نمی‌شود. هرگاه فاعل جمله و مفعول مستقیم به یک فرد اشاره کند، فعل ما جزو دسته اول افعال انعکاسی محسوب می‌شود، به مثال‌های زیر توجه کنید:

I am teaching myself to play the piano .

من دارم به خودم پیانو یاد می‌دهم.

Be careful with that knife . You might cut yourself .

مراقب آن چاقو باش. ممکن است خودت را ببری.

افعال زیر از پرکاربردترین افعال انعکاسی هستند که در حالت انعکاسی معنایشان تغییری پیدا نمی‌کند:

- Cut بریدن
- Dry خشک کردن
- Hurt آسیب رساندن
- Introduce معرفی کردن
- Kill کشتن
- Prepare آماده کردن
- Teach یاد دادن

برخی افعال در حالت انعکاسی، معنایشان تغییر می‌کند، مانند این افعال:

- amuse oneself خود را سرگرم کردن
- apply oneself زحمت کشیدن
- busy oneself خود را سرگرم کردن
- content oneself بسنده کردن

- behave oneself مودب بودن
- blame oneself خود را مقصر دانستن
- distance oneself دوری کردن
- express oneself اظهار نظر کردن
- find oneself خود را در موقعیتی یافتن
- help oneself از خود پذیرایی کردن
- see oneself تصور کردن
- enjoy oneself خوش گذشتن

Would you like to help yourself to another drink ?
= Would you like to take another drink .

دوست دارید یک نوشیدنی دیگر میل کنید؟

I wish the children would behave themselves . =
I wish the children would behave well .

ای کاش بچه‌ها مودب باشند.

He found himself lying by the side of the road .
= He was surprised when he realized that he was at the side of the road .

او خود را در کنار جاده یافت. = او متعجب شد وقتی فهمید کنار جاده است.

I saw myself as a famous actor . = I imagined that I was a famous actor .

من خودم را هنرپیشه مشهوری تصور می‌کردم.

She applied herself to the job of mending the lights .
= She worked very hard to mend the lights .

او در کارش یعنی تعمیر چراغ‌ها بسیار زحمت کشید.

He busied himself in the kitchen . = He worked busily in the kitchen .

او خود را در آشپزخانه سرگرم کرد.

I had to content myself with a few Euros . =
I had to be satisfied with a few Euros .

من مجبور بودم به چند یورو بسنده کنم.

نکته

فعل enjoy همیشه باید مفعول داشته باشد:

We all enjoyed the party .

ما همه از مهمانی لذت بردیم.

I really enjoyed my lunch .

من واقعا از ناهارم لذت بردم.

حالا اگر enjoy در جمله مفعول نداشت باید از ضمیر انعکاسی استفاده کنیم:

They all enjoyed = They all enjoyed themselves .

به آنها خیلی خوش گذشت.

I really enjoyed = I really enjoyed myself .

به من واقعا خوش گذشت.

توجه

ما در حالت عادی، با افعالی که بیانگر کاری هستند که خود فرد انجام می‌دهد، مثلا شستن، لباس پوشیدن و اصطلاح کردن و (... wash, dress, shave) از ضمائر انعکاسی استفاده نمی‌کنیم. در صورتی از ضمائر انعکاسی استفاده می‌کنیم که بخواهیم تاکید روی انجام شدن کار داشته باشیم. به مثال‌ها دقت کنید:

He washed in cold water . (مثال درست)

او با آب سرد حمام کرد.

He washed himself in cold water . (مثال نادرست)

He always shaved before going out in the morning . (مثال درست)

او همیشه صبح‌ها قبل از بیرون رفتن از خانه اصلاح می‌کند.

He always shaved himself before going out in the morning . (مثال نادرست)

He dressed himself in spite of his injuries . (برای تاکید)

او علیرغم جراحاتش خودش لباس پوشید.

She's old enough to wash herself . (برای تاکید)

او آنقدر بزرگ شده که خودش حمام برود.

افعال تهی

افعال تهی یا مصنوعی (dummy or delexical verbs) در زبان انگلیسی افعالی هستند که به تنهایی معنایی ندارند و معنی آنها به اسم بعد از خودشان وابسته است. دلیل این که به این افعال "تهی" گفته می‌شود این است که معنی از فعل گرفته شده (فعل از معنی تهی می‌شود) و به اسم بعد از آن داده می‌شود. پرکاربردترین افعال تهی در انگلیسی عبارتند از:

- have •
- take •
- make •
- give •
- go •
- do •

I took a shower . = I showered .

من دوش گرفتم.

She had a drink . = She drank something .

او چیزی نوشید.

در اغلب اوقات قبل از اسم همراه با فعل مورد نظر، یک صفت قرار می‌گیرد، مثلا:

I took a cold shower .

من دوش آب سردی گرفتم.

She had a nice , refreshing drink .

او چیزی خوب و سرحال آور نوشید.

فعل تهیه have

از فعل have به عنوان فعل تهیه در معانی مختلفی استفاده می شود. در دسته بندی زیر می توانید اسامی که با این فعل می آیند مشاهده کنید:

- غذا و نوشیدنی: a meal, breakfast, lunch, dinner, a snack, a cup of tea
- گفت و گو: a chat, a conversation, a discussion, a talk
- شست و شو: a bath, a shower, a wash, a scrub
- استراحت کردن: a break, a holiday, a rest
- مخالفت کردن: an argument, a dispute, a fight, a quarrel

I had a good breakfast before I left home .

قبل از اینکه از خانه بروم صبحانه مفصلی خوردم.

We had a long talk about the problem .

ما درباره مسئله صحبت طولانی مدتی داشتیم.

The kids should have a bath before they go to bed .

بچه ها باید قبل از خوابیدن دوش بگیرند.

She generally had a short holiday in July or August .

او معمولا در ژوئیه یا اوت تعطیلات کوتاهی داشت.

They had a serious quarrel about their father's will .

آنها در رابطه با وصیت نامه پدرشان دعوی جدی کردند.

همچنین از فعل have به همراه اسم هایی که شکل فعلی یکسانی دارند (مث، look, bite) ... یعنی هم اسم هستند هم فعل، استفاده می شود، مثلا:

I think you should have a look at this .

فکر کنم بهتر است نگاهی به این بیندازی.

She had a bite of the cake .

او گازی به کیک زد.

I'm thirsty . I'm going to have a drink of water .

من تشنه ام. می خواهم یک لیوان آب بنوشم.

I had a listen to that new CD in the car .

در ماشین به آن سی دی جدید گوش دادم.

They are going to have a swim .

آنها می خواهند به شنا بروند. [شنا کنند].

فعل تهیه take

از فعل take به معانی مختلفی استفاده می‌شود. در دسته‌بندی زیر می‌توانید اسامی که با این فعل می‌آیند را مشاهده کنید:

- شست‌وشو: a bath, a shower, a wash
- استراحت کردن: a break, a holiday, a rest

I always take a cold shower in the morning .

من همیشه صبح‌ها دوش آب سرد می‌گیرم.

You look tired . You need to take a break .

تو خسته به نظر می‌رسی. لازم است استراحتی داشته باشی. [استراحت کنی]

همچنین به همراه کلمات زیر نیز از فعل تهی take استفاده می‌گردد:

trouble	a turn	care
the trouble	turns	care of
a chance	a photograph	a decision
		a risk

We took hundreds of photographs on holiday .

ما در تعطیلات چند صد عکس گرفتیم.

Jane always takes care of her baby sister .

"جین" همیشه از خواهر کوچکش مراقبت می‌کند.

فعل تهی give

از فعل give به معانی مختلفی استفاده می‌شود. در دسته‌بندی زیر می‌توانید اسامی که با این فعل می‌آیند را مشاهده کنید:

- سر و صداها: a cry, a laugh, a scream, a shout, a whistle
- حالات چهره: a smile, a grin, a look, a glance
- ضربه زدن: a kick, a punch, a slap, a push, a knock, a blow
- اعمال محبت آمیز: a hug, a kiss, a stroke
- گفت‌وگو: some advice, an answer, some information, an interview, a lecture, some news, a report, a speech, a talk, a warning

She gave a loud laugh .

او بلند خندید.

John gave a happy smile .

"جان" لبخندی از روی خوشحالی زد.

He gave me a nasty kick on the leg .

او لگد بدی به پای من زد.

She gave the children a goodnight kiss and put them to bed .

او بچه‌ها را به منظور شب بخیر گفتن بوسید و آنها را در تختخواب گذاشت.

I have to give a speech at the meeting tomorrow .

من فردا مجبورم در جلسه سخنرانی کنم.

فعل تهیه make

از فعل make به معانی مختلفی استفاده می‌شود. در دسته‌بندی زیر می‌توانید اسامی که با این فعل می‌آیند را مشاهده کنید:

- گفت‌وگو و سر و صدا: a comment, an inquiry, a noise, a point, a promise, a sound, a speech, a suggestion
- برنامه‌ها: arrangements, a choice, a decision, a plan, plans, an appointment, a date

Try not to make a noise .

سعی کنید صدایی از خود در نیاورید.

They made arrangements to meet the next day .

آنها برنامه‌ریزی کردند که روز بعد همدیگر را ببینند.

فعل تهیه go

از ترکیب go با افعال -ing دار برای بیان کارهای روزمره و رایج استفاده می‌شود، مثلا:

We usually go walking at the weekend .

ما معمولا آخر هفته به پیاده‌روی می‌رویم.

He goes running every evening after supper .

او هر شب بعد از شام می‌دود.

Mum's out . She's gone shopping .

مامان بیرون است. به خرید رفته است.

از عبارت "go far a" به همراه یک فعل برای توصیف کارهایی استفاده می‌شود که در مفهوم خود حرکت و جا به جایی را داشته باشند.

- go for a jog
- go for a ride
- go for a swim
- go for a run
- go for a stroll
- go for a walk

I want to get out of here . Let's go for a walk .

من می‌خواهم از اینجا بروم. بیا برویم قدم بزنیم.

He's gone for a ride on his bike .

او برای دوچرخه سواری رفته است.

فعل تهیه do

از ترکیب do the با یک فعل ing دار برای انجام کاری، به خصوص کارهای خانه استفاده می شود، مثلا:

It's your turn to do the cooking .

نوبت توست که آشپزی کنی.

You do the washing up and I'll do the drying .

تو لباس‌ها رو بشوی و من آن‌ها را خشک می‌کنم.

دار نباشد-ing می‌آید، ممکن است do واژه‌ای که بعد از فعل

I need to do a few jobs around the house .

لازم است چند کار در خانه انجام دهم.

I can't come out this evening . I have a lot of work to do .

من امشب نمی‌توانم بیرون بروم. خیلی کار برای انجام دارم.

همچنین از فعل do به همراه یک اسم زمانی استفاده می‌شود که کار انجام شده روی اسم مشخص و واضح باشد و معنای فعل do با توجه به اسم مشخص باشد، مثلا:

I'll have to do my hair before we go out . = I'll have to brush my hair .

قبل از اینکه بیرون برویم باید موهایم را درست کنم.

Have you done your teeth ? = Have you cleaned your teeth ?

آیا دندان‌هایت را مسواک زده‌ای؟

دقت داشته باشید که جمله‌ای مثل "Have you done the car?" با توجه به این که در چه بافتی آمده می‌تواند یکی از این معانی را داشته باشد:

Have you washed the car?

آیا ماشین را شسته‌ای؟

Have you mended the car?

آیا ماشین را تعمیر کرده‌ای؟

Have you put petrol in the car?

آیا ماشین را بنزین زده‌ای؟

افعال کنایی

افعال کنایی یا ارگاتیو در زبان انگلیسی افعالی هستند که هم گذرا و هم ناگذر هستند، مثلا close یا increase. این افعال هم می‌توانند بدون مفعول بیایند هم همراه با مفعول. با توجه به اینکه مفعول بگیرند یا نه معنایشان تغییر می‌کند. برای روشن تر شدن موضوع به مثال‌ها توجه کنید:

Peter closed the door . (گذرا)

"پیترا" در را بست.

The door closed . (ناگذر)

در بسته شد.

افعال زیر از پرکاربردترین افعال کنایی در زبان انگلیسی هستند:

- begin شروع کردن، شروع شدن
- Break شکستن، شکسته شدن
- Change تغییر کردن، تغییر دادن
- Close بستن، بسته شدن
- Drop افتادن، انداختن
- Crack ترک خوردن، ترک‌دار شدن
- Dry خشک کردن، خشک شدن
- End تمام کردن، تمام شدن
- Finish تمام کردن، تمام شدن
- Grow رشد کردن، پرورش دادن
- Improve بهتر شدن، بهتر کردن
- Increase زیاد کردن، زیاد شدن
- Move حرکت کردن، حرکت دادن
- Open باز کردن، باز شدن
- Shake لرزیدن، لرزاندن
- Start شروع کردن، شروع شدن
- Stop متوقف شدن، متوقف کردن
- Tear پاره شدن، پاره کردن
- Turn گشتن، گرداندن

I broke the glass . (گذرا)

من شیشه را شکستم.

I dropped the glass and it broke . (ناگذر)

لیوان را انداختم و آن شکست.

The referee blew his whistle and started the match . (گذرا)

داور در سوتش دمید و بازی را شروع کرد.

The match started at 2 . 30 . (ناگذر)

بازی ساعت ۲:۳۰ شروع شد.

We grew some tasty potatoes . (گذرا)

ما سیب زمینی‌های خوشمزه‌ای کاشتیم.

The potatoes were growing well . (ناگذر)

سیب زمینی‌ها داشتند خوب رشد می‌کردند.

The wind shook the trees . (گذرا)

باد درخت‌ها را تکان داد.

The trees shook in the wind . (ناگذر)

درخت‌ها در باد تکان خوردند.

بسیاری از افعالی که در زبان انگلیسی مربوط به آشپزی کردن می‌شوند، کنایی هستند:

- bake پختن، آشپزی کردن
- boil جوشیدن، جوشاندن
- cook آشپزی کردن، پختن
- defrost یخ باز کردن، یخ باز شدن
- freeze فریز کردن، فریز شدن
- melt ذوب کردن، ذوب شدن
- roast بریان کردن، بریان شدن

You should roast the meat at 200 degrees centigrade . (گذرا)

شما باید گوشت را در دمای ۲۰۰ درجه سانتی‌گراد بریان کنید.

The meat was roasting in a hot oven . (ناگذر)

گوشت داشت در فر داغ بریان می‌شد.

I always defrost meat before I cook it . (گذرا)

من همیشه قبل از پختن، یخ گوشت ذوب کنم.

I am waiting for the meat to defrost . (ناگذر)

من منتظرم تا یخ گوشت باز شود.

Melt the chocolate and pour it over the ice cream . (گذرا)

شکلات را آب کنید و آن را روی بستنی بریزید.

The chocolate was melting in a pan . (ناگذر)

شکلات داشت در قابلمه آب می‌شد.

افعالی که در رابطه با وسایل نقلیه هستند اغلب کنایی هستند:

- Back دنده عقب رفتن، دنده عقب راندن
- Crash تصادف کردن، برخورد کردن با
- Drive رانندگی کردن، راندن
- Fly پرواز کردن، راندن هواپیما
- Reverse برعکس کردن، برگرداندن
- Run رانندگی کردن، راندن
- Sail کشتی‌رانی کردن، کشتی راندن

- Start استارت زدن، روشن کردن
- Stop توقف کردن، متوقف کردن

I'm learning to fly a plane . (گذرا)

من دارم یاد می‌گیرم چگونه هواپیما را برانم.

The plane flew at twice the speed of sound . (ناگذر)

هواپیما با سرعت دو برابر صوت پرواز کرد.

He crashed his car into a tree . (گذرا)

او ماشینش را به درخت کوبید.

His car crashed into a tree . (ناگذر)

ماشین او به درخت اصابت کرد.

افعال زیر وقتی با اسم‌های خاصی بیایند کنایی هستند و در غیر این صورت افعال گذرا یا ناگذر هستند:

- فعل catch با اسم‌های: dress, coat, clothes, trousers etc
- فعل fire با اسم‌های: Gun, pistol, rifle, rocket
- فعل play با اسم‌های: guitar, music, piano, violin, CD, DVD etc
- فعل ring با اسم‌های: bell, alarm

She caught her dress on a nail . (گذرا)

او لباسش را به میخی گیر داد.

Her dress caught on a nail . (ناگذر)

لباس او به میخی گرفت.

He fired a pistol to start the race . (گذرا)

او تفنگی شلیک کرد تا مسابقه را شروع کند.

A pistol fired to start the race . (ناگذر)

یک اسلحه شلیک شد تا بازی شروع شود.

ساختارهای سوالی

سوالی کردن در زبان انگلیسی به چهار شکل اصلی صورت می‌گیرد:

۱- با عوض کردن جای فعل و فاعل جمله.

جمله سوالی	جمله خبری
Is everybody watching ?	Everybody is watching .
Had they worked hard ?	They had worked hard .
Has he finished work ?	He's finished work .
Had everybody been working hard ?	Everybody had been working hard .

Has he been singing ?	He has been singing .
Is English spoken all over the world ?	English is spoken all over the world .
Have the windows been cleaned ?	The windows have been cleaned .

۲- عوض کردن جای modal (فعل کمکی) و فاعل جمله.

جمله خبری	جمله سوالی
They will come .	Will they come ?
He might come .	Might he come ?
They will have arrived by now .	Will they have arrived by now ?
She would have been listening .	Would she have been listening ?
The work will be finished soon .	Will the work be finished soon ?
They might have been invited to the party .	Might they have been invited to the party ?

۳- زمان‌های حال ساده و گذشته ساده فعل کمکی ندارند. ما با استفاده از فعل کمکی do/does حال ساده و با کمک did گذشته ساده را سوالی می‌کنیم:

جمله خبری	جمله سوالی
They live here .	Do they live here ?
John lives here .	Does John live here ?
Everybody laughed .	Did everybody laugh ?

۴- سوالی کردن با واژه‌های پرسشی wh

کلمه‌های wh در زبان انگلیسی عبارتند از what, when, where, who, which, why و how. برای درست کردن جملات سوالی با این واژه‌ها ابتدا باید جمله را سوالی کنیم (یعنی جای فعل و فاعل را عوض کنیم) بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال بپرسیم حذف می‌کنیم و کلمه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم. (برای اطلاعات بیشتر به بخش جمله‌واره‌های wh مراجعه کنید).

جمله خبری	جمله سوالی
They live here .	Where do they live ?
I woke up at 7 o'clock .	When do you wake up ?
I bought an ice cream .	What did you buy ?

افعال انگلیسی در عبارات زمانی و جملات شرطی

در زبان انگلیسی افعال در عبارات زمانی، یعنی عبارتهایی که یکی از قیده‌های زمان در آن آمده باشد، مانند سایر عبارتها عمل می‌کنند، مگر در شرایط زیر:

۱- در عبارتهایی با قیدهای زمانی نظیر **when, after, until** ما غالباً از زمان حال ساده (present tense) برای صحبت کردن درباره آینده استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید.

I'll come home when I finish work .

وقتی کار را تمام کنم به خانه خواهم آمد.

You must wait here until your father comes .

تو باید اینجا منتظر بمانی تا وقتی پدرت برسد.

They are coming after they have had dinner .

بعد از اینکه شام خوردند می‌آیند.

۲- در عبارتهای شرطی با **if** یا **unless** ما غالباً از زمان حال ساده (present tense) برای صحبت کردن درباره آینده استفاده می‌کنیم (شرطی نوع اول):

We won't be able to go out if it is raining .

اگر باران ببارد نمی‌توانیم بیرون برویم.

If Barcelona win tomorrow they will be champions .

اگر فردا بارسلونا برنده شود قهرمان خواهند شد.

I will come tomorrow unless I have to look after the children .

من فردا خواهم آمد مگر اینکه مجبور باشم از بچه‌ها مراقبت کنم.

۳- ما معمولاً در عبارتهایی که با **if** یا قیدهای زمان همراه هستند از فعل **Will** استفاده نمی‌کنیم و **Will** در عبارت مستقل و اصلی جمله می‌آید:

I'll come home when I will finish work . (نادرست)

I'll come home when I finish work . (درست / جمله شرطی نوع اول)

It will be nice to see Peter when he will get home . (نادرست)

It will be nice to see Peter when he gets home . (درست / جمله شرطی نوع اول)

۴- زمانی در جملات شرطی یا در عبارتهایی با قید زمان از **Will** استفاده می‌کنیم که بخواهیم قول یا پیشنهادی به کسی بدهیم.

I will be very happy if you will come to my party .

خوشحال خواهم شد اگر به مهمانی من بیایی.

We should finish the job early if George will help us .

اگر "جرج" به ما کمک کند می‌توانیم کار را زود تمام کنیم.

جملات شرطی

برخی جملات شرطی شبیه به بیان فرضیه هستند (مثلا اگر A اتفاق می افتاد B اتفاق می افتاد) برای همین برای صحبت کردن درباره حال و آینده از زمان گذشته (past tense) استفاده می کنیم.

از حالت گذشته زمانی در جمله شرطی استفاده می کنیم که یک اتفاق در زمان حال محقق نشده و به وقوع نپیوسته است (شرطی نوع دوم):

He could get a new job if he really tried .

اگر واقعا سعی می کرد می توانست شغل جدیدی داشته باشد.

He cannot get a job because he has not tried .
اگر بخواهیم این جمله شرطی را جور دیگری بنویسیم می شود:

یعنی "چون تلاش نکرده نمی تواند الان شغل داشته باشد"، چون این موضوع محقق نشده در جمله شرطی از زمان گذشته استفاده کردیم.

If Jack was playing they would probably win .

اگر "جک" بازی می کرد آنها احتمالا می بردند.

Jack is not playing so they will probably not win .
اگر بخواهیم این جمله شرطی را جور دیگری بنویسیم می شود:

یعنی "جک" در بازی نیست و آنها احتمالا نمی برند"، چون این موضوع محقق نشده در جمله شرطی از زمان گذشته استفاده کردیم.

از حالت گذشته زمانی در جمله شرطی استفاده می کنیم که (۱) اطمینان داشته باشیم و بدانیم که اتفاقی در آینده نخواهد افتاد (شرطی نوع دوم):

We would go by train if it wasn't so expensive .

اگر قطار خیلی گران نبود، با قطار می رفتیم.

We won't go by train because it is too expensive .
اگر بخواهیم این جمله شرطی را جور دیگری بنویسیم می شود:

یعنی "چون قطار خیلی گران است مطمئنا با قطار نخواهیم رفت"، چون اطمینان داریم این اتفاق نخواهد افتاد از زمان گذشته استفاده کردیم.

I would look after the children for you at the weekend if I was at home .

اگر آخر هفته خانه بودم از بچه ها مراقبت می کردم.

I can't look after the children because I will not be at home .
اگر بخواهیم این جمله شرطی را جور دیگری بنویسیم می شود:

یعنی "چون آخر هفته خانه نیستم در نتیجه نمی توانم از بچه ها مراقبت کنم"، چون اطمینان داریم این اتفاق نخواهد افتاد از زمان گذشته استفاده کردیم.

از حالت گذشته زمانی در جمله شرطی استفاده می کنیم که (۲) بخواهیم درباره آینده حدسی بزنیم (شرطی نوع دوم):

If he came tomorrow we could borrow his car .

اگر او فردا بیاید می توانیم ماشینش را قرض بگیریم.

If we invited John , Mary would bring Angela .

اگر ما "جان" را دعوت کنیم، "ماری" "آنجلا" را با خود خواهد آورد.

وقتی می‌خواهیم راجع به چیزی که در گذشته محقق نشد صحبت کنیم، در عبارت شرطی از گذشته کامل (past perfect) و در عبارت اصلی از فعل وجهی (modal verb) استفاده می‌کنیم (شرطی نوع سوم). دقت کنید که اگر عبارت اصلی درباره گذشته بود باید فعل وجهی را همراه با have به کار ببریم:

If you had seen him you could have spoken to him .

اگر او را دیده بودی می‌توانستی با او صحبت کنی.

You did not see him so you could not speak to him.

یعنی "تو او را ندیدی در نتیجه نتوانستی با او صحبت کنی"، چون این اتفاق در گذشته نیفتاد، از زمان گذشته کامل استفاده کردیم.

You could have stayed with us if you had come to London .

می‌توانستی پیش ما بمانی اگر به لندن آمده بودی.

You couldn't stay with us because you didn't come to London.

یعنی "تو نتوانستی پیش ما بمانی چون به لندن نیامدی"، چون این اتفاق در گذشته نیفتاد، از زمان گذشته کامل استفاده کردیم.

اگر عبارت اصلی درباره زمانی در حال بود که محقق نشد یا می‌توانیم از ساختار حال ساده یا از یک فعل وجهی (مثلاً would) بدون have استفاده کنیم (شرطی نوع سوم):

If I had got the job we would be living in Paris now .

اگر آن شغل را به دست آورده بودم الان داشتیم در پاریس زندگی می‌کردیم.

I did not get the job so we are not living in Paris now.

یعنی "من شغل را ندارم به خاطر همین الان در پاریس زندگی نمی‌کنیم"، چون این اتفاق در زمان حال نیفتاده از فعل وجهی would استفاده کردیم.

If you had done your homework you would know the answer .

اگر تکالیف را انجام داده بودی (الان) جوابها را بلد بودی.

You did not do your homework so you do not know the answer.

زمان حال نیفتاده از فعل وجهی would استفاده کردیم.

بیان آرزو و فرضیه در زبان انگلیسی

در این بخش می‌خواهیم بیان آرزو یا فرضیه در زبان انگلیسی را بررسی کنیم و بینیم چطور می‌توانیم از خواسته‌های خود در آینده یا آرزوهایمان در گذشته صحبت کنیم. همچنین می‌بینیم چطور می‌توانیم از فرضیه‌ها و اتفاقاتی که ممکن بوده به وقوع بپیوندند صحبت کنیم.

آرزوها(wishes)

واژه wish به معنای "آرزو کردن" یا "ای کاش" است. دو نوع معنی اصلی برای این واژه قابل تصور است: اول آرزو کردن برای این که چیزی در آینده اتفاق بیفتد، مثلا: "آرزو می‌کنم موفق باشی!" و دوم آرزوی این که کاش چیزی در گذشته افتاده بود، یا به عبارت دیگر آرزوی چیز محالی را داشتن، مثلا "کاش خانه بزرگ‌تری داشتم". در انگلیسی برای بیان آرزو معمولا از ساختارهای گذشته استفاده می‌کنیم. برای بیان آرزو می‌توانیم از افعال وجهی گذشته would و could استفاده می‌کنیم:

I don't like my work . I wish I could get a better job .

من کارم را دوست ندارم. ای کاش می‌توانستم کار بهتری داشته باشم.

That's a dreadful noise . I wish it would stop .

آن صدا خیلی ترسناک است. ای کاش قطع شود.

برای بیان آرزویی برای زمان حال از گذشته ساده استفاده می‌کنیم:

I don't like this place . I wish I lived in somewhere more interesting .

من اینجا را دوست ندارم. ای کاش جایی جالب‌تر زندگی می‌کردم.

John wishes he wasn't so busy .

"جان" آرزو دارد ای کاش انقدر سرش شلوغ نبود.

برای بیان آرزویی برای گذشته از گذشته کامل استفاده می‌کنیم:

I wish I had worked harder when I was at school .

ای کاش زمانی که در مدرسه بودم بیشتر تلاش کرده بودم.

Mary wishes she had listened to what her mother told her .

"ماری" آرزو می‌کند ای کاش به حرف‌هایی که مادرش زده بود گوش کرده بود.

فرضیه‌ها(hypotheses)

فرضیه اتفاق‌ها و چیزهایی است که حدس می‌زنیم در آینده اتفاق بیفتند یا چیزهایی هستند که در گذشته اتفاق نیفتادند. اگر بخواهیم راجع به چیزی که احتمال وقوع آن را در آینده می‌دهیم صحبت کنیم، بعد از عبارت‌هایی مثل what if و in case و suppose از ساختار حال ساده استفاده می‌کنیم:

Those steps are dangerous . Suppose someone has an accident .

آن پله‌ها خطرناک هستند. فرض کن یک نفر ممکن است دچار حادثه شود.

We should leave home early in case we are late .

ما باید زود از خانه بیرون بزنیم محض احتیاط که دیر نرسیم.

اگر بخواهیم راجع به اتفاقی که احتمال وقوعش را در آینده نمی‌دهیم صحبت کنیم بعد از what if و suppose از ساختار گذشته استفاده می‌کنیم:

It might be dangerous . Suppose they got lost .

ممکن بود خطرناک باشد. فرض کن آنها گم می‌شدند.

What if he lost his job . What would happen then ?

اگر شغلش را از دست می‌داد چی. آن وقت چه اتفاق می‌افتاد؟

برای صحبت کردن درباره فرضیه‌ای درباره آینده از افعال وجهی **would** و **could** استفاده می‌کنیم:

We can't all stay in a hotel . It would be very expensive .

ما نمی‌توانیم همه در هتل بمانیم. خیلی گران تمام می‌شود.

Drive carefully . You could have an accident .

با دقت رانندگی کن. ممکن است تصادف کنی.

برای صحبت کردن درباره آینده‌ای فرضی، در عبارت اصلی (main clause) از **would** و در جمله وابسته (subordinate clause) از فعل گذشته استفاده می‌کنیم:

I would always help someone who really needed help .

من همیشه به کسی که واقعا کمک احتیاج داشته باشد کمک می‌کنم.

I would always help someone if they really needed it .

من همیشه کمک می‌کنم به کسی اگر واقعا به آن نیاز داشته باشد.

برای بیان اتفاق‌هایی که در گذشته به وقوع نپیوستند از افعال وجهی به علاوه **have** استفاده می‌کنیم:

It's a pity Jack wasn't at the party . He would have enjoyed this party .

حیف شد که "جک" در مهمانی نبود. او از این مهمانی لذت می‌برد.

Why didn't you ask me . I could have told you the answer .

چرا از من نپرسیدی. من می‌توانستم جواب را به تو بگویم.

زمان ها

زمان حال ساده

از زمان حال ساده یا **Simple Present** در زبان انگلیسی برای نشان دادن عملی که در زمان حال یک بار یا چند بار به صورت تکراری اتفاق می‌افتد استفاده می‌کنیم. زمان حال ساده یکی از پرکاربردترین زمان‌های زبان انگلیسی است.

ساختار حال ساده

فعل در زمان حال ساده در زبان انگلیسی شکل اصلی فعل است. در همه شخص‌ها به غیر از سوم شخص مفرد فعل به صورت ساده می‌آید. در حالت سوم شخص مفرد، شکل ساده افعال **S** یا **es** به خود می‌گیرد. در زبان فارسی این زمان را معمولا به صورت حال ساده یا حال استمراری ترجمه می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I work in London .

من در لندن کار می‌کنم.

She works in London .

او در لندن کار می‌کند.

سوالی کردن

برای سوالی کردن جملات حال ساده، از افعال کمکی do و does استفاده می‌کنیم. از does برای سوم شخص مفرد (he, she, it) و برای سایر ضمایر از do استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Do you play the piano ?

آیا پیانو می‌نوازی؟

Does Jack play football ?

آیا "جک" فوتبال بازی می‌کند؟

Do Rita and Angela live in Manchester ?

آیا "ریتا" و "آنجلا" در منچستر زندگی می‌کنند؟

برای سوالی کردن با واژه‌های پرسشی where و what و why و when نیز به فعل کمکی do و does نیاز داریم. اگر بخواهیم با واژه‌های wh پرسشی کنیم، باید ابتدا جمله خبری را با فعل کمکی do/does به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم. به مثال زیر توجه کنید:

Where do they work ?

آنها کجا کار می‌کنند؟

نکته

دقت کنید که واژه پرسشی who با سایر واژه‌های پرسشی تفاوت دارد و وقتی می‌خواهیم درباره فاعل جمله با who جمله پرسشی بسازیم به do/does نیازی ندارد، زیرا که نقش who ضمیر فاعلی است، ولی نقش سایر واژه‌های سوالی قید است.

Who lives here ?

چه کسی اینجا زندگی می‌کند؟

Who works at Liverpool City Hospital ?

چه کسی در بیمارستان شهر لیورپول کار می‌کند؟

منفی کردن

برای منفی کردن حال ساده از افعال کمکی do/does به علاوه منفی‌کننده not استفاده می‌کنیم. برای سوم شخص مفرد (she/he/it) از does not یا doesn't و برای سایر ضمایر از do not یا don't استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I don't live in London now .

من در حال حاضر در لندن زندگی نمی‌کنم.

They don't work at the weekend .

آنها آخر هفته کار نمی کنند.

Angela doesn't drive to work . She goes by bus .

"آنجلا" با ماشین سرکار نمی آید. او با اتوبوس می رود.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
I / you / we / they	I do not speak	I speak	Do I speak ?
he / she / it	he does not speak	he speaks	Does he speak ?

کاربردهای حال ساده

۱- برای صحبت کردن درباره چیزهایی که در حال حاضر حقیقت دارند، به عبارتی دیگر درباره حقایق هستند. به مثال های زیر توجه کنید:

I'm nineteen years old .

من نوزده ساله هستم.

He lives in London .

او در لندن زندگی می کند.

I'm a student .

من دانش آموز هستم.

۲- برای صحبت کردن درباره اتفاق هایی که بارها و بارها تکرار می شوند و تبدیل به روتین و روندی همیشگی شده اند. معمولا برای نشان دادن این کاربرد از قیدهای تکرار (مثل *sometimes, often, always*) و *never* استفاده می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

I play football every weekend .

من هر آخر هفته فوتبال بازی می کنم.

I sometimes go to the cinema .

من بعضی وقت ها به سینما می روم.

She never plays football .

او هیچوقت فوتبال بازی نمی کند.

۳- برای صحبت کردن درباره حقایق علمی. به مثال های زیر توجه کنید:

The adult human body contains 206 bones .

بدن انسان بالغ شامل ۲۰۶ استخوان است.

Light travels at almost 300 , 000 kilometers per second .

نور در سرعت تقریبا ۳۰۰,۰۰۰ کیلومتر در ثانیه حرکت می کند.

۴- برای صحبت کردن درباره برنامه ای که در آینده قطعا به وقوع خواهد پیوست. به مثال های زیر توجه کنید:

The school term starts next week .

نیمسال تحصیلی مدرسه هفته آینده آغاز می‌شود.

The train leaves at 19 : 45 this evening .

قطار امشب ساعت ۱۹:۴۵ حرکت می‌کند.

We fly to Paris next week .

ما هفته آینده به پاریس می‌رویم.

حال استمراری

زمان حال استمراری یا **Present Continuous** در زبان انگلیسی بیشتر برای بیان کردن کارهایی که در زمان حال در حال وقوع هستند یا به طور موقت در حال رخ دادن اند استفاده می‌شود. این زمان کاربردهای دیگری نیز دارد که در این بخش با آنها آشنا می‌شویم. ابتدا با ساختار این زمان آشنا می‌شویم.

ساختار حال استمراری

زمان حال استمراری از حالت مضارع فعل (be (am, is, are به علاوه مصدر -ing دار افعال (gerund) درست می‌شود.

استثناها در اضافه کردن ing

۱- اگر آخر فعل e بود، موقع تبدیل به gerund حذف می‌شود، به غیر از فعل‌هایی که آخرشان ee و oe و ye باشد.

Come - coming

Agree - agreeing

۲- برای افعالی که قبل از آخرین حرف بی صدا یک حرف صدادار همراه با استرس دارند، آن حرف بی صدا دوبار تکرار می‌شود، به غیر از افعالی که آخرشان W و X و Y باشد.

sit - sitting

fix - fixing

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی L باشد، دوبار تکرار می‌شود اما در انگلیسی آمریکایی L یکبار می‌آید.

travel - travelling (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveling (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر آخر یک فعل ie باشد تبدیل به y می‌شود.

lie - lying

سوالاتی کردن

برای سوالاتی کردن جملات حال استمراری، یا می‌توانیم جملات پرسشی بله/خیر بسازیم یا با واژه‌های پرسشی wh سوال بسازیم. برای ساخت جملات بله/خیر جای فعل be را با فاعل عوض می‌کنیم.

اگر بخواهیم با واژه‌های wh پرسشی کنیم باید ابتدا جمله خبری را به پرسشی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم، حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

منفی کردن

برای منفی کردن جمله با حال استمراری باید بعد از فعل **be** و قبل از بخش **ing** فعل **not** قرار دهیم.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
I	I am not speaking	I am speaking	Am I speaking ?
he , she , it	he is not speaking	he is speaking	Is he speaking ?
you , we , they	you are not speaking	you are speaking	Are you speaking ?

شکل کوتاه و بلند

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمائر با فعل **be** تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا **contraction** می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
am (not)	m (not'...)	I amn't) / m not (
are	re'...	you're
are not	re not/... aren't'...	we're not/we aren't
is	s'...	he's
is not	s not/... isn't'...	she's not/she isn't

کاربردهای حال استمراری

۱- برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در حال حاضر و موقع حرف زدن ما در حال انجام شدن است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I'm just leaving work . I'll be home in an hour .

من تازه دارم از سرکار می‌روم. یک ساعت دیگر به خانه می‌روم.

Please be quiet . The children are sleeping .

لطفا ساکت باش. بچه‌ها خواب هستند.

۲- برای صحبت کردن درباره چیزی که قبل و بعد از زمان خاصی در حال انجام شدن است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

At eight o'clock we are usually having breakfast .

در ساعت ۸ ما معمولاً صبحانه می‌خوریم.

When I get home the children are doing their homework .

وقتی به خانه می‌روم بچه‌ها مشغول انجام دادن تکالیف‌شان هستند.

۳- برای صحبت کردن درباره کاری که ما آن را موقتی می‌دانیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Michael is at university . He's studying history .

"مایکل" دانشگاه است. او دارد تاریخ می‌خواند.

I'm working in London for the next two weeks .

من دو هفته آینده را در لندن مشغول به کار هستم.

۴- برای صحبت کردن درباره چیزی که جدید است و با شرایط قبل در تضاد است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

These days most people are using email instead of writing letters .

این روزها بیشتر مردم به جای نوشتن نامه از ایمیل استفاده می‌کنند.

What sort of clothes are teenagers wearing nowadays ? What sort of music are they listening to ?

این روزها نوجوان‌ها چه جور لباس‌هایی می‌پوشند؟ به چه نوع موسیقی گوش می‌دهند؟

۵- برای صحبت کردن درباره چیزی که تغییر می‌کند، رشد می‌کند یا بهتر می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

The children are growing quickly .

بچه‌ها به سرعت رشد می‌کنند.

The climate is changing rapidly .

آب و هوا به سرعت دارد تغییر می‌کند.

Your English is improving .

انگلیسی شما در حال بهتر شدن است. [انگلیسی شما دارد بهتر می‌شود].

۶- برای صحبت کردن درباره اعمالی که بارها و بارها تکرار می‌شوند. معمولا در این کاربرد از قید **always** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

It's always raining in London .

در لندن همیشه باران می‌بارد.

They are always arguing .

آنها همیشه با هم بحث می‌کنند.

۷- برای صحبت کردن درباره برنامه یا نقشه‌های ما در زمان آینده از حال استمراری استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Mary is going to a new school next term .

"ماری" ترم آینده به مدرسه جدیدی می‌رود.

What are you doing next week ?

هفته آینده چه برنامه‌ای داری؟

زمان حال کامل

زمان حال کامل یا **Present Perfect** در انگلیسی برای بیان اتفاق‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده ولی آن اتفاق یا تأثیرش تا زمان حال ادامه پیدا کرده است. نزدیک‌ترین معادل برای این زمان در زبان فارسی "ماضی نقلی" است. اما

این زمان کاربردهای دیگری هم دارد که در این درس با آنها آشنا می‌شویم. قبل از اینکه به کاربردها بپردازیم باید ساختار این زمان را در نظر بگیریم:

ساختار حال کامل

زمان حال کامل با شکل حال فعل **have** به علاوه شکل سوم افعال درست می‌شود. با اضافه کردن **ed** به انتهای اکثر افعال می‌توان شکل سوم (**past participle**) ساخت.

استثناهای شکل سوم افعال

۱- اگر انتهای فعل **e** داشت تنها کافی است برای ساختن شکل سوم به آن **d** اضافه کنیم.

love - loved

۲- اگر حرف یکی مانده به آخر صدادار و استرس‌دار باشد، حرف بی‌صدای آخر فعل دوبار تکرار می‌شود.

admit - admitted

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد دوبار تکرار می‌شود، اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می‌آید.

travel - travelled (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveled (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر انتهای فعل **y** باشد به **i** تبدیل می‌شود.

hurry - hurried

سوالی کردن

برای سوالی کردن زمان حال ساده کامل تنها کافی است جای فاعل و فعل کمکی (**have/has**) را با هم عوض کنیم. اگر بخواهیم با واژه‌های **wh** پرسشی کنیم، باید ابتدا جمله خبری را به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

منفی کردن

جملاتی با این زمان تنها با قراردادن **not** بعد از فعل کمکی (**have/has**) و قبل از فعل اصلی انجام می‌گیرد.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
I / you / we / they	I have not played	I have played	Have I played ?
he / she / it	he has not played	he has played	Has he played ?

شکل بلند و کوتاه

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمیر با فعل **have/has** تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به کار خلاصه کردن یا **contraction** می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
have	ve'...	they've
have not	ve not/... haven't'...	I've not/I haven't
has	s'...	she's
has not	s not/... hasn't'...	he's not/he hasn't

کاربردهای حال کامل

۱- برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه یافته است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

They've been married for nearly fifty years .

آنها نزدیک به پنجاه سال است که ازدواج کرده‌اند.

She has lived in Liverpool all her life .

او تمام عمر در لیورپول زندگی کرده است.

۲- برای صحبت کردن درباره کاری که در گذشته چندین بار انجام می‌شده و تا زمان حال ادامه پیدا کرده است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I've played the guitar ever since I was a teenager .

من از وقتی نوجوان بودم گیتار زده‌ام.

He has written three books and he is working on another one .

او سه کتاب نوشته است و دارد روی یک کتاب دیگر کار می‌کند.

نکته

ما معمولاً برای نشان دادن کاری که در گذشته انجام گرفته و تا به حال ادامه پیدا کرده است (یا تاثیر آن تا زمان حال باقی مانده است) از حرف اضافه since استفاده می‌کنیم.

They've stayed with us since last week .

آنها از هفته گذشته با ما بوده‌اند.

I have worked here since I left school .

من از وقتی مدرسه را ترک کردم اینجا کار کرده‌ام.

۳- برای صحبت کردن درباره تجربه‌هایمان تا زمان حاضر. برای این کاربرد معمولاً از قیده‌های ever و never استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

My last birthday was the worst day I have ever had .

تولد قبلی من بدترین روزی بود که تا به حال داشتم.

A : Have you ever met George ?

آیا تا به حال "جرج" را دیده‌ای؟

B : Yes , but I've never met his wife .

بله، اما من هیچوقت همسرش را ندیده‌ام.

۴- برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته افتاده اما تاثیرش بر زمان حال باقی مانده است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I can't get in the house . I've lost my keys .

من نمی‌توانم وارد خانه شوم. کلیدهایم را گم کرده‌ام.

Teresa isn't at home . I think she has gone shopping .

"ترزا" خانه نیست. فکر کنم به خرید رفته است.

نکته

وقتی می‌خواهیم درباره کسی که به مکانی رفته و بعد برگشته است صحبت کنیم، از شکل حال کامل فعل be استفاده می‌کنیم. اما وقتی شخصی رفته و هنوز برگشته است از have/has gone استفاده می‌کنیم.

A : Where have you been ?

کجا بوده‌ای؟

B : I've just been out to the supermarket .

تازه از سوپرمارکت برگشته‌ام.

A : Have you ever been to San Francisco ?

آیا تا به حال سان فرانسیسکو رفته‌ای؟

B : No , but I've been to Los Angeles .

نه، ولی لوس آنجلس رفته‌ام.

A : Where is Maria ? I haven't seen her for weeks .

"ماریا" کجاست؟ من هفته‌هاست ندیده‌امش.

B : She's gone to Paris for a week . She'll be back tomorrow .

او به پاریس رفته است. فردا برخواهد گشت.

قیدهای حال کامل

ما معمولاً از قیدهای حال کامل مثل just ، only just و recently در جملات حال کامل استفاده می‌کنیم. در برخی موارد هم از قیدهای زمانی استفاده می‌کنیم که در مفهوم خود زمان آینده دارند، مثلاً ever و so far ، until now .
to now و yet. قید ever در جملات پرسشی و yet در جملات پرسشی و منفی استفاده می‌شود.

We have just got back from our holidays .

ما همین الان از سفر برگشته‌ایم.

Have you ever seen a ghost ?

آیا تا به حال روح دیده‌ای؟

Have you finished your homework yet ?

آیا هنوز تکلیف را تمام نکرده‌ای؟

Scientists have recently discovered a new breed of monkey .

دانشمندان به تازگی نژاد جدیدی از میمون کشف کرده‌اند.

توجه کنید

When we were children we have been to California . (نادرست)

ما با قیده‌های زمانی که نشان‌دهنده پایان و تکمیل کاری است نمی‌توانیم از فعل‌های زمان حال کامل استفاده کنیم. اما می‌توانیم برای اشاره به کاری که هنوز انجام نشده از حال کامل استفاده کنیم.

I have seen that film yesterday . (نادرست)

دیروز آن فیلم را دیده‌ام.

Have you seen Helen today ? (درست)

امروز هلن را دیدی؟

We have just bought a new car last week . (نادرست)

ما همین هفته پیش یک اتومبیل جدید خریده‌ایم.

We have bought a new car this week . (درست)

این هفته یک اتومبیل جدید خریدیم.

حال کامل استمراری

از زمان حال کامل استمراری یا **Present Perfect Progressive** برای بیان عملی که از گذشته شروع شده و فرایند آن تا زمان حال ادامه داشته و یا تاثیرش روی زمان حال باقی مانده استفاده می‌کنیم. تفاوت این زمان با حال کامل در این است که در حال کامل استمراری تاکید بر فرایند و ادامه‌دار بودن عمل است. ابتدا با ساختار این زمان آشنا می‌شویم:

ساختار حال کامل استمراری

برای ساخت این زمان به فعل کمکی **have** و شکل سوم فعل **be** یعنی **been** و حالت **ing** فعل اصلی نیاز داریم.

استثناها در اضافه کردن **ing**

۱- اگر آخر فعل **e** بود، موقع تبدیل به **gerund** حذف می‌شود، به غیر از فعل‌هایی که آخرشان **ee** و **oe** و **ye** باشد.

Come - coming

Agree - agreeing

۲- برای افعالی که قبل از آخرین حرف بی‌صدا یک حرف صدادار همراه با استرس دارند، آن حرف بی‌صدا دوبار تکرار می‌شود، به غیر از افعالی که آخرشان **w** و **x** و **y** باشد.

sit - sitting

fix - fixing

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد دوبار تکرار می‌شود، اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می‌آید.

travel - travelling (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveling (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر آخر یک فعل ie باشد تبدیل به y می‌شود.

lie - lying

سوالی کردن

برای سوالی کردن این زمان کافی است جای فعل کمکی have/has و فاعل را عوض کنیم. اگر بخواهیم با واژه‌های wh پرسشی کنیم باید ابتدا جمله خبری را به پرسشی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

منفی کردن

اگر بعد از فعل کمکی have/has واژه not قرار بدهیم، فعل منفی می‌شود.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
I / you / we / the y	I have not been speakin g	I have been speakin g	Have I been speaking ?
he / she / it	he has not been speakin g	he has been speakin g	Has he been speaking ?

شکل کوتاه و بلند

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمائر با فعل have\has تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا contraction می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
have	ve'...	they've
have not	ve not/... haven't'...	I've not/I haven't
has	s'...	she's
has not	s not/... hasn't'...	he's not/he hasn't

کاربردهای حال کامل استمراری

۱- برای تاکید کردن روی فرایند عمل یا طول عملی که در گذشته انجام شده است و تا به حال ادامه پیدا کرده است. به مثال زیر توجه کنید:

Aaron has been repairing cars since he was sixteen years old .

"آرون" از وقتی شانزده ساله بود ماشین تعمیر می‌کرده است.

۲- برای بیان اعمالی که در گذشته شروع شده و به احتمال زیاد تا زمان آینده هم ادامه می‌یابد یا اثرش باقی می‌ماند. این نوع کاربرد را می‌توان در پاسخ به سوالات "از کی...؟" یا "چند وقت...؟" استفاده کرد. به مثال زیر توجه کنید:

He has been working in this garage for ten years .

او ده سال است که در این گاراژ کار می کرده است.

۳- برای بیان عملی که تمام شده اما اثر آن کار تا زمان حال باقی مانده است. به مثال زیر توجه کنید:

As he has been changing tyres all morning , his clothes are dirty now .

چون او تمام صبح داشته لاستیک تعویض می کرده است، لباس هایش الان کثیف هستند.

در مثال زیر اثر کاری که در گذشته انجام شده (کثیف بودن لباس ها در زمان حال به خاطر عوض کردن لاستیک ها در گذشته) با زمان حال آمده است.

گذشته ساده

گذشته ساده یا **Past Simple** در زبان انگلیسی در وهله اول برای بیان عملی که در گذشته انجام شده استفاده می شود. این زمان کاربردهای دیگری نیز دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. ابتدا با ساختار این زمان آشنا می شویم.

ساختار گذشته ساده

بیشتر افعال انگلیسی با اضافه کردن -ed به انتهای شکل ساده به افعال گذشته تبدیل می شوند. این نوع افعال، افعال باقاعده محسوب می شوند.

برخی افعال نیز بدون قاعده خاصی به صورت گذشته در می آیند، این افعال بی قاعده هستند و باید آنها را حفظ کرد.

- called << call •
- liked << like •
- wanted << want •
- worked << work •
- broke << break •
- came << come •

سوالی کردن

برای سوالی کردن جملات گذشته ساده، از فعل کمکی **did** استفاده می کنیم. برای سوالی کردن با واژه های پرسشی **where** و **what** و **why** و **when** نیز به فعل کمکی **did** نیاز داریم. اگر بدون واژه های **wh** بخواهیم سوالی کنیم، باید ابتدای جمله **Did** قرار بدهیم بعد از آن فاعل و بعد فعل را به صورت ساده می گوئیم (مانند مثال اول) اگر بخواهیم با واژه های **wh** پرسشی کنیم، باید ابتدا جمله خبری را با فعل کمکی **did** به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می خواهیم درباره اش سوال کنیم حذف می کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می دهیم (مثال های دوم و سوم).

Did she play tennis when she was younger ?

آیا او وقتی جوان تر بود تنیس بازی می کرد؟

When did you meet your wife ?

کی با همسرت آشنا شدی؟

Where did you go for your holidays ?

برای تعطیلات به کجا رفتی؟

نکته

دقت کنید که واژه پرسشی who با سایر واژه‌های پرسشی تفاوت دارد و وقتی می‌خواهیم درباره فاعل جمله با who جمله پرسشی بسازیم به did نیازی ندارد، زیرا که نقش who ضمیر فاعلی، ولی نقش سایر واژه‌های سوالی قید است.

Who discovered penicillin ?

چه کسی پنی سیلین را کشف کرد؟

Who wrote Don Quixote ?

چه کسی "دن کیشوت" را نوشت؟

منفی کردن

برای منفی کردن گذشته ساده از فعل کمکی did به علاوه منفی کننده not استفاده می‌کنیم. قبل از فعل اصلی did not یا didn't می‌گذاریم.

They didn't go to Spain this year .

آنها امسال به اسپانیا نرفتند.

افعال	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
افعال با قاعده	I did not play	I played	Did I play ?
افعال بی قاعده	I did not speak	I spoke	Did I speak ?

کاربردهای گذشته ساده

۱- برای صحبت کردن درباره اتفاقی که یکبار در گذشته رخ داد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I met my wife in 1983 .

من با زخم در سال ۱۹۸۳ آشنا شدم.

We went to Spain for our holidays .

ما برای تعطیلات به اسپانیا رفتیم.

They got home very late last night .

آنها دیشب خیلی دیر به خانه رسیدند.

۲- برای صحبت کردن درباره اتفاق‌هایی که بارها و بارها در گذشته تکرار شده و تبدیل به روتین و روندی همیشگی شده بودند (اما دیگر نیستند). معمولا برای نشان دادن این کاربرد از قیده‌های تکرار (مثل sometimes, often, always و never) استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

When I was a boy I walked a mile to school every day .

وقتی پسر بچه بودم هر روز برای رفتن به مدرسه یک مایل پیاده می‌رفتم.

We swam a lot while we were on holiday .

وقتی در تعطیلات به سر می‌بردیم خیلی شنا می‌کردیم.

They always enjoyed visiting their friends .

آنها همیشه از دیدن دوستانشان لذت می‌بردند.

۳- برای صحبت کردن درباره کاری که در گذشته به طور موقت در جریان بود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I lived abroad for ten years .

من ده سال خارج از کشور زندگی کردم.

He enjoyed being a student .

او از دوران دانش‌آموزی لذت می‌برد.

She played a lot of tennis when she was younger .

او وقتی جوان‌تر بود خیلی تنیس بازی می‌کرد.

نکته

معمولا در جملات گذشته ساده از قید ago استفاده می‌کنیم.

I met my wife a long time ago .

من خیلی وقت پیش با همسرم آشنا شدم.

گذشته استمراری

از زمان گذشته استمراری یا **Past Continuous** در زبان انگلیسی برای بیان کارهایی استفاده می‌شود که در گذشته اتفاق افتاده و مدتی ادامه داشته‌اند، ولی حدود زمانی آنها به طور دقیق مشخص یا مهم نیست. این زمان کاربردهای دیگری نیز دارد که در ادامه آنها را بررسی خواهیم کرد.

ساختار گذشته استمراری

زمان گذشته استمراری از حالت گذشته فعل **be** به صورت **was, were** به علاوه مصدر **ing** دار افعال (**gerund**) درست می‌شود.

استثناها در اضافه کردن **ing**

۱- اگر آخر فعل **e** بود، موقع تبدیل به **gerund** حذف می‌شود، به غیر از فعل‌هایی که آخرشان **ee** و **oe** و **ye** باشد.

Come - coming

Agree - agreeing

۲- برای افعالی که قبل از آخرین حرف بی‌صدا یک حرف صدادار همراه با استرس دارند، آن حرف بی‌صدا دوبار تکرار می‌شود، به غیر از افعالی که آخرشان **w** و **x** و **y** باشد.

sit - sitting

fix - fixing

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد، دوبار تکرار می‌شود، اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می‌آید.

travel - travelling (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveling (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر آخر یک فعل ie باشد تبدیل به y می‌شود.

lie - lying

سوالی کردن

برای سوالی کردن جملات گذشته استمراری، یا می‌توانیم جملات پرسشی بله/خیر بسازیم یا با واژه‌های پرسشی wh سوال بسازیم. برای ساخت جملات بله/خیر جای فعل be را با فاعل عوض می‌کنیم.

اگر بخواهیم با واژه‌های wh پرسشی کنیم باید ابتدا جمله خبری را به پرسشی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

منفی کردن

برای منفی کردن جمله با گذشته استمراری باید بعد از فعل be و قبل از بخش ing فعل not قرار دهیم.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
I	I was not speaking	I was speaking	Was I speaking ?
he , she , it	he was not speaking	he was speaking	Was he speaking ?
you , we , they	you were not speaking	you were speaking	Were you speaking ?

کاربردهای گذشته استمراری

۱- برای صحبت کردن درباره چیزی که قبل و بعد از زمان خاصی در حال انجام شدن بود. این کاربرد گذشته استمراری بیشتر در ابتدای داستان تعریف کردن کاربرد دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

The children were doing their homework when I got home .

وقتی به خانه رسیدم بچه‌ها داشتند تکالیفشان را انجام می‌دادند.

As I was watching television the telephone rang .

موقعی که داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم تلفن زنگ زد.

The other day I was waiting for a bus when ...

یک روزی منتظر اتوبوس ایستاده بودم که ...

Last week as I was driving to work ...

هفته گذشته موقعی که داشتم برای رفتن به سرکار رانندگی می‌کردم ...

۲- برای صحبت کردن درباره چیزی که قبل و بعد از زمان خاصی در حال انجام شدن بود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

It was eight o'clock . I was writing a letter .

ساعت هشت بود. من داشتم یک نامه می‌نوشتم.

In July she was working in McDonald's .

در ژوئیه او در مک دونالد کار می‌کرد.

۳- برای صحبت کردن درباره کاری که ما آن را موقتی می‌دانستیم و برای مدتی ادامه داشت. به مثال‌های زیر توجه کنید:

My head was aching .

سرم درد می‌کرد.

Everyone was shouting .

همه داشتند داد می‌زدند.

۵- برای صحبت کردن درباره اعمالی که بارها و بارها تکرار می‌شدند (ولی دیگر تکرار نمی‌شوند). معمولاً در این کاربرد از قیده‌های تکرار مثل **always** و **everyday** و ... استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I was practicing every day , three times a day .

من هر روز تمرین می‌کردم، سه بار در روز.

They were always quarreling .

آنها همیشه با هم دعوا می‌کردند.

۵- برای صحبت کردن درباره چیزی که تغییر می‌کند، رشد می‌کند یا بهتر می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

The children were growing up quickly .

بچه‌ها خیلی سریع بزرگ می‌شدند.

The town was changing quickly .

شهر داشت به سرعت عوض می‌شد.

گذشته کامل

زمان گذشته کامل یا **Past Perfect** در انگلیسی برای بیان اتفاق‌هایی به کار می‌رود که در گذشته قبل از عمل دیگری در گذشته اتفاق افتاده‌اند (گذشته در گذشته). نزدیک‌ترین معادل برای این زمان در زبان فارسی "ماضی بعید" است. اما این زمان کاربردهای دیگری هم دارد که در این درس با آنها آشنا می‌شویم. قبل از اینکه به کاربردها بپردازیم باید ساختار این زمان را در نظر بگیریم.

ساختار گذشته کامل

زمان گذشته کامل با شکل گذشته فعل **have** به علاوه شکل سوم افعال درست می‌شود. این زمان برای تمام شخص‌ها یک حالت بیشتر ندارد. با اضافه کردن **ed** به انتهای اکثر افعال می‌توان شکل سوم (**past participle**) ساخت.

استثناهای شکل سوم افعال

۱- اگر انتهای فعل **e** داشت، تنها کافی است برای ساختن شکل سوم به آن **d** اضافه کنیم.

love - loved

۲- اگر حرف یکی مانده به آخر صدادار و استرس دار باشد، حرف بی‌صدای آخر فعل دوبار تکرار می‌شود.

admit - admitted

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد دوبار تکرار می‌شود اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می‌آید.

travel - travelled (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveled (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر انتهای فعل Y باشد به I تبدیل می‌شود.

hurry - hurried

سوالی کردن

برای سوالی کردن زمان حال ساده کامل تنها کافی است جای فاعل و فعل کمکی (had) را با هم عوض کنیم. اگر بخواهیم با واژه‌های wh پرسشی کنیم، باید ابتدا جمله خبری را به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

منفی کردن

جملاتی با این زمان تنها با قراردادن not بعد از فعل کمکی (had) و قبل از فعل اصلی انجام می‌گیرد.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
I / you / we / they / he / she / it	I had not played	I had played	Had I played ?

I had finished the work .

من کار را تمام کرده بودم.

She had gone .

او رفته بود.

She had been going .

او داشت می‌رفت.

شکل بلند و کوتاه

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمیر با فعل had تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا contraction می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
had	d'...	they'd
had not	d not/... hadn't'...	I'd not/I hadn't

کاربردهای گذشته کامل

کاربرد فعل گذشته کامل مشابه حال کامل است با این تفاوت که اولی در گذشته و دومی در حال اتفاق می‌افتد.

۱- برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته شروع شده و تا زمانی مشخص در گذشته ادامه داشته است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

When George died he and Anne had been married for nearly fifty years .

وقتی "جرج" فوت کرد او و "آن" نزدیک به پنجاه سال بود که ازدواج کرده بودند.

She didn't want to move . She had lived in Liverpool all her life .

او دوست نداشت نقل مکان کند. او تمام عمرش را در لیورپول زندگی کرده بود.

۲- برای صحبت کردن درباره چیزی در گذشته که بارها و بارها انجام می‌شد و ممکن بود باز هم ادامه پیدا کرده باشد. به مثال زیر توجه کنید:

He had written three books and he was working on another one .

او سه کتاب نوشته بود و داشت روی یک کتاب دیگر کار می‌کرد.

نکته

ما معمولا برای نشان دادن کاری که در گذشته انجام گرفته از حرف اضافه since استفاده می‌کنیم.

They had studied with us since the previous week .

آنها از هفته گذشته همراه ما درس خوانده بودند.

I was sorry when the factory closed . I had worked there since I left school .

متأسف شدم وقتی کارخانه بسته شد. من از وقتی مدرسه را ترک کردم آنجا کار کرده بودم.

۳- برای صحبت کردن درباره تجربه‌هایمان تا زمان حاضر. برای این کاربرد معمولا از قیده‌های ever و never استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

My eighteenth birthday was the worst day I had ever had .

تولد هجده سالگی‌ام بدترین روزی بود که تا به حال تجربه کرده بودم.

I was pleased to meet George . I

hadn't met him before , even though I had met his wife several times .

من از دیدن "جرج" خوشحال بودم. قبلا او را ندیده بودم، اگرچه همسرش را چندین بار دیده بودم.

۴- برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته افتاده اما تاثیرش بر زمانی در گذشته باقی مانده است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I couldn't get into the house . I had lost my keys .

من نمی‌توانستم وارد خانه شوم. کلیدهایم را گم کرده بودم.

Teresa wasn't at home . She had gone shopping .

"ترزا" خانه نبود. او به خرید رفته بود.

نکته

در جملات شرطی، فرضیه‌ها و آرزوها اگر بخواهیم درباره گذشته صحبت کنیم همیشه از گذشته کامل استفاده می‌کنیم.

I would have helped him if he had asked .

اگر از من خواسته بود به او کمک می‌کردم.

It was very dangerous . What if you had got lost ?

کار خیلی خطرناکی بود. اگر گم شده بودی چه؟

I wish I hadn't spent so much money last month .

ای کاش من ماه گذشته آنقدر پول خرج نکرده بودم.

گذشته کامل استمراری

در زبان انگلیسی نشان می دهد که کاری در گذشته قبل از **Past Perfect Continuous** گذشته کامل استمراری یا زمان گذشته دیگری شروع شده و پروسه اش تا آن زمان ادامه داشته است. ابتدا با ساختار این زمان آشنا می شویم.

ساختار گذشته کامل استمراری

برای ساختن این زمان از فعل گذشته **have** یعنی **had** و شکل سوم **be** یعنی **been** و حالت **ing** فعل اصلی استفاده می کنیم.

استثناها در اضافه کردن **ing**

۱- اگر آخر فعل **e** بود، موقع تبدیل به **gerund** حذف می شود، به غیر از فعل هایی که آخرشان **ee** و **oe** و **ye** باشد.

Come - coming

Agree - agreeing

۲- برای افعالی که قبل از آخرین حرف بی صدا یک حرف صدادار همراه با استرس دارند، آن حرف بی صدا دوبار تکرار می شود، به غیر از افعالی که آخرشان **w** و **x** و **y** باشد.

sit - sitting

fix - fixing

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد دوبار تکرار می شود، اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می آید.

travel - travelling (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveling (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر آخر یک فعل **ie** باشد تبدیل به **y** می شود.

lie - lying

سوالی کردن

برای سوالی کردن این زمان کافی است جای فعل کمکی **had** و فاعل را عوض کنیم.

اگر بخواهیم با واژه های **wh** پرسشی کنیم، باید ابتدا جمله خبری را به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می خواهیم درباره اش سوال کنیم حذف می کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می دهیم.

منفی کردن

اگر بعد از فعل کمکی had واژه not قرار بدهیم، فعل منفی می‌شود.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
تمام شخص‌ها	I had not been speaking	I had been speaking	Had I been speaking ?

شکل کوتاه و بلند

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمائر با فعل had تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا contraction می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
had	d'...	they'd
had not	d not/... hadn't'...	I'd not/I hadn't

کاربرد گذشته کامل استمراری

برای بیان کردن عملی در گذشته که تا مدت زمانی ادامه داشته و در گذشته تمام شده است، از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می‌کنیم. تاکید این زمان روی فرایند و ادامه‌دار بودن عمل است. به مثال زیر توجه کنید:

She had been practicing for a very long time in order to play the piece so well .

او مدت بسیار طولانی داشته تمرین می‌کرده (است) تا بتواند قطعه را به خوبی بنوازد.

توجه

توجه کنید که عموماً می‌توان جمله‌هایی که گذشته کامل استمراری هستند را بدون تغییر دادن معنای جمله در زمان گذشته کامل آورد. مثال بالا را اکنون در زمان گذشته کامل ببینید که مفهوم یکسانی با مثال بالا دارد.

She had practiced for a very long time in order to play the piece so well .

او مدت بسیار طولانی تمرین کرده بود تا بتواند قطعه را به خوبی بنوازد.

زمان آینده

فعل با will یا **Future Simple** در زبان انگلیسی برای بیان کارهایی است که در زمان آینده صورت گرفته است. این زمان کاربردهای دیگری هم دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. ابتدا با ساختار این زمان آشنا می‌شویم.

ساختار آینده با will

برای ساخت زمان آینده از فعل کمکی will و شکل ساده فعل استفاده می‌کنیم.

سوالاتی کردن

برای سوالی کردن زمان آینده تنها کافی است جای فاعل و فعل کمکی (will) را با هم عوض کنیم. اگر بخواهیم با واژه‌های wh پرسشی کنیم، باید ابتدا جمله خبری را به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

منفی کردن

منفی کردن جملاتی با این زمان تنها با قرار دادن not بعد از فعل کمکی (will) و قبل از فعل اصلی انجام می‌گیرد.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
تمام شخص‌ها	I will not speak	I will speak	Will I speak ?

شکل کوتاه و بلند

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمایر با فعل will تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا contraction می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
will	ll'...	they'll
will not	ll not/... won't'...	I'll not/I won't

کاربردهای زمان آینده با will

۱- برای بیان تصمیمات آنی. وقتی در زمان حال یک تصمیم یا فکری به ذهن خطور کند برای بیان آن تصمیمی از آینده با Will استفاده می‌کنیم. برای ترجمه هم می‌توانیم از "خواهم، خواهی، خواهد ..." و هم از مضارع اخباری استفاده کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

Come on , I will help you sort the files .

بیا، من کمکت خواهم کرد فایل‌ها را مرتب کنی.

۲- برای بیان امید، نظر، احتمال یا حدسی که درباره آینده باشد می‌توان از will استفاده کرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

You won't finish it in just one day .

تو نخواهی توانست در تنها یک روز کار را تمام کنی.

It will rain tomorrow .

فردا باران خواهد بارید.

۳- برای دادن قول یا تعهدی در زمان آینده از will استفاده می‌کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

I will wash the dishes tomorrow .

من فردا ظرف‌ها را خواهم شست.

۴- در جملات شرطی نوع اول، برای بیان کاری که مشروط بر عملی در آینده صورت خواهد گرفت. به مثال زیر توجه کنید:

If I need help , I will tell you .

اگر کمک بخواهم، به تو خواهم گفت.

آینده با going to

از زمان آینده با going to یا Future with Going to در زبان انگلیسی برای نشان دادن یک نتیجه گیری منطقی یا یک برنامه از پیش تعیین شده برای آینده استفاده می شود. در این درس با این زمان آشنا خواهیم شد. ابتدا به ساختار زمان آینده با going to آشنا می شویم.

ساختار زمان آینده با going to

برای ساخت این زمان از زمان حال فعل be یعنی am, is, are و going to به علاوه شکل ساده فعل استفاده می کنیم.

سوالاتی کردن

برای سوالاتی کردن جملات با going to باید جای فعل be را با فاعل عوض کنیم.

منفی کردن

منفی کردن این زمان با قرار دادن not بعد از فعل be و قبل از going to درست می شود.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
I	I am not going to speak .	I am going to speak .	Am I going to speak ?
you / we / they	You are not going to speak .	You are going to speak .	Are you going to speak ?
he / she / it	He is not going to speak .	He is going to speak .	Is he going to speak ?

شکل کوتاه و بلند

در زبان انگلیسی محاوره ای و در گفت و گوهای صمیمانه ضمیر با فعل be تلفیق می شوند تا روان تر و سریع تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا contraction می گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
am (not) going to	m (not) going to'...	I (amn't going to) m (not) going to: انا درست
are going to	re going to'...	you're going to
are not going to	re not/... aren't going to'...	we're not/we aren't going to
is going to	s going to'...	he's going to
is not going to	s not/... isn't going to'...	she's not/she isn't going to

کاربردهای زمان آینده با going to

۱- برای بیان برنامه یا نقشه از قبل کشیده شده برای زمان آینده از **going to** استفاده می‌کنیم. برای ترجمه این زمان در فارسی از "قرار است" استفاده می‌کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

Mrs . Lucky is going to meet a friend in town .

خانم "لاکی" قرار است دوستی را در شهر ملاقات کند.

۲- برای بیان نتیجه‌گیری منطقی درباره آینده از **going to** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

The sky is blue – it is not going to rain . So Mrs . Lucky is going to leave her umbrella at home .

آسمان آبی است - قرار نیست باران ببارد. بنابراین خانم "لاکی" قرار است چترش را در خانه بگذارد.

نکته

اغلب در متون رسمی یا اخبار **going** را از جمله حذف می‌کنند. این جمله‌ها حالت رسمی خواهند داشت و برای برنامه ریزی‌های رسمی در آینده استفاده می‌شوند.

French prime minister is to visit Tehran .

نخست وزیر فرانسه از تهران بازدید خواهد کرد.

آینده کامل

از زمان آینده کامل یا **Future Perfect** در زبان انگلیسی برای بیان عملی در آینده که زودتر از عملی دیگر به اتمام خواهد رسید استفاده می‌شود. این زمان کاربردهای دیگری هم دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. ابتدا با ساختار این زمان آشنا می‌شویم.

ساختار آینده کامل

زمان آینده کامل از **will** به علاوه **have** و شکل سوم افعال درست می‌شود. با اضافه کردن **ed** به اغلب فعل‌ها می‌توان شکل سوم افعال (**past participle**) ساخت.

استثناهای شکل سوم افعال

۱- اگر انتهای فعل **e** داشت تنها کافی است برای ساختن شکل سوم به آن **d** اضافه کنیم.

love - loved

۲- اگر حرف یکی مانده به آخر صدادار و استرس‌دار باشد، حرف بی صدای آخر فعل دوبار تکرار می‌شود.

admit - admitted

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد دوبار تکرار می‌شود، اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می‌آید.

travel - travelled (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveled (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر انتهای فعل Y باشد به I تبدیل می‌شود.

hurry - hurried

سوالی کردن

برای سوالی کردن زمان آینده کامل تنها کافی است جای فاعل و فعل کمکی (will) را با هم عوض کنیم.

منفی کردن

جملاتی با این زمان تنها با قرار دادن not بعد از فعل کمکی (will) و قبل از have انجام می‌گیرد.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
تمام شخص‌ها	I will not have played/spoken	I will have played/spoken	Will I have ? played/spoken

شکل بلند و کوتاه

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمائر با فعل will تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا contraction می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
will	ll'...	they'll
will not	ll not/... won't'...	I'll not/I won't

کاربردهای آینده کامل

۱- برای بیان عملی که در آینده تکمیل شده و تمام خواهد شد. به مثال زیر توجه کنید:

Don't worry , he will have repaired the bike by then .

نگران نباش، او تا آن موقع دوچرخه را تعمیر خواهد کرد.

۲- برای بیان حدس یا پیش‌بینی درباره اتفاقی که افتاده یا در آینده‌ای نزدیک خواهد افتاد. به مثال زیر توجه کنید:

He will probably have noticed that his bike is broken .

او احتمالاً متوجه خواهد شد [متوجه شده است] که دوچرخه‌اش خراب شده است.

زمان آینده استمراری

از زمان استمراری یا **Future Continuous** در زبان انگلیسی برای تاکید کردن بر عملی ادامه دار در زمان آینده استفاده می شود. در این بخش با این زمان آشنا می شویم. ابتدا با ساختار زمان آینده استمراری آشنا می شویم.

ساختار آینده استمراری

برای ساخت این زمان باید از فعل کمکی **will** به علاوه **be** و حالت **ing** دار فعل اصلی استفاده کنیم.

استثناها در اضافه کردن **ing**

۱- اگر آخر فعل **e** بود، موقع تبدیل به **gerund** حذف می شود، به غیر از فعل هایی که آخرشان **ee** و **oe** و **ye** باشد.

Come - coming

Agree - agreeing

۲- برای افعالی که قبل از آخرین حرف بی صدا یک حرف صدادار همراه با استرس دارند، آن حرف بی صدا دوبار تکرار می شود، به غیر از افعالی که آخرشان **w** و **x** و **y** باشد.

sit - sitting

fix - fixing

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد دوبار تکرار می شود، اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می آید.

travel - travelling (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveling (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر آخر یک فعل **ie** باشد تبدیل به **y** می شود.

lie - lying

سوالی کردن

برای سوالی کردن زمان آینده استمراری تنها کافی است جای فاعل و فعل کمکی (**will**) را با هم عوض کنیم.

منفی کردن

جملاتی با این زمان تنها با قرار دادن **not** بعد از فعل کمکی (**will**) و قبل از **be** انجام می گیرد.

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
تمام شخص ها	I will not be speaking	I will be speaking	Will I be speaking ?

شکل بلند و کوتاه

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
will	ll'...	they'll
will not	ll not/... won't'...	I'll not/I won't

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمائر با فعل **will** تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا **contraction** می‌گویند.

کاربردهای آینده استمراری

۱- برای بیان اعمالی ادامه‌دار و پروسه‌ای در زمان آینده از زمان آینده استمراری استفاده می‌کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

In an hour she will be sitting at her table with her friends . They will be talking . They will be playing bingo .

تا یک ساعت دیگر او با دوستانش پشت میز خواهد بود. آنها با هم صحبت خواهند کرد. آنها بینگو بازی خواهند کرد.

۲- برای بیان اعمالی که گوینده از وقوع آن اطمینان دارد و وقوع آن عمل را منطقی می‌داند. به مثال زیر توجه کنید:

She will be seeing Charles , a good-looking man she met there last week .

او با "چارلز" ملاقات خواهد کرد، مرد خوش تیپی که هفته پیش با او آشنا شد.

زمان آینده کامل استمراری

از زمان آینده کامل استمراری **Future Perfect Continuous** در زبان انگلیسی برای بیان پروسه و عملی ادامه‌دار که تا زمانی مشخص در آینده اتفاق افتاده استفاده می‌شود. این زمان کاربرد چندانی در زبان انگلیسی ندارد، چرا که اغلب این مفاهیم را با آینده کامل بیان می‌کنند. ابتدا با ساختار این زمان آشنا می‌شویم.

ساختار آینده کامل استمراری

برای ساخت این زمان از فعل کمکی **will** به علاوه **have** و شکل سوم فعل **be** یعنی **been** و شکل **ing** فعل اصلی استفاده می‌کنیم.

استثناها در اضافه کردن **ing**

۱- اگر آخر فعل **e** بود، موقع تبدیل به **gerund** حذف می‌شود، به غیر از فعل‌هایی که آخرشان **ee** و **oe** و **ye** باشد.

Come - coming

Agree - agreeing

۲- برای افعالی که قبل از آخرین حرف بی‌صدا یک حرف صدادار همراه با استرس دارند، آن حرف بی‌صدا دوبار تکرار می‌شود، به غیر از افعالی که آخرشان **w** و **x** و **y** باشد.

sit - sitting

fix - fixing

۳- در انگلیسی بریتانیایی اگر آخر فعلی **L** باشد دوبار تکرار می‌شود، اما در انگلیسی آمریکایی **L** یکبار می‌آید.

travel - travelling (انگلیسی بریتانیایی)

travel - traveling (انگلیسی آمریکایی)

۴- اگر آخر یک فعل ie باشد تبدیل به y می‌شود.

lie - lying

سوالاتی کردن

برای سوالاتی کردن این زمان کافی است جای فعل کمکی will و فاعل را عوض کنیم.

منفی کردن

شخص	جمله منفی	جمله مثبت	جمله پرسشی
تمام شخصها	I will not have been speaking	I will have been speaking	Will I have been speaking ?

اگر بعد از فعل کمکی will واژه not قرار بدهیم، فعل منفی می‌شود.

شکل کوتاه و بلند

در زبان انگلیسی محاوره‌ای و در گفت‌وگوهای صمیمانه ضمیر با فعل will تلفیق می‌شوند تا روان‌تر و سریع‌تر بیان شوند. به این عمل خلاصه کردن یا contraction می‌گویند.

شکل بلند	شکل کوتاه	مثال
will	ll'...	they'll
will not	ll not/... won't'...	I'll not/I won't

کاربرد آینده کامل استمراری

برای بیان عملی ادامه‌دار که حالت پروسه‌ای و دنباله‌دار دارد و در گذشته شروع شده و تا زمانی در آینده ادامه خواهد داشت، از زمان حال کامل استمراری استفاده می‌کنیم. به مثال زیر توجه کنید:

By 8 o'clock , I will have been using my computer for 3 hours .

تا ساعت ۸، سه ساعت خواهد شد که من دارم از کامپیوترم استفاده می‌کنم.

زمان آینده در گذشته

آینده در گذشته (future in the past) در زبان انگلیسی برای بیان عملی استفاده می‌شود که در گذشته فکر می‌کردیم در آینده اتفاق خواهد افتاد (اتفاق افتادن یا نیفتادن آن اهمیتی ندارد). آینده در گذشته با دو ساختار would و was/were going to درست می‌شود.

آینده در گذشته با going to

اگر در زمان گذشته برای انجام عملی در آینده برنامه ریزی کرده بودیم و الان داریم درباره آن برنامه و کار صحبت می‌کنیم آینده در گذشته با **going to** به کار می‌بریم. در فارسی از "قرار بود" برای ترجمه این جملات استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

He was going to watch the movie yesterday .

او دیروز قرار بود فیلم را تماشا کند.

Jane said Sam was going to bring his sister with him , but he came alone .

"جین" گفت "سم" قرار بود خواهرش را با خود بیاورد اما تنها آمد.

آینده در گذشته با **would**

از آینده با فعل **would** برای بیان قول یا تعهد یا کارهای داوطلبانه استفاده می‌شود. دقت داشته باشید که بعد از **would** فعل به صورت ساده می‌آید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

He promised he would send a postcard from Egypt .

او قول داد که از مصر کارت پستال بفرستد.

I knew Julie would make dinner .

می‌دانستم "جولی" شام حاضر خواهد کرد.

آینده در گذشته استمراری

ساختار این زمان با **would/should** به علاوه **be** و شکل **ing** فعل اصلی ساخته می‌شود. برای بیان عملی ادامه‌دار و پروسه‌ای که در زمان گذشته قصد انجام شدنش را داشتیم و الان می‌خواهیم راجع به آن صحبت کنیم، از آینده در گذشته استمراری استفاده می‌کنیم. برای پیش بینی کردن درباره واقعه‌ای که در گذشته امکان رخ دادن داشت نیز زمان آینده در گذشته به کار می‌بریم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

He said that he would be practicing the piano during the following week .

او گفت که در طی هفته آینده پیانو تمرین خواهد کرد.

If you flew by plane , you would be taking a risk .

اگر با هواپیما پرواز کردید، ریسکی را به جان خریدارید.

افعال کمکی وجهی

فعل‌های وجهی یا **Modal verbs** در زبان انگلیسی همراه با افعال اصلی می‌آیند و برای بیان توانایی‌ها، الزامات، احتمالات، تقاضاها، پیشنهادها، توصیه‌ها، پیش‌بینی‌ها، حدس‌ها و ... استفاده می‌شوند. فعل‌های وجهی از نظر شخص صرف نمی‌شوند و همیشه به یک صورت به کار می‌روند. این فعل‌های وجهی بر خلاف فعل‌های اصلی برای سوالی شدن و منفی شدن نیازی به **do** و **does** ندارند. فعل‌های وجهی عبارتند از **can, could, may, might, must, shall, should, will**.
would شکل افعال وجهی با توجه به زمان جمله تغییر می‌کند در نتیجه باید هنگام استفاده از آنها به زمان جمله توجه کرد.
این افعال عبارتند از:

could	can
might	may

should	shall
would	will
	must

ساختار دستوری

افعال مدال در زبان انگلیسی عموماً در زمان حال مورد استفاده قرار می‌گیرند. توجه کنید که این افعال در سوم شخص مفرد پسوند S نمی‌گیرند. به مثال زیر توجه کنید:

He must do the dishes .

او باید ظرف‌ها را بشوید.

برای منفی کردن این افعال لازم نیست به آنها فعل کمکی اضافه کنیم، کافی است بعد از فعل وجهی not بیآوریم. مثال را ببینید:

Mary need not worry about her future .

لازم نیست "ماری" درباره آینده‌اش نگران باشد.

سوالی کردن این افعال نیز به فعل کمکی نیاز ندارد، تنها کافی است جای فعل و فاعل را عوض کنیم، مثلاً:

Can Max change a tire ?

آیا "مکس" می‌تواند لاستیک عوض کند؟

کاربردهای افعال وجهی

هر کدام از افعال وجهی کاربردهای خاص خود را دارند. در این بخش به طور مختصر و خلاصه به کاربردهای این افعال اشاره شده است. برای اطلاعات بیشتر راجع به هر کدام از این افعال می‌توانید به بخش مخصوص به خودشان مراجعه کنید.

درخواست و پیشنهاد

زمانی که سوال می‌کنیم یا درخواستی داریم، معمولاً می‌توانیم بین دو شکل از فعل وجهی انتخاب کنیم. یکی از شکل‌ها از دیگری محترمانه‌تر است، اما هر دو دقیقاً یک معنا را دارند. جدول زیر این افعال را مقایسه می‌کند:

مثال	جمله رسمی و مودبانه	کاربرد	جمله معمولی
Can/could you ? wash the dishes	could	توانایی	can
Can/may/might I ? borrow this book	may/might	اجازه	can
Should/shall he ? come this evening	shall	الزام	should
Will/would the ? shop be open tomorrow	would	احتمال	will

نکته

از **will** برای درخواست کردن استفاده می‌شود؛ اما زمانی که می‌خواهیم به صورت اول شخص مفرد یا جمع سوالی مطرح کنیم از **shall** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Max , will you wash the dishes ?
Shall I wash the dishes ?

ساختارهای گذشته و ساختارهای جایگزین افعال وجهی هر کدام از کاربردهای گفته شده را می‌توان با شکل‌های جایگزین نیز آورد. در جدول زیر شکل گذشته یا شکل‌های جایگزین افعال وجهی آورده شده است:

شکل جایگزین	فعل وجهی
to have to	must
not to be allowed to	must not
to be able to/could	can (توانایی)
to be allowed to/could	can (اجازه داشتن)
not to have to	need not
to be supposed to/to be expected to/to be to	should/ought to

افعال وجهی احتمال

افعال وجهی همراه با افعال اصلی می‌آیند و برای بیان توانایی‌ها، الزامات، احتمالات، تقاضاها، پیشنهادها، توصیه‌ها، پیش‌بینی‌ها، حدس‌ها و ... استفاده می‌شوند. فعل‌های وجهی از نظر شخص صرف نمی‌شوند و همیشه به یک صورت به کار می‌روند. این فعل‌ها بر خلاف فعل‌های اصلی برای سوالی شدن و منفی شدن نیازی به **do** و **does** ندارند. افعال وجهی **can, could, may, might, must, shall, should, will, would** برای نشان دادن محتمل بودن کاری استفاده می‌شوند. با این افعال می‌شود نشان داد کاری ناممکن (**Impossibility**)، ممکن (**Possibility**) یا محتمل (**Probability**) است. در این بخش با این افعال وجهی آشنا می‌شویم.

ممکن بودن (**Possibility**)

ما از افعال وجهی **could** و **may** و **might** زمانی استفاده می‌کنیم که نشان دهیم وقوع چیزی در آینده امکان دارد، ولی حتمی نیست. به مثال‌ها توجه کنید:

They might come later .

آنها ممکن است بعدا بیایند.

They may come by car .

آنها احتمالا با ماشین می‌آیند.

If we don't hurry we could be late .

اگر عجله نکنیم، ممکن است دیر برسیم.

ما از افعال وجهی **could have** و **may have** برای نشان دادن اینکه چیزی حالا یا در گذشته ممکن بوده اما به وقوع نپیوسته استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

It's ten o'clock . They might have arrived now .

ساعت ده است. آنها تا الان باید می‌رسیدند.

They could have arrived hours ago .

آنها ساعت‌ها پیش باید می‌رسیدند.

ما از فعل وجهی can به صورت کلی برای نشان دادن احتمال داشتن و ممکن بودن چیزی استفاده می‌کنیم و مشخصاً منظورمان این نیست که اتفاقی در واقع رخ داده یا نداده، بلکه تنها یک گمان کلی است.

It can be very cold in winter . (Sometimes it is very cold in winter .)

زمستان اینجا ممکن است سرد شود. (=بعضی اوقات زمستان‌ها اینجا سرد می‌شود.)

You can easily lose your way in the dark . (= People often lose their way in the dark)

ممکن است به آسانی در تاریکی راهت را گم کنی. (= مردم اغلب در تاریکی راهشان را گم می‌کنند.)

نکته

حالت گذشته فعل can فعل could است.

It could be very cold in winter . (= Sometimes it was very cold in winter .)

زمستان اینجا ممکن بود سرد شود. (=بعضی اوقات زمستان‌ها اینجا سرد می‌شد.)

You could lose your way in the dark . (= People often lost their way in the dark)

ممکن بود به آسانی در تاریکی راهت را گم کنی. (= مردم اغلب در تاریکی راهشان را گم می‌کردند.)

غیرممکن بودن (Impossibility)

برای نشان دادن غیرممکن بودن و نامحتمل بودن کاری از فعل وجهی cannot یا can't استفاده می‌کنیم. در این کاربرد might not و may not کاربرد زیادی ندارد، اما در برخی جاها استفاده می‌شود.

That can't be true .

آن ممکن نیست حقیقت داشته باشد. (آن نمی‌تواند حقیقت داشته باشد.)

You cannot be serious .

ممکن نیست جدی باشی.

برای صحبت کردن درباره ناممکن بودن یا نامحتمل بودن کاری در "گذشته" از couldn't یا could not استفاده می‌کنیم:

We knew it could not be true .

ما می‌دانستیم که آن موضوع نمی‌توانست حقیقت داشته باشد.

He was obviously joking . He could not be serious .

واضح بود که داشت شوخی می‌کرد. امکان نداشت جدی باشد.

محتمل بودن (Probability)

ما از فعل **must** زمانی استفاده می‌کنیم که نشان دهیم که مطمئن هستیم چیزی حقیقت دارد و محتمل است و ما دلیلی برای این اطمینان خود داریم:

It's getting dark . It must be quite late .

دارد تاریک می‌شود. حتما دیر وقت است.

You haven't eaten all day . You must be hungry .

تو تمام روز چیزی نخورده‌ای. حتما گرسنه هستی.

برای صحبت کردن درباره محتمل بودن چیزی در گذشته از **must have** استفاده می‌کنیم. وقتی از **must have** استفاده می‌کنیم که از احتمال وقوع چیزی مطمئن باشیم. به مثال‌ها توجه کنید:

They hadn't eaten all day . They must have been hungry .

آنها تمام روز چیزی نخورده بودند. حتما گرسنه بودند.

You look happy . You must have heard the good news .

خوشحال به نظر می‌رسی. حتما خبر خوب را شنیده‌ای.

ما از فعل وجهی **should** برای پیشنهاد دادن یا احتمال دادن استفاده می‌کنیم. با **should** نشان می‌دهیم که از پیشنهاد یا احتمال وقوع چیزی مطمئن هستیم. وقتی بخواهیم این پیشنهاد را در زمان گذشته به کار ببریم از **should have** استفاده می‌کنیم.

Ask Miranda . She should know .

از "میراندا" بپرس. او حتما می‌داند.

It's nearly six o'clock . They should arrive soon .

ساعت تقریباً شش است. آنها حتما به زودی می‌رسند.

It's nearly eleven o'clock . They should have arrived by now .

ساعت تقریباً یازده است. آنها تا الان می‌بایست می‌رسیدند.

افعال وجهی توانایی، اجازه، درخواست و نصیحت فعل‌های وجهی همراه با افعال اصلی می‌آیند و برای بیان توانایی‌ها، الزامات، احتمالات، تقاضاها، پیشنهادها، توصیه‌ها، پیش‌بینی‌ها، حدس‌ها و ... استفاده می‌شوند. فعل‌های وجهی از نظر شخص صرف نمی‌شوند و همیشه به یک صورت به کار می‌روند. این فعل‌ها بر خلاف فعل‌های اصلی برای سوالی شدن و منفی شدن نیازی به **do** و **does** ندارند. فعل‌های وجهی عبارتند از: **can, could, may, might, must, shall, should, will, would**

توانایی (Ability)

برای صحبت کردن راجع به توانایی‌ها و استعدادها افراد از فعل وجهی **can** استفاده می‌کنیم. در این کاربردها **can** معنای "توانستن" و "بلد بودن" می‌دهد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

She can speak several languages .

او می‌تواند [بلد است] به چند زبان صحبت کند.

He can swim like a fish .

او می‌تواند مثل ماهی شنا کند.

They can't dance very well .

آنها نمی‌توانند [بلد نیستند] خیلی خوب برقصند.

توانایی و مهارت افراد با فعل وجهی can هم می‌تواند دائمی باشد (مثال‌های بالا) هم می‌تواند در بازه زمانی خاصی در حال یا گذشته حقیقت داشته باشد یا در شرایطی خاص محقق شود. به مثال‌ها نگاه کنید:

You can make a lot of money if you are lucky .

اگر خوش شانس باشی می‌توانی پول زیادی در بیاوری.

Help . I can't breathe .

کمک. من نمی‌توانم نفس بکشم.

They can run but they can't hide .

آنها می‌توانند فرار کنند اما نمی‌توانند پنهان شوند.

ما برای صحبت کردن درباره توانایی و استعداد افراد در گذشته از could استفاده می‌کنیم. در این کاربردها could معنای "توانستن" و "بلد بودن" می‌دهد. به مثال‌ها توجه کنید:

She could speak several languages .

او می‌توانست [بلد بود] به چندین زبان صحبت کند.

They couldn't dance very well .

آنها نمی‌توانستند [بلد نبودند] خیلی خوب برقصند.

نکته

ما وقتی می‌خواهیم نشان دهیم که کسی توانایی/فرصت انجام کاری را داشت، اما از آن توانایی/فرصت استفاده نکرد از فعل وجهی could have استفاده می‌کنیم.

She could have learned Swahili , but she didn't have time .

او فرصت داشت سواهیلی یاد بگیرد اما وقت نداشت.

I could have danced all night [but didn't] .

من می‌توانستم تمام شب برقصم [اما نرقصیدم].

اجازه (permission)

برای اجازه گرفتن از کسی از فعل وجهی can استفاده می‌کنیم. استفاده از Can در این کاربرد بیشتر در جملات سوالی است. در اینجا Can معنای "اجازه داشتن" و "توانستن" می‌دهد. دقت کنید که مثال‌های زیر برای موقعیت‌های غیر رسمی و دوستانه است:

Can I ask a question , please ?

می‌توانم یک سوال بپرسم، لطفاً؟

Can we go home now ?

می‌شود [اجازه دارم] الان به خانه برویم؟

حالت رسمی تر و مودبانه تر فعل **can** فعل وجهی **could** است. یعنی برای اجازه گرفتن در موقعیت‌های رسمی بهتر است با **could** جمله سوالی بسازیم. در اینجا **could** معنای "اجازه داشتن" و "توانستن" می‌دهد. به مثال‌ها توجه کنید:

Could I ask a question please ?

می‌توانم [اجازه دارم] یک سوال بپرسم؟

Could we go home now ?

می‌توانیم [اجازه داریم] الان به خانه برویم؟

نوع دیگر اجازه خواستن رسمی و مودبانه با استفاده از فعل وجهی **may** است:

May I ask a question please ?

می‌توانم [اجازه دارم] یک سوال بپرسم؟

May we go home now ?

می‌توانیم [اجازه داریم] الان به خانه برویم؟

معنای "اجازه دادن" و "توانستن" می‌دهد. **can** استفاده می‌کنیم. در اینجا **can** برای اجازه دادن به کسی از فعل وجهی دقت کنید که مثال‌های زیر برای موقعیت‌های غیر رسمی و دوستانه است:

You can go home now if you like .

اگر دوست داری می‌توانی [اجازه داری] الان به خانه بروی.

You can borrow my pen if you like .

اگر دوست داری می‌توانی خودکار من را قرض بگیری.

:استفاده می‌کنیم **may** اگر بخواهیم در موقعیتی رسمی و مودبانه به کسی اجازه دهیم، از فعل وجهی

You may go home now , if you like .

اگر مایل هستید، می‌توانید به خانه بروید.

استفاده کنیم. **can** وقتی به طور کلی می‌خواهیم نشان دهیم کلا افراد یا گروهی اجازه انجام کاری را دارد باید از فعل وجهی به کار می‌بریم **may** در حالت مودبانه و رسمی تر هم

We can go out whenever we want .

ما هر موقع بخواهیم می‌توانیم [اجازه داریم] بیرون برویم.

Students can travel free .

دانشجویان می‌توانند آزادانه سفر کنند.

Students may travel free .

دانشجویان اجازه دارند آزادانه سفر کنند.

خواهش و دستور (instructions and requests)

برای مودبانه و رسمی درخواست کردن یا خواهش کردن از کسی با **could you** و **would you** جملات سوالی می‌سازیم. در فارسی این جملات را با "شدن" یا "امکان داشتن" ترجمه می‌کنیم. به مثال‌ها دقت کنید:

Could you take a message please ?

می شود خواهش کنم پیغام من را یادداشت کنید؟

Would you carry this for me please ?

امکان دارد لطفا این را برای من حمل کنید؟

Could I have my bill please ?

می شود صورت حساب من را بیاورید لطفا ؟

حالت غیر رسمی و دوستانه درخواست کردن و خواهش کردن از کسی با **will** و **can** ساخته می شود:

Can you take a message please ?

ممکن است پیغام من را یادداشت کنی؟

Will you carry this for me please ?

می شود این را برای من حمل کنی؟

پیشنهاد و نصیحت (suggestions and advice)

ما برای پیشنهاد دادن یا نصیحت کردن به کسی می توانیم از سه روش استفاده کنیم:

۱. از فعل وجهی **should** استفاده کنیم؛

۲. از فعل وجهی **could** استفاده کنیم؛

۳. از جملات شرطی استفاده کنیم.

You should send an email .

بهتر است [باید] ایمیل بفرستی.

We should go by train .

بهتر است [باید] با قطار برویم.

We could meet at the weekend .

آخر هفته می توانیم [چطور است] همدیگر را ببینیم.

You could eat out tonight .

امشب می توانی [چطور است] بیرون غذا بخوری.

پیشنهاد کمک و دعوت کردن (offers and invitations)

برای پیشنهاد کمک دادن یا پیشنهاد کاری را برای کمک به کسی دادن از **I can** یا **I shall** استفاده می کنیم:

Can I help you ?

می خواهی کمکت کنم؟ [می توانم کمکت کنم؟]

Shall I call you on your mobile ?

می خواهید با موبایل شما تماس بگیرم؟

برای پیشنهاد کمک دادن یا پیشنهاد کاری را برای کمک به کسی دادن از **I can** یا **I could** یا **I will** (I'll) استفاده می کنیم:

I can help you if you like .

اگر مایل باشید می‌توانم کمکتان کنم.

I could give you a lift to the station .

من می‌توانم شما را تا ایستگاه برسانم.

I'll help you if you like .

اگر دوست داشته باشی کمکت می‌کنم.

برای دعوت کردن کسی به انجام کاری در حالت معمول و دوستانه از عبارت (would you like to) استفاده می‌کنیم. در حالت‌های بسیار رسمی و مودبانه we must یا you must را به کار می‌بریم.

Would you like to come round tomorrow ?

مایلی فردا سر بزنی؟

Would you like another drink ?

یک نوشیدنی دیگر میل داری؟

You must come round and see us .

باز هم باید برای دیدن ما تشریف بیاورید.

We must meet again soon .

باید به زودی همدیگر را دوباره ببینیم. [حتما دوباره همدیگر را ببینیم].

الزامات و کارهای ضروری (obligation and necessity)

برای نشان دادن ضرورت و لزوم انجام کاری از must استفاده می‌کنیم. حالت گذشته این فعل وجهی had to می‌شود. دو مثال اول مربوط به زمان حال و مثال آخر مربوط به زمان گذشته است:

You must stop at a red light .

باید [موظف هستید] پشت چراغ قرمز توقف کنید.

Everyone must bring something to eat .

همه باید [موظف‌اند] چیزی برای خوردن بیاورند.

Everyone had to bring something to eat .

همه موظف بودند چیزی برای خوردن بیاورند.

افعال وجهی can و could

فعل‌های وجهی همراه با افعال اصلی می‌آیند و برای بیان توانایی‌ها، الزامات، احتمالات، تقاضاها، پیشنهادها، توصیه‌ها، پیش‌بینی‌ها، حدس‌ها و ... استفاده می‌شوند. فعل‌های وجهی از نظر شخص صرف نمی‌شوند و همیشه به یک صورت به کار می‌روند. این فعل‌های وجهی بر خلاف فعل‌های اصلی برای سوالی شدن و منفی شدن نیازی به do و does ندارند. فعل‌های وجهی عبارتند از: can, could, may, might, must, shall, should, will, would. در این بخش به کاربردها و ساختار دو فعل وجهی can و could می‌پردازیم.

سوالی کردن و منفی کردن

سوالی کردن جملات با Can بسیار ساده است. تنها کافی است جای فاعل و فعل را با هم عوض کنیم:

Can I ... ? Can you ... ? Could I ... Could you ... ?

شکل منفی فعل can در انگلیسی محاوره‌ای can't و در حالت رسمی و نوشتاری cannot است. در حالت محاوره‌ای زمانی از cannot استفاده می‌کنیم که بخواهیم تأکیدی بر جمله داشته باشیم. شکل منفی فعل could در انگلیسی محاوره‌ای couldn't و در حالت رسمی و نوشتاری could not است. در حالت محاوره‌ای زمانی از could not استفاده می‌کنیم که بخواهیم روی جمله تأکید کنیم.

کاربردهای فعل وجهی can

۱- برای صحبت کردن درباره توانایی و مهارت. در این کاربرد can به معنای "توانستن" یا "بلد بودن" است.

Maria can speak four languages .

"ماریا" می‌تواند به چهار زبان صحبت کند.

I can't swim , but my sister can .

من نمی‌توانم شنا کنم اما خواهرم می‌تواند.

۲- برای صحبت کردن درباره ممکن بودن یا نبودن چیزی. در اینجا می‌توانیم can را "توانستن" یا "ممکن بودن" ترجمه کنیم.

Learning English can be difficult .

یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند [ممکن است] سخت باشد.

Children can be very naughty .

بچه‌ها می‌توانند خیلی شیطانی باشند. [بچه‌ها بعضی موقع‌ها خیلی شیطانی می‌شوند].

۳- برای درخواست دادن و رد کردن درخواست کسی. در اینجا can را "توانستن" و "اجازه داشتن" ترجمه می‌کنیم.

Can I go home now ?

می‌توانم الان به خانه بروم؟

You can go whenever you like .

هر موقع دوست داشتی می‌توانی [اجازه داری] بروی.

۴- به کسی پیشنهاد کمک دادن can. در اینجا به معنای "توانستن" و "خواستن" ترجمه می‌شود.

Can I help you ?

می‌توانم کمکت کنم؟ [می‌خواهی کمکت کنم؟]

Can I carry that bag for you ?

می‌خواهی آن کیف را من برایت حمل کنم؟

کاربردهای فعل وجهی could

۱- برای صحبت کردن درباره توانایی و مهارت در گذشته (شکل گذشته فعل (can در این کاربرد could به معنای "توانستن" یا "بلد بودن" است.

I could run very fast when I was younger .

وقتی جوان‌تر بودم می‌توانستم خیلی سریع بدوم.

She couldn't get a job anywhere .

او هیچ‌کجا نمی‌توانست شغلی پیدا کند.

۲- برای صحبت کردن درباره ممکن بودن یا نبودن چیزی در گذشته (شکل گذشته فعل (can) در اینجا می‌توانیم could را "توانستن" یا "ممکن بودن" ترجمه کنیم.

Our teacher could be very strict when we were at school .

وقتی مدرسه می‌رفتیم معلم ما می‌توانست خیلی سختگیر باشد. [بعضی معلم‌ها خیلی سختگیر بودند.]

You couldn't use computers in the nineteenth century .

در قرن نوزدهم ممکن نبود [شما نمی‌توانستید] از کامپیوتر استفاده کنید.

۳- برای درخواست کردن مودبانه در موقعیت‌های رسمی. در این کاربرد معمولا با could جمله سوالی می‌سازیم. به مثال‌ها نگاه کنید:

Could I go now please ?

امکان دارد من الان بروم؟

Could you lend me a dictionary please ?

می‌شود لطفاً به من یک فرهنگ لغت قرض بدهید؟

۴- برای پیشنهاد کمک دادن مودبانه به فردی. در این کاربرد می‌توانیم با could یک جمله سوالی یا خبری بسازیم. مثال‌ها را ببینید:

Could I give you a lift ?

می‌خواهید شما را برسانم؟

I could carry that for you .

می‌توانم آن را برایتان حمل کنم.

could have

زمانی از could have استفاده می‌کنیم که نشان دهیم عملی الان یا زمانی در گذشته ممکن بوده است. به مثال‌ها توجه کنید:

It's ten o'clock . They could have arrived now .

ساعت ده است. احتمالاً باید تا الان می‌رسیدند.

They could have arrived hours ago .

آنها ساعت‌ها قبل می‌توانستند برسند.

may وجهی

فعل‌های وجهی همراه با افعال اصلی می‌آیند و برای بیان توانایی‌ها، الزامات، احتمالات، تقاضاها، پیشنهادها، توصیه‌ها، پیش‌بینی‌ها، حدس‌ها و ... استفاده می‌شوند. فعل‌های وجهی از نظر شخص صرف نمی‌شوند و همیشه به یک صورت به کار می‌روند. این فعل‌ها بر خلاف فعل‌های اصلی برای سوالی شدن و منفی شدن نیازی به do و does ندارند. فعل‌های وجهی عبارتند از: can, could, may, might, must, shall, should, will, would. در این بخش با افعال وجهی may و might آشنا می‌شویم.

سوالی کردن و منفی کردن

سوالاتی کردن جملات با **may** بسیار ساده است. تنها کافی است جای فاعل و فعل را با هم عوض کنیم:

May I ... ? Might I ... ?

حالت منفی این فعل وجهی **may not** و **might not** است.

کاربردهای **may**

۱- وقتی راجع به چیزی مطمئن نیستیم:

Jack may be coming to see us tomorrow .

"جک" ممکن است فردا برای دیدن ما بیاید.

There may not be very many people there .

ممکن است افراد زیادی آنجا نباشند.

۲- وقتی می‌خواهیم مودبانه از کسی درخواست کنیم:

May I borrow the car tomorrow ?

می‌شود فردا ماشین را قرض بگیرم؟

May we come a bit later ?

می‌شود [ممکن است] ما کمی دیرتر بیاییم؟

نکته

وقتی در پاسخ درخواستی از **may not** استفاده می‌کنیم، می‌خواهیم روی پاسخ منفی که می‌دهیم تاکید داشته باشیم (در اینجا **may not** معنای "اجازه نداشتن" می‌دهد):

You may not !

خیر اجازه نداری! [امکان ندارد!]

You may not borrow the car until you can be more careful with it .

تو نمی‌توانی ماشین را قرض بگیری تا وقتی که بیشتر مراقب باشی.

کاربردهای **might**

might در کاربردها بسیار به **may** شباهت دارد، تنها با این تفاوت که **might** در موقعیت‌های رسمی‌تر استفاده می‌شود.

اکنون به کاربردهای **might** توجه کنید:

۱- وقتی راجع به چیزی مطمئن نیستیم:

I might see you tomorrow .

ممکن است فردا تو را ببینم.

It looks nice , but it might be very expensive .

قشنگ به نظر می‌رسد اما ممکن است خیلی گران باشد.

۲- برای مودبانه درخواست کردن در زمان گذشته:

He asked if he might borrow the car .

او از من پرسید می‌تواند [اجازه دارد] ماشین را قرض بگیرد یا نه.

They wanted to know if they might come later .

آنها می‌خواستند بدانند ممکن است دیر بیایند یا نه.

۳- برای درخواست‌های بسیار مودبانه در موقعیت‌های بسیار رسمی:

Might I ask you a question ?

ممکن است از شما سوالی بپرسم؟

برای نشان دادن اینکه چیزی احتمالاً اتفاق افتاده یا در زمانی در گذشته به وقوع پیوسته است از **might** و **may have** استفاده می‌کنیم:

It's ten o'clock . They might have arrived now . [= Perhaps they have arrived]

ساعت ده است. آنها احتمالاً تا الان رسیده‌اند.

They may have arrived hours ago . [= Perhaps they arrived hours ago .]

آنها احتمالاً ساعت‌ها پیش رسیده‌اند.

فعل وجهی **have**

فعل‌های وجهی همراه با افعال اصلی می‌آیند و برای بیان توانایی‌ها، الزامات، احتمالات، تقاضاها، پیشنهادها، توصیه‌ها، پیش‌بینی‌ها، حدس‌ها و ... استفاده می‌شوند. فعل‌های وجهی از نظر شخص صرف نمی‌شوند و همیشه به یک صورت به کار می‌روند. این فعل‌ها بر خلاف فعل‌های اصلی برای سوالی شدن و منفی شدن نیازی به **do** و **does** ندارند. فعل‌های وجهی عبارتند از **can, could, may, might, must, shall, should, will, would**. در این بخش ابتدا با چند جمله که با افعال وجهی و **have** ساخته می‌شود آشنا می‌شویم و در ادامه به کاربردها می‌پردازیم:

فعل وجهی	have	شکل سوم فعل	
will	have	arrived	by now
might	have	seen	the film
would	have	been	late

از این نوع ساختار برای نشان دادن احتمال وقوع چیزی در گذشته استفاده می‌کنیم.

We were very worried . Someone might have taken the car .

ما خیلی نگران بودیم. یک نفر ممکن بود ماشین را دزدیده باشد.

مثال زیر نشان می‌دهد که وقوع کاری (دزدیده شدن ماشین) در گذشته ممکن بوده است اما در حقیقت این عمل به وقوع نپیوسته است.

برای نشان دادن احتمال وقوع چیزی در زمان حال نیز از این ساختار استفاده می‌کنیم:

It is nearly eight o'clock . They will have arrived by now .

ساعت تقریباً هشت است. آنها می‌بایست تا الان می‌رسیدند.

برای نشان دادن احتمال وقوع چیزی در زمانی در گذشته نیز از این ساختار استفاده می‌کنیم:

You should have helped her when she asked .

وقتی از تو خواهش کرد باید کمکش می‌کردی.

They might have got lost . Nobody knows where they are .

احتمال داشت آنها گم شده باشند. هیچکس از جای آنها اطلاع ندارد.

تفاوت‌های **could have, might have, will have**

این سه فعل وجهی همراه با **have** تفاوت‌های معنایی دارند. در جدول زیر این تفاوت‌ها آمده است:

کاربرد	فعل وجهی + have
برای نشان دادن امکان وقوع چیزی در گذشته	could have
برای نشان دادن احتمال وقوع چیزی در گذشته	might have
برای نشان دادن حتمی بودن وقوع چیزی در آینده	will have

It's ten o'clock . They could have arrived now .

ساعت ده است. آنها می‌توانستند تا الان برسند. (امکان)

We were very worried . Someone might have taken the car .

ما خیلی نگران بودیم. یک نفر احتمال داشت ماشین ما را بدزدد. (احتمال)

It is nearly eight o'clock . They will have arrived by now .

ساعت تقریباً هشت است. آنها می‌بایست تا الان می‌رسیدند. (اطمینان)

ساختارهای ملکی

ضمایر ملکی

ضمایر ملکی یا **Possessive Pronouns** ضمایری هستند که مالکیت را نشان می‌دهند. تفاوت ضمایر ملکی با صفات ملکی در این است که صفت، همیشه قبل از اسم می‌آید ولی ضمیر ملکی به تنهایی جانشین اسم می‌شود و دیگر لازم نیست بعد از آن یک اسم بیاید.

در فارسی این ضمایر معادل ندارند و به صورت (مال من، مال تو، مال او، مال ما، مال شما، مال آنها) ترجمه می‌شوند. در جدول زیر با این ضمایر آشنا می‌شویم:

ضمیر فاعلی	صفت ملکی	ضمیر مفعولی	ضمیر ملکی
I	my	me	mine
You	your	you	yours
He	his	him	his
She	her	her	hers

It	its	it	its
We	our	us	ours
They	their	them	theirs

ما می‌توانیم به جای استفاده از یک عبارت اسمی مانند (Mary's car) به تنهایی فقط از ضمیر ملکی (hers) استفاده کنیم.

A : Is that John's car ?

آیا این ماشین "جان" است؟

B : No , it's mine .

نه، مال من است.

Whose coat is this ? Is it [your coat] ? >> Is it yours ?

این پالتوی کیست؟ آیا مال شماست؟

در این مثال، به جای عبارت your coat که شامل صفت و اسم است از ضمیر your استفاده شده است. ما می‌توانیم بعد از حرف اضافه of از ضمیر ملکی استفاده کنیم. یعنی می‌توانیم یک جمله با یک مفهوم را با دو ساختار مختلف بگوییم:

Susan is one of my friends .

سوزان یکی از دوستان من است.
یا

Susan is a friend of mine .

سوزان یکی از دوستان من است.

توجه

اما دقت داشته باشید که نمی‌توانیم این جمله را به صورت (Susan is a friend of me) بنویسیم.

I am one of Susan's friends .

من یکی از دوستان سوزان هستم.
یا

I am a friend of Susan's .

من یکی از دوستان سوزان هستم.

توجه

اما دقت داشته باشید که نمی‌توانیم این جمله را به صورت اشتباه: I am a friend of Susan بنویسیم.

صفات ملکی

صفات ملکی یا **possessives adjectives** به ضمایری گفته می‌شود که مالکیت یک اسم را نشان می‌دهد و همیشه قبل از اسم می‌آید. این صفات نشان می‌دهد که چه چیزی به چه کسی تعلق دارد. در زبان فارسی این صفت توسط شناسه‌ها یعنی (م، ت، ش، مان، تان، شان) یا حرف کسره قبل از ضمائر من، تو، او، ما، شما، آنها ترجمه می‌شوند. تفاوت ضمائر ملکی با صفات ملکی در این است که صفت، همیشه قبل از اسم می‌آید ولی ضمیر ملکی به تنهایی جانشین اسم می‌شود و دیگر لازم نیست بعد از آن یک اسم بیاید. در جدول زیر با این صفات آشنا می‌شویم:

صفت ملکی	ضمیر مفعولی	ضمیر فاعلی
my	me	I
your	you	You
his	him	He
her	her	She
its	it	It
our	us	We
their	them	They

در سه کاربرد از ساختار ملکی استفاده می‌کنیم.

۱- برای نشان دادن مالکیت

That's our house .

آن خانه ما است.

My car is very old .

ماشین من خیلی قدیمی است.

۲- برای نشان دادن روابط خویشاوندی و دوستی

My mother is a doctor .

مادر من یک دکتر است.

۳- برای صحبت کردن درباره اعضای بدن

She's washing her hair .

او دارد مویش را می‌شوید.

I need to clean my teeth .

من باید دندان‌هایم را تمیز کنم.

ساختار ملکی اسامی

ساختار ملکی وقتی به کار می‌رود که بخواهیم نشان دهیم چیزی یا کسی متعلق به شخصی است. در زبان فارسی به این ترکیب‌ها ترکیب اضافی یا مضاف و مضاف الیه می‌گویند. در زبان انگلیسی برای نشان دادن مالکیت اسامی "مفرد" از ساختار (S') استفاده

می‌کنیم که از حرف "S" به علاوه علامت (') که به آن apostrophe گفته می‌شود، ساخته می‌شود. به اسامی که با این ساختار در انگلیسی به هم متصل می‌شوند اسامی ملکی یا **Possessive Nouns** هم گفته می‌شود.

در فارسی مالکیت اسامی را با حرف کسره (ِ) یا (ی) نشان می‌دهیم.

Michael drove his friend's car .

"مایکل" ماشین دوستش را می‌راند.

برای نشان دادن مالکیت اسامی "جمع" که حرف آخرشان S باشد، از ساختار (s') استفاده می‌کنیم که از حرف "S" به علاوه علامت (') که آن را apostrophe می‌نامند، ساخته می‌شود.

اما سایر اسامی جمعی که آخرشان S نباشد از (s') استفاده می‌کنیم.

This is my parents' house .

اینجا خانه پدر و مادر من است.

Those are ladies' shoes .

اینها کفش‌های زنانه هستند.

These are men's shoes .

اینها کفش‌های مردانه هستند.

Children's clothes are very expensive .

لباس‌های بچه‌ها بسیار گران قیمت است.

نکته

ما می‌توانیم به جای استفاده از یک عبارت اسمی مانند (Mary's car) به تنهایی فقط از ساختار ملکی (Mary's) استفاده کنیم.

A : Is that John's car ?

آیا این ماشین "جان" است؟

B : No , it's Mary's .

نه، مال "ماری" است.

A : Whose coat is this ?

این پالتوی کیست؟

B : It's my wife's .

مال خانمم است.

ساختار ملکی پرسشی

رای سوال کردن در مورد مالکیت چیزی از واژه پرسشی whose استفاده می‌کنیم که به معنای (مال چه کسی، برای کی) است. این نوع پرسش دو ساختار مختلف دارد که در جدول زیر با این دو ساختار آشنا می‌شویم:

ساختار یک	ساختار دو	ترجمه فارسی
-----------	-----------	-------------

آن پالتو مال چه کسی است؟	Whose is this coat ?	Whose coat is this ?
آن کتاب برای کیست؟	Whose is that book ?	Whose book is that ?
آن کیف ها برای چه کسی است؟	Whose are those bags ?	Whose bags are those ?

صفت

صفت‌ها اسم را توصیف می‌کنند و کیفیت و چگونگی افراد، اشیاء، مکان‌ها و ... را بیان می‌کنند. صفات تنها یک شکل و ساختار دارند، یعنی چه برای اسم مفرد چه اسم جمع از یک حالت صفت استفاده می‌کنیم. در زبان انگلیسی برخلاف زبان فارسی صفات یا **Adjectives** قبل از اسم می‌آیند. به مثال‌ها نگاه کنید:

They have a beautiful house .

آنها یک خانه زیبا دارند.

We saw a very exciting film last night .

ما دیشب یک فیلم بسیار جذاب دیدیم.

برخی از صفت‌ها تنها بعد از افعال ربطی یا **link verbs** می‌آیند. نمونه‌هایی از این افعال be, appear, become, feel, grow, look, remain, seem, smell, sound, stay, taste, and turn هستند. (برای اطلاعات بیشتر به بخش افعال ربطی مراجعه کنید.) (برای اطلاعات بیشتر درباره این صفت‌ها به بخش ترتیب صفات مراجعه کنید.)

Their house is beautiful .

خانه آنها زیبا است.

That film looks interesting .

آن فیلم به نظر جالب می‌آید.

نکته

صفت‌ها تنها یک شکل و ساختار دارند، یعنی چه برای اسم مفرد چه اسم جمع، چه مونث و چه مذکر از یک حالت صفت استفاده می‌کنیم.

a young man

یک مرد جوان

young men

مردان جوان

young women

زنان جوان

اگر قبل از صفتی که یک کلمه است، حرف تعریف the بیاید، آن صفت تبدیل به عبارت اسمی می‌شود و به معنای افرادی است که دارای آن صفت باشند، مثلا:

the young , the old , the dead , the English

جوانان، سالخوردگان، مردگان، انگلیسی‌ها

صفات ساخته شده با -ed و -ing

صفات کلماتی هستند که کیفیت و چگونگی افراد، اشیاء، مکانها و ... را بیان می کنند. صفت تنها یک حالت دارد؛ یعنی اینکه با اسم مفرد یا جمع، مذکر یا مؤنث به طور یکسان به کار می رود. در این بخش با دو نوع روش ساخت صفات در زبان انگلیسی آشنا می شویم:

صفات ساخته شده با -ing

بسیاری از صفات در زبان انگلیسی از طریق اضافه کردن -ing به آخر افعال ساخته می شوند. توجه کنید که اگر فعلی منتهی به e باشد هنگام اضافه کردن -ing به آن، e حذف می شود. ابتدا با چند تا از پرکاربردترین صفات که با اضافه کردن -ing ساخته شده اند آشنا می شویم:

- Amusing جالب، سرگرم کننده
- Shocking تکان دهنده، هولناک
- Surprising شگفت انگیز
- Frightening ترسناک
- Interesting جالب، جذاب
- Disappointing ناامیدکننده
- Exciting هیجان انگیز
- Tiring خسته کننده
- Worrying نگران کننده
- Boring خسته کننده
- Terrifying ترسناک
- Annoying اعصاب خردکن

نکته

به راحتی می توان با حذف کردن -ing از آخر صفات به معنای آن پی ببریم. یعنی:
If you call something "interesting" you mean it "interests" you (اگر چیزی جالب است، توجه شما را جلب می کند).
If you call something "frightening" you mean it "frightens" you (اگر چیزی ترسناک است، شما را می ترساند).

چند مثال با صفات -ing

I read a very interesting article in the newspaper today .

من امروز مقاله ای بسیار جالب در روزنامه خواندم.

That Dracula film was absolutely terrifying .

آن فیلم "دراکولا" واقعا ترسناک بود.

توجه کنید

صفاتی که با -ing ساخته شوند برای اشاره به اشیا و چیزها به کار می روند، نه برای فرد. مثال را ببینید:

The movie was frightening . I was frightened .

فیلم ترسناک بود. من ترسیدم.

صفات ساخته شده با-ed

بسیاری از صفات در زبان انگلیسی از طریق اضافه کردن -ed به آخر افعال ساخته می‌شوند و اگر خود فعل انتهایش e داشت تنها d به انتهای فعل اضافه می‌کنیم. ابتدا با چند تا از پرکاربردترین صفات که با اضافه کردن -ed ساخته شده‌اند آشنا می‌شویم:

- Frightened ترسیده
- Bored کسل
- Annoyed ناراحت، عصبی
- Worried نگران
- Tired خسته
- Closed بسته
- Excited هیجان زده
- Delighted خوشحال
- Disappointed ناامید

نکته

به راحتی می‌توان با حذف کردن -ed از آخر صفات به معنای آن پی ببریم، یعنی: احساس آزرده‌خاطر شدن می‌کنید). "If something "annoys" you, you can say you feel "annoyed" (اگر چیزی شما را بیازارد، شما

"If something "interests" you, you can say you are "interested" (اگر چیزی نظر شما را جلب کند، شما مجذوب آن می‌شوید).

مثال با صفت-ed

The children had nothing to do . They were bored .

بچه‌ها هیچ کاری برای انجام دادن نداشتند. آنها کسل شده بودند.

توجه کنید

صفاتی که با -ed ساخته شوند برای افراد به کار می‌روند، نه برای اشیا و چیزها. مثال را ببینید:

The game was amusing . She was amused .

بازی سرگرم کننده بود. او سرگرم شده بود.

صفات تفضیلی و عالی

در زبان انگلیسی از صفات تفضیلی و صفات برتر یا **Comparative and Superlative Adjectives** برای مقایسه بین دو اسم استفاده می‌شوند. صفت تفضیلی که در زبان فارسی با اضافه شدن پسوند -تر به صفت ساخته می‌شود برای مقایسه بین دو یا چند چیز یا فرد است. صفت عالی که در زبان فارسی با اضافه کردن پسوند -ترین به صفت ساخته می‌شود، برتر بودن اسمی را در بین اعضای یک گروه اسمی نشان می‌دهد.

صفات تفضیلی

وقتی در جمله می‌خواهیم دو یا چند چیز را با هم مقایسه کنیم به صفت -er یا more اضافه می‌کنیم. زمانی که صفت یک هجا داشته باشد به انتهای آن -er و اگر دو یا چند هجا داشته باشد، قبل از آن more می‌آوریم. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

We need a bigger garden .

ما باغچه بزرگی نیاز داریم.

big یک هجا دارد، بنابراین به انتهای آن پسوند -er اضافه می‌کنیم.

I'm taller now .

من الان بلندقدتر هستم.

tall یک هجا دارد، بنابراین به انتهای آن پسوند -er اضافه می‌کنیم.

توجه کنید

توجه کنید صفاتی که انتهای آن به y ختم شود بدون توجه به چند هجایی بودن آن همیشه y به ier تبدیل می‌شود.

I'm happier now .

من الان خوشحال تر هستم.

وقتی در جمله مشخصاً بخواهیم دو چیز را با هم مقایسه کنیم، بعد از صفت تفضیلی واژه than را می‌آوریم که در فارسی معنای "از" یا "به نسبت" می‌دهد.

She is two years older than me .

او دو سال از من بزرگ‌تر است.

France is a bigger country than Britain .

فرانسه نسبت به انگلستان کشور بزرگ‌تری است.

وقتی می‌خواهیم تغییر کردن چیزی را (مثلاً بزرگ و بزرگ‌تر شدن) نشان دهیم بین دو صفت تفضیلی واژه and را می‌آوریم.

Everything is getting more and more expensive .

همه چیز دارد گران و گران‌تر می‌شود.

The balloon got bigger and bigger .

بادکنک بزرگ و بزرگ‌تر شد.

ما اغلب برای نشان دادن اینکه چیزی به چیز دیگر وابسته است از صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم.

When you drive faster it is more dangerous .

> The faster you drive , the more dangerous it is .

وقتی سریعتر رانندگی می‌کنید، خطرناک‌تر است. (هرچه سریعتر رانندگی کنید، خطرناک‌تر است.)

صفات عالی

وقتی بخواهیم بگوییم یک شخص، مکان یا شیء بالاتر، بهتر، قوی تر و ... از اعضای یک گروه است از صفت عالی استفاده می‌کنیم. برای ساختن این صفت به آن پسوند -est یا most اضافه می‌کنیم. زمانی که صفت یک هجا داشته باشد به انتهای آن -est و اگر دو یا چند هجا داشته باشد قبل از آن most می‌آوریم. این نکته را هم در نظر داشته باشید که قبل از صفت عالی حتماً باید حرف تعریف the بیاوریم.

It was the saddest day of my life .

آن روز ناراحت‌کننده‌ترین روز زندگی من بود.

sad یک هجا دارد، بنابراین به آن پسوند -est اضافه کردیم و در ابتدای آن حرف تعریف the قرار دادیم.

Everest is the highest mountain in the world .

اورست مرتفع‌ترین کوه جهان است.

high یک هجا دارد، بنابراین به آن پسوند -est اضافه کردیم و در ابتدای آن حرف تعریف the قرار دادیم.

توجه کنید

توجه کنید صفاتی که انتهای آن به y ختم شود بدون توجه به چند هجایی بودن آن همیشه y به -iest تبدیل می‌شود.

It was the happiest day of my life .

آن روز خوش‌ترین روز زندگی من بود.

صفات تفضیلی و عالی بی‌قاعده

برخی از صفات در حالت تفضیلی و عالی کاملاً عوض می‌شوند و از قاعده کلی سایر صفات پیروی نمی‌کنند. در جدول زیر می‌توانید این صفات را ببینید:

صفت	صفت تفضیلی	صفت عالی
good	better	best
bad	worse	the worst
little	less	the least
much	more	the most
many	more	the most
far	farther / further	the farthest / furthest

صفات اسمی

گاهی اوقات برای توصیف یک اسم، به جای صفت، از یک اسم دیگر استفاده می‌کنیم. از بارزترین نمونه‌های این موضوع نشان دادن مالکیت برای اجسام بی‌جان است که در فارسی با "ی" یا "ی" نشان داده می‌شود. به این عبارتها در زبان فارسی ترکیب اضافی یا مضاف و مضاف الیه گفته می‌شود، مثلاً:

the village church ; the car door ; the kitchen window ; the chair leg ; my coat pocket ; London residents

کلیسای روستا، در خودرو، پنجره آشپزخانه، پایه صندلی، جیب پالتوی من، ساکنین لندن

توجه

ما برای اجسام بی جان نمی توانیم از ساختار مالکیت (S') استفاده کنیم؛ مثلا، ما نمی توانیم بگوییم:

The car's door; the kitchen's window; the chair's leg مثال های نادرست

ما می توانیم برای نشان دادن جنس یک چیز یا اینکه چیزی از چه ماده ای ساخته شده است از صفت اسمی یا ترکیب مضاف و مضاف الیه استفاده کنیم:

a gold watch ; a leather purse ; a metal box

یک ساعت طلا، یک کیف چرم، یک جعبه فلزی

ما اغلب با اسم هایی که به -ing و -er منتهی می شوند از صفت اسمی یا مضاف استفاده می کنیم:

an office worker ; a jewelry maker ; a potato peeler

یک کارمند شرکت، یک سازنده جواهر، یک سیب زمینی پوست کن

a shopping list ; a swimming lesson

یک لیست خرید، یک درس شنا

ما از اسامی اندازه گیری، سن، وزن و ارزش به عنوان صفت اسمی (مضاف) استفاده می کنیم:

a thirty kilogram suitcase ; a two minute rest ; a five thousand euro platinum watch ; a fifty kilometer journey

یک چمدان سی کیلویی، یک استراحت دو دقیقه ای، یک ساعت پنج هزار یورویی، یک سفر پنجاه کیلومتری
یکی از روش های ساختن اسم های مرکب در زبان انگلیسی استفاده از صفات اسمی (مضاف و مضاف الیه) است. به مثال ها توجه کنید:

- an ice bucket = سطلی برای نگه داری یخ (سطل یخ)
- an ice cube = حبه ای از جنس یخ (حبه یخ)
- an ice breaker = کشتی که یخ را می شکند (یخ شکن)
- the ice age = زمانی که زمین را یخ فرا گرفته بود (عصر یخ)

نکته

گاهی اوقات ممکن است چند اسم (یعنی چند مضاف) یک اسم دیگر را توصیف کنند. مثلا:

London office workers ; grammar practice exercises

کارمندان شرکت لندن، فعالیت های تمرینی دستور زبان

جایگاه صفت اسمی در جمله

صفات اسمی در جمله بعد از صفت می آیند.

The old newspaper seller

روزنامه فروشان پیر

A tiring fifty kilometer journey

یک سفر پنجاه کیلومتری خسته کننده

ترتیب صفات

صفات کلماتی هستند که کیفیت و چگونگی افراد، اشیاء، مکانها و ... را بیان می‌کنند. صفت تنها یک حالت دارد؛ یعنی اینکه با اسم مفرد یا جمع، مذکر یا مونث به طور یکسان به کار می‌رود. جایگاه صفت یا **Adjective Placement** در انگلیسی دقیقاً برعکس فارسی است. در انگلیسی صفت قبل از اسم و در فارسی بعد از آن می‌آید. گاهی پیش می‌آید که بخواهیم با چند صفت یک اسم را توصیف کنیم، مثلاً:

He was a nice intelligent young man .

او مرد جوان خوب و باهوشی بود.

She had a small round black wooden box .

او جعبه چوبی کوچک گردی داشت.

صفات نظری عام و خاص

برای یاد گرفتن ترتیب صفات در انگلیسی ابتدا باید با مفهوم صفات نظری (Opinion adjectives) آشنا شویم. صفات نظری همانطور که از اسمش پیداست نظر و دیدگاهی را درباره اسمی مطرح می‌کنند. این صفات نشان می‌دهند که یک فرد درباره فرد یا چیزی دیگر چه تفکر و تجسمی در ذهن خود دارد.

این صفات به دو بخش عام و خاص یعنی (general opinion adjectives) و (specific opinion adjectives) تقسیم‌بندی می‌شوند. در ابتدا با دسته اول یعنی صفات نظری عام (general opinion adjectives) آشنا می‌شویم. با این صفات تقریباً می‌توان هر اسمی را توصیف کرد.

- Good خوب
- Bad بد
- Nice خوب، قشنگ
- Beautiful زیبا
- Awful افتضاح
- Important مهم
- Lovely دوست داشتنی
- Wonderful فوق‌العاده
- Strange عجیب
- Excellent عالی

صفات نظری خاص (specific opinion adjectives) برخلاف صفات نظری عام که همه نوع اسم را توصیف می‌کنند، درباره گروهی خاص از اسامی نظر می‌دهند. مثلاً برخی از آنها انسان‌ها، برخی حیوان‌ها، برخی غذا و برخی لوازم خانه و ... را توصیف می‌کنند. مثلاً:

- توصیف غذا: tasty; delicious
- توصیف ساختمان و لوازم خانه: comfortable; uncomfortable

• توصیف انسان و حیوان: clever; intelligent; friendly

قوانین ترتیب صفات

حال به ترتیب صفات می پردازیم. برای یاد گرفتن این ترتیب چند قانون را به خاطر بسپارید. قانون اول مربوط به صفات نظری عام و خاص است. قانون اول: ما معمولا صفت نظری عام را قبل از صفت نظری خاص می آوریم.

Nice tasty soup

سوپ خوب خوشمزه

A nasty uncomfortable sofa

یک مبل کشیف ناراحت

A lovely intelligent animal

یک حیوان دوست داشتنی باهوش

صفات توصیفی

دسته ای دیگر از صفات که باید با آن آشنا شویم صفات توصیفی (descriptive) است. صفات توصیفی آن دسته از صفاتی هستند که ویژگی های ظاهری یک چیز یا فرد را بیان می کنند، مثلا رنگ چیزی، پیری و جوانی و... تفاوت این دسته صفات با صفات نظری در این است که صفات نظری به سلیقه افراد وابسته است (subjective) اما در صفات توصیفی همه یک نظر دارند و سلیقه افراد در آن نقشی ندارد. (objective). حال به قانون دوم ترتیب صفات که مربوط به صفات توصیفی است توجه کنید:

قانون دوم: معمولا صفت نظری قبل از صفت توصیفی می آید.

a nice red dress

یک پیراهن زیبای قرمز

a silly old man

یک مرد احمق پیر

those horrible yellow curtains

آن پرده های زشت زرد رنگ

نکته

در زبان انگلیسی معمولا از دو صفت برای توصیف یک اسم استفاده می کنند. توصیف کردن یک اسم با سه صفت غیرعادی و کم کاربرد است. بیش از سه صفت برای توصیف یک اسم در انگلیسی امری بعید است و بیشتر در متون ادبی و ادبیات کاربرد دارد.

ترتیب صفات در انگلیسی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
General opinion	Specific opinion	Size	Shape	Age	Color	Nationality	Material

جنس	ملیت	رنگ	سن (یا دما)	شکل	اندازه	صفت نظری خاص	صفت نظری عام
-----	------	-----	-------------	-----	--------	--------------	--------------

برخی از صفت ها تنها بعد از افعال ربطی (link verb) می آیند. نمونه هایی از این افعال be, appear, become, feel, grow, look, remain, seem, smell, sound, stay, taste, and turn هستند. (برای اطلاعات بیشتر به بخش افعال ربطی مراجعه کنید.) در جدول زیر با برخی از این صفات آشنا می شویم:

- Afraid ترسیده
- Content راضی
- Sorry شرمنده، متاسف
- Alive زنده
- Glad خوشحال
- Sure مطمئن
- Alone تنها
- Ill بیمار، ناخوش
- Unable ناتوان
- Asleep خوابیده
- Ready آماده
- Well خوب

برخی از پرکاربردترین صفاتی که با -ed درست شده اند معمولاً تنها بعد از افعال ربطی می آیند، مثلاً: annoyed; finished; bored; pleased; thrilled

توجه

ما در انگلیسی می گوئیم Our teacher was ill اما نمی گوئیم We had an ill teacher. به چند نمونه دیگر توجه کنید:

(نادرست) When he heard the news he was a very glad uncle .

(درست) My uncle was very glad when he heard the news .

(نادرست) He seemed to be a very annoyed policeman .

(درست) The policeman seemed to be very annoyed .

برخی صفات تنها قبل از اسامی می آیند و هیچوقت به تنهایی به کار نمی روند نه با افعال اصلی نه با افعال ربطی. برخی از این نوع صفات در فهرست زیر آمده اند:

- north/ south/ east/ west شمال / جنوب / شرق / غرب
- northern/ southern/ eastern/ western شمالی / جنوبی / شرقی / غربی
- countless/ occasional/ lone بی شمار / هر از چند گاه / تنها
- eventful/ indoor/ outdoor پرماجرا / سرپوشیده / سر باز

توجه

The district he lives in is **eastern** اما نمی‌گوییم He lives in the eastern district
ما در انگلیسی می‌گوییم eastern

به یک نمونه دیگر توجه کنید:

The problems with the new machinery were countless . (نادرست)

There were countless problems with the new machinery . (درست)

تشدید کننده ها

در زبان انگلیسی به آن دسته از قیدهایی که به تنهایی به کار نمی‌روند و برای تشدید کردن صفات به کار می‌روند تشدیدکننده یا **intensifier** می‌گویند، مثل **really** و **very** و **extremely**. این قیده‌ها در فارسی معنای "خیلی"، "بسیار" و "به شدت" می‌دهند.

It's a very interesting story .

داستان بسیار جالبی است.

Everyone was extremely excited .

همه به شدت هیجان‌زده بودند.

در جدول زیر با برخی از تشدیدکننده‌های پرکاربرد در زبان انگلیسی بیشتر آشنا می‌شویم:

extremely	really	very
incredibly	exceptionally	amazingly
unusually	particularly	remarkably

نکته

قید **enough** نیز برای توضیح درباره صفت دیگری به کار می‌رود و به معنای "به اندازه کافی" و "آنقدر" است. تنها تفاوت این قید با سایر تشدیدکننده‌ها در این است که **enough** بعد از صفت می‌آید.

If you are eighteen you are old enough to drive a car .

اگر هجده سال دارید، آنقدر بزرگ شدید که رانندگی کنید.

تشدیدکننده‌های صفات قوی

به آن دسته از صفات گفته می‌شود که در معنای خود مفهوم "بسیار" دارند و خود (strong adjectives) صفات قوی

صفات تشدید شده هستند، مثلاً

- enormous, huge = بسیار بزرگ
- tiny = بسیار کوچک
- Brilliant = بسیار باهوش
- awful; terrible; disgusting; dreadful = بسیار بد
- certain = بسیار مطمئن

- excellent; perfect; ideal; wonderful; splendid = بسیار خوب
- delicious = بسیار خوش طعم

ما برای تشدید کردن این صفات نمی‌توانیم از قید very استفاده کنیم. این نوع صفات، تشدیدکننده‌های خاص خود را دارند که در جدول زیر آمده‌اند:

utterly	totally	completely	absolutely
quite	particularly	exceptionally	really

The film was absolutely awful .

فیلم واقعا افتضاح بود.

He was an exceptionally brilliant child .

او به طرز استثنایی کودک باهوشی بود.

The food smelled really disgusting .

غذا واقعا بوی مشمئزکننده‌ای می‌داد.

نکته

گاهی اوقات از حالت صفتی قیده‌های تشدیدکننده استفاده می‌کنیم، یعنی -ly را از انتهای قید حذف می‌کنیم. در این صورت این صفات تشدیدکننده قبل از صفت می‌آید، مثلا:

absolute
total
complete
utter
perfect
real

He's a complete idiot .

او یک احمق به تمام معنا [تمام عیار] است.

توجه کنید

دقت کنید که ما در انگلیسی نمی‌گوییم **The idiot was complete.**: این جمله اشتباه است.

تضعیف کننده ها

در زبان انگلیسی به آن دسته از قیدها که به تنهایی به کار نمی‌روند و برای تضعیف صفات استفاده می‌شوند صفات تضعیف‌کننده **Mitigator** می‌گویند، مثل quite و rather و fairly و pretty. این صفات در فارسی معنای "نسبتا"، "کمی" می‌دهند. به مثال‌ها توجه کنید:

By the end of the day we were rather tired .

در پایان روز ما نسبتا خسته شده بودیم.

The film wasn't great but it was quite exciting .

فیلم عالی نبود اما نسبتا هیجان انگیز بود.

توجه

دقت کنید که قید **quite** هم جزو تشدیدکننده‌ها و هم جزو تضعیف‌کننده‌ها هست. توجه داشته باشید که وقتی این قید با صفات قوی (**strong adjectives**) همراه باشد مفهوم تشدیدکنندگی دارد و در غیر این صورت مفهوم تضعیف‌کنندگی. (برای آشنایی با صفات قوی به بخش تشدیدکننده‌ها (**intensifiers**) مراجعه کنید.)

The food was quite awful .

غذا واقعا افتضاح بود. (تشدیدکننده)

The film wasn't great but it was quite exciting .

فیلم عالی نبود اما نسبتا هیجان انگیز بود. (تضعیف‌کننده)

تضعیف‌کننده‌های صفات تفضیلی

از واژه‌ها و عبارتهای تضعیف‌کننده زیر برای تضعیف کردن صفات تفضیلی استفاده می‌کنیم.

rather	a little	a bit
slightly	a little bit	just a bit
	just a little bit	

She's a bit younger than I am .

او کمی از من جوان تر است.

This one is rather bigger (than the other one) .

این نسبتا از آن یکی بزرگ تر است.

نکته

دو تضعیف‌کننده **rather** و **slightly** قبل از اسم و صفت تفضیلی می‌آیند، یعنی حتما باید بعد از صفت تفضیلی، اسم آمده باشد.

This is a slightly more expensive " model " than that one .

این مدل کمی از دیگری گران تر است.

This is a rather bigger " one " than the other .

این نسبتا از آن یکی بزرگ تر است.

اما با سایر تضعیف‌کننده‌ها لزومی ندارد که بعد از صفت تفضیلی اسم آمده باشد.

She's a bit younger than I am .

او کمی از من جوان تر است.

انواع قیدها

قید در زبان انگلیسی حالت و کیفیت فعل را نشان می‌دهد. قیدها کاربردهای مختلفی دارند و اولین و مهم‌ترین کاربرد آنها دادن اطلاعات بیشتر درباره "فعل" است، اما علاوه بر فعل گاهی صفات را هم توصیف می‌کند. قیدها بر این اساس به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند. در این بخش به طور خلاصه از هر کدام این دسته‌ها تعریفی ارائه شده است. برای داشتن اطلاعات بیشتر راجع به هر کدام از این قیدها می‌توانید به بخش مربوط به خودش مراجعه کنید.

انواع قیدها

- adverbials of manner (قیدهای حالت)
- adverbials of place (قیدهای مکان)
- adverbials of time (قیدهای زمان)
- adverbials of probability (قیدهای احتمال)

قیدهای حالت

ما از قیدهای حالت برای نشان دادن اینکه چیزی "چگونه اتفاق می‌افتد" یا اینکه یک چیز "چگونه انجام شده است" استفاده می‌کنیم.

The children were playing " happily " .

بچه‌ها با خوشحالی بازی می‌کردند.

He was driving " as fast as possible " .

او تا جای ممکن سریع رانندگی می‌کرد.

قیدهای مکان

از قیدهای مکان برای نشان دادن اینکه عملی در "کجا" اتفاق افتاده استفاده می‌شود.

I saw him " there " .

من او را آنجا دیدم.

We met " in London " .

ما همدیگر را در لندن دیدیم.

قیدهای زمان

ما از قیدهای زمان برای نشان دادن اینکه عملی "چه زمانی" و "هر چند وقت یکبار" اتفاق می‌افتد استفاده می‌کنیم.

They start work " at six thirty " .

آنها کار را ساعت شش و نیم شروع می‌کنند.

They " usually " go to work by bus .

آنها معمولا با اتوبوس سرکار می‌روند.

قیدهای احتمال

ما از قیدهای احتمال برای نشان دادن اینکه ما درباره چیزی چقدر مطمئن هستیم و چقدر احتمال انجام شدن آن را می‌دهیم استفاده می‌کنیم.

" Perhaps " the weather will be fine .

شاید هوا خوب شود.

He is " certainly " coming to the party .

او قطعاً به مهمانی می‌آید.

ساختار قیدها

قید در زبان انگلیسی حالت و کیفیت فعل را نشان می‌دهد. قیدها کاربردهای مختلفی دارند و اولین و مهم‌ترین کاربرد آنها دادن اطلاعات بیشتر درباره "فعل" است، اما علاوه بر فعل گاهی صفات را هم توصیف می‌کنند. یک قید یا از طریق اضافه کردن -ly به انتهای یک صفت ساخته شود، یا اینکه خود واژه به نوبه خود قید محسوب می‌شود، یعنی یکی از چهار حالت قید (حالت، مکان، زمان، احتمال) را در مفهوم خود دارد.

He spoke angrily .

او با عصبانیت صحبت کرد.

با اضافه کردن پسوند -ly به صفت angry قید حالت angrily ساخته شده است.

They live here .

آنها اینجا زندگی می‌کنند.

واژه here خود نوعی قید مکان است.

We will be back soon .

ما زود بر خواهیم گشت.

واژه SOON خود نوعی قید زمان است.

قیدها ممکن است همراه با یک تشدیدکننده بیایند. (برای اطلاعات بیشتر به بخش تشدیدکننده‌ها (intensifiers) مراجعه کنید.)

He spoke really angrily .

او واقعا با عصبانیت صحبت کرد.

They live just here .

آنها دقیقا همین جا زندگی می‌کنند.

قیدها می‌توانند به صورت یک عبارت با حرف اضافه بیایند. در این حالت یک عبارت قیدی (adverbial clause) تشکیل می‌شود.

He spoke in an angry voice .

او با صدایی عصبانی صحبت کرد.

They live in London .

آنها در لندن زندگی می‌کنند.

We will go in a few minutes .

ما تا چند دقیقه دیگر خواهیم رفت.

جایگاه قید در جمله

قید در زبان انگلیسی حالت و کیفیت فعل را نشان می‌دهد. معمول‌ترین جایگاه قید در جمله بعد از فعل است. اما قیدها می‌توانند بعد از مفعول و مسند نیز بیایند. به مثال‌های زیر نگاه کنید:

He spoke " angrily " .

او با عصبانیت صحبت کرد.

They live " just here " .

آنها دقیقا همین جا زندگی می‌کنند.

We will go " in a few minutes " .

ما تا چند دقیقه دیگر خواهیم رفت.

He opened the door " quietly " .

او آهسته در را باز کرد.

She left the money " on the table " .

او پول را روی میز گذاشت.

توجه

توجه داشته باشید که قیدهای تکرار (frequency) که نشان می‌دهند یک کار هر چند وقت یکبار صورت می‌گیرد، قبل از فعل اصلی می‌آیند. (برای اطلاعات بیشتر به بخش قیدهای تکرار مراجعه کنید).

We usually spent our holidays with our grandparents .

ما معمولا تعطیلات خود را با پدربزرگ و مادربزرگمان می‌گذرانیم.

قید usually قبل از فعل اصلی در جمله آمده است.

I have never seen William at work .

من هیچوقت "ویلیام" را سرکار ندیده‌ام.

قید never قبل از فعل اصلی در جمله آمده است.

نکته

اگر بخواهیم روی قید تاکید داشته باشیم، قید را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

Last night we saw our friends .

دیشب، ما دوستانمان را دیدیم.

Very quietly he opened the door .

خیلی آهسته، در را باز کرد.

اگر بخواهیم روی "قیدهای حالت" تاکید کنیم، می‌توانیم قیدها را قبل از فعل اصلی به کار ببریم.

He quietly opened the door .

او آهسته در را باز کرد.

She had carefully put the glass on the shelf .

او با دقت لیوان را در قفسه گذاشته بود.

قید های حالت

ما از قیدهایی حالت برای نشان دادن اینکه چیزی "چگونه" اتفاق می افتد یا اینکه یک چیز "چگونه" انجام شده است استفاده می کنیم. قیدهایی حالت معمولا با اضافه کردن -ly به انتهای صفات ساخته می شوند.

- badly < bad
- quietly < quiet
- suddenly < sudden

دقت داشته باشید که گاهی اوقات املای واژهها تغییر می کند.

قانون اول: اگر حرف آخر صفت y باشد، هنگام اضافه کردن -ly تبدیل به i می شود.

قانون دوم: اگر حرف آخر صفت e باشد، هنگام اضافه کردن -ly حذف می شود.

- easily < easy
- gently < gentle

نکته

اگر یک صفت خود انتهایش -ly داشته باشد برای تبدیل کردن آن به قید از ساختار in a way استفاده می کنیم.

- in a silly way < Silly
- in a friendly way < Friendly

توجه کنید

توجه کنید که برخی از واژهها هم صفت و هم قید هستند، مثلا hard و late و fast.

They all worked hard .

همه آنها سخت کار کردند.

She usually arrives late .

او معمولا دیر می رسد.

قیدهایی hardly و lately هیچ ارتباط معنایی با صفت hard و late ندارند و معانی خاص خود را دارند hardly به معنای "به ندرت، به زحمت، کم" و lately به معنای "اخیرا" است. به مثالها نگاه کنید:

He could hardly walk .

او به زحمت می توانست راه برود.

I haven't seen John lately .

من اخیرا "جان" را ندیده‌ام.

ما در انگلیسی به شیوه دیگری هم می‌توانیم قید حالت بسازیم: با ساختن عبارتی با like وقتی بعد از like که به معنای "شبيه، مثل" است یک اسم بیاوریم آن عبارت، یک قید محسوب می‌شود. به مثال‌ها توجه کنید:

She slept like a baby .

او مثل نوزاد می‌خوابد.

He ran like a rabbit .

او مثل خرگوش می‌دود.

ما معمولا با افعال ربطی (... be, feel, taste, smell, look, seem, sound) از قیده‌های عبارتی با like استفاده می‌کنیم. (برای اطلاعات بیشتر به بخش افعال ربطی مراجعه کنید.)

Her hands felt like ice .

دست‌های او مثل یخ سرد بود.

It smells like fresh bread .

بویی مثل بوی نان تازه می‌دهد.

توجه

توجه داشته باشید که از قیدهایی که ساختاری به غیر از (like ...) دارند نمی‌توانیم بعد از افعال ربطی استفاده کنیم. یعنی نمی‌توانیم بعد از افعال ربطی قیدهایی با -ly بیاوریم. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

They looked happily . (نادرست)

They looked happy . (درست)

That bread smells deliciously . (نادرست)

That bread smells delicious . (درست)

قیده‌های مکان

قید در زبان انگلیسی حالت و کیفیت فعل را نشان می‌دهد. قید مکان قیدی است که برای نشان دادن اینکه عملی در "کجا" اتفاق افتاده استفاده می‌شود. قیده‌های مکان خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- adverbials of location (قیده‌های موقعیت)
- adverbials of direction (قیده‌های جهت)
- adverbials of distance (قیده‌های مسافت)

قیده‌های موقعیت (adverbials of location) قیدهایی است که از طریق حروف اضافه به علاوه یک اسم مکان ساخته می‌شوند. پرکاربردترین حروف اضافه‌ای که برای بیان موقعیت استفاده می‌شوند by و at و in هستند.

The pen is in the box .

خودکار در جعبه است.

He was standing by the table .

او کنار میز ایستاده بود.

Sign your name here – at the bottom of the page .

اسم خود را اینجا امضا کنید - در پایین این صفحه.

قیدهای جهت (adverbials of direction) زمانی استفاده می‌شوند که درباره جهت حرکت یک چیز یا فرد صحبت کنیم. در مثال‌های زیر نمونه‌هایی از قیدهای جهت را می‌بینیم که اغلب در آدرس دادن از آنها استفاده می‌شود:

Walk " past the bank " and keep going " to the end of the street " .

از بانک عبور کن و به راه خود تا انتهای خیابان ادامه بده.

The car door is very small so it's difficult to get " into " .

در خودرو خیلی کوچک است برای همین داخل شدن در آن دشوار است.

قیدهای مسافت (adverbials of distance) برای نشان دادن دوری و نزدیکی چیزی استفاده می‌شوند. پرکاربردترین حروف اضافه‌ای که برای بیان موقعیت استفاده می‌شوند to و from هستند.

Birmingham is 250 kilometers from London .

بیرمنگهام ۲۵۰ کیلومتر تا لندن فاصله دارد.

We were in London . Birmingham was 250 kilometers away .

ما در لندن بودیم. بیرمنگهام ۲۵۰ کیلومتر دورتر است.

قیدهای موقعیت

برای ساختن قیدهای موقعیت از یک سری حروف اضافه استفاده می‌کنیم که نشان‌دهنده موقعیت فیزیکی یک شی یا فرد است. در جدول زیر برخی از این حروف اضافه آمده است. با قرار دادن این حروف اضافه کنار یک اسم دیگر می‌توانیم قیدی بسازیم که نشان‌دهنده موقعیت آن اسم است.

beneath	below	behind	at	among	above
inside	in between	in	by	between	beside
over	outside	opposite	on	next to	near
		underneath	under	through	round

He was standing by the table .

او کنار میز ایستاده بود.

She lives in a village near Glasgow .

او در روستایی نزدیک گلاسکو زندگی می‌کند.

گاهی اوقات ما با استفاده از حروف اضافه عبارت‌های قیدی می‌سازیم که قیدهای موقعیت محسوب می‌شوند. با قرار دادن این عبارت‌های قیدی کنار یک اسم می‌توانیم موقعیت آن اسم را مشخص کنیم.

• at the back of (پشت)

- on top of (بالای)
- at the top of (بالای)
- at the front of (جلوی، روبه روی)
- at the bottom of (پایین، زیر)
- in front of (رو به روی، جلوی)
- at the end of (پایین، پای، انتهای)
- in the middle of (وسط، در میان)

There were some flowers in the middle of the table .

چند گل وسط میز بود.

Sign your name here – at the bottom of the page .

اسم خود را اینجا امضا کنید – در پایین این صفحه.

I can't see . You're standing in front of me .

من نمی‌توانم ببینم. تو رو به روی من ایستاده‌ای.

نکته

ما برای تشدید کردن قیده‌های موقعیت می‌توانیم از واژه right استفاده کنیم تا مفهوم "دقیقا" یا "درست" را برسانیم.

He was standing right next to the table .

او درست کنار میز ایستاده بود.

There were some flowers right in the middle of the table .

چند گل دقیقا وسط میز بود.

قیده‌های جهت

قیده‌های جهت (adverbials of direction) زمانی استفاده می‌شوند که درباره جهت حرکت یک چیز یا فرد صحبت کنیم. برای ساخت این قیده‌ها از مجموعه‌ای از حروف اضافه استفاده می‌کنیم. در جدول زیر برخی از این حروف اضافه آمده‌اند:

into	down	back to	back	along	across
towards	to	through	past	out of	onto

She ran out of the house .

او از خانه بیرون دوید.

Walk past the bank and keep going to the end of the street .

از بانک عبور کن و به راه خود تا انتهای خیابان ادامه بده.

علاوه بر این حروف اضافه، یک سری واژه‌ها و عبارات هم هستند که قیده‌های جهت و موقعیت هستند.

downwards	downstairs	anywhere	away	abroad
-----------	------------	----------	------	--------

nowhere	inside	indoors	here	everywhere
upstairs	there	somewhere	outside	outdoors

I would love to see Paris . I've never been there .

من دوست دارم پاریس را ببینم. من هیچوقت آنجا نبوده‌ام.

The bedroom is upstairs .

اتاق خواب طبقه بالا است.

It was so cold that we stayed indoors .

انقدر هوا سرد بود که ما داخل خانه ماندیم.
ما اغلب حروف اضافه جهت را در انتهای جملات قرار می‌دهیم.

This is the room we have our meals in .

این اتاقی است که ما در آن غذا می‌خوریم.

The car door is very small so it's difficult to get into .

در خودرو خیلی کوچک است برای همین داخل شدن در آن دشوار است.

I lifted the carpet and looked underneath .

من فرش را بلند کردم و زیرش را نگاه کردم.

قیدهای مسافت

قیدهای مسافت (adverbials of distance) برای نشان دادن دوری و نزدیکی چیزی استفاده می‌شوند. برای ساخت این قیدها از مجموعه‌ای از حروف اضافه از قبیل *from, to, away, off, away from* استفاده می‌کنیم.

Birmingham is 250 kilometers from London .

بیرمنگهام ۲۵۰ کیلومتر تا لندن فاصله دارد.

Birmingham is 250 kilometers away from London .

بیرمنگهام ۲۵۰ کیلومتر از لندن دورتر است.

It is 250 kilometers from Birmingham to London .

از بیرمنگهام تا لندن ۲۵۰ کیلومتر است.

گاهی اوقات می‌توانیم حروف اضافه جهت را در انتهای عبارت یا جمله قرار دهیم.

We were in London . Birmingham was 250 kilometers away .

ما در لندن بودیم. بیرمنگهام ۲۵۰ کیلومتر دورتر است.

Birmingham was 250 kilometers off .

بیرمنگهام ۲۵۰ کیلومتر دورتر است.

قیدهای زمان

از قیدهای زمان برای نشان دادن زمان وقوع چیزی یا مدت زمان طول کشیدن چیزی استفاده می‌شود. ما از این قیدها استفاده می‌کنیم تا نشان دهیم:

۱- "چه زمانی" یک عمل روی داده است.

I saw Mary yesterday .

من "ماری" را دیروز دیدم.

She was born in 1978 .

او در سال ۱۹۷۸ متولد شد.

I will see you later .

من بعداً تو را خواهیم دید.

There was a storm during the night .

در طول شب طوفان شد.

۲- "تا چه مدتی" عملی در حال انجام شدن بوده است.

We waited all day .

ما تمام روز منتظر ماندیم.

They have lived here since 2004 .

آنها از سال ۲۰۰۴ اینجا زندگی کرده‌اند.

۳- "هر چند وقت یکبار" عملی روی داده است (برای اطلاعات بیشتر به بخش قیدهای تکرار مراجعه کنید).

They usually watched television in the evening .

آنها معمولاً شبها تلویزیون تماشا می‌کردند.

We sometimes went to work by car .

ما گاهی اوقات با ماشین به سرکار می‌رفتیم.

ما معمولاً برای نشان دادن قید زمان از عبارتهای قیدی استفاده می‌کنیم:

۱. yesterday (دیروز)

۲. tomorrow (فردا)

۳. today (امروز)

۴. last week/month/year (هفته/ماه/سال گذشته)

۵. next week/month/year (هفته/ماه/سال آینده)

۶. this week/month/year (این هفته/ماه/سال)

۷. one day/week/month (یک روز/هفته/ماه)

۸. the day after tomorrow (پس فردا)

۹. the day before yesterday (پریروز)

۱۰. last Saturday (شنبه گذشته)

۱۱. next Friday (جمعه آینده)

۱۲. the other day/week/month (روز/هفته/ماه دیگر)

قیدهای تاریخ و زمان

قید در زبان انگلیسی حالت و کیفیت فعل را نشان می‌دهد. قید زمان قیدی است که برای نشان دادن اینکه عملی "چه وقت" اتفاق افتاده استفاده می‌شود. برای ساختن قیدهای تاریخ و زمان از حروف اضافه خاصی استفاده می‌کنیم، مثلا at و in و on و ... که در ادامه با آنها بیشتر آشنا می‌شویم.

حرف اضافه at

در سه جا از حرف اضافه at برای بیان ساعت و زمان و تاریخ چیزی استفاده می‌کنیم:

۱- قبل از ساعت

دقت کنید که ما در فارسی نمی‌گوییم (در ساعت ...) و این حرف اضافه را ترجمه نمی‌کنیم.

at seven o'clock - at nine thirty - at fifteen hundred hours

ساعت هفت - ساعت نه و نیم - ساعت پانزده

۲- قبل از زمان وعده‌های غذایی

at breakfast - at lunchtime - at teatime

هنگام صبحانه - هنگام وقت نهار - هنگام عصرانه

۳- قبل از این عبارتها:

at

at

at

the

night

weekend

Easter

at Christmas

حرف اضافه in

در چهار جا از حرف اضافه in برای بیان ساعت و زمان و تاریخ چیزی استفاده می‌کنیم:

۱- قبل از فصول سال

in spring / summer / autumn / winter

در بهار / تابستان / پاییز / زمستان

in the spring / summer / autumn / winter

در بهار / تابستان / پاییز / زمستان

۲- قبل از سال‌ها و قرن‌ها

in 2009 - in 1998 - in the twentieth century

در سال ۲۰۰۹ - در سال ۱۹۹۸ - در قرن بیستم
۳- قبل از ماه‌های سال

in January / February / March etc .

در ژانویه/ فوریه/ مارس و غیره
۴- قبل از قسمت‌های مختلف روز

in the morning - in the afternoon - in the evening

(در) صبح - بعد از ظهر - غروب

حرف اضافه on

در دو جا از حرف اضافه on برای بیان ساعت و زمان و تاریخ چیزی استفاده می‌کنیم:

۱- قبل از روزهای هفته و مناسبت‌ها

on Monday / Tuesday / Wednesday etc - on Christmas day - on my birthday .

(در) دوشنبه/ سه شنبه/ چهارشنبه و غیره - در روز کریسمس - در روز تولدم.
۲- قبل از تاریخ

on the thirty first of July - on June 15th

در سی و یکم ژوئیه - در پانزدهم ژوئن

نکته

وقتی می‌خواهیم درباره "تمام طول شب" صحبت کنیم از قید at night استفاده می‌کنیم.

When there is no moon it is very dark at night .

وقتی ماه نیست شب‌ها خیلی تاریک است.

He sleeps during the day and works at night .

او در طول روز می‌خوابد و شب‌ها کار می‌کند.

وقتی می‌خواهیم درباره "مدت کوتاهی در شب" صحبت کنیم از قید in the night استفاده می‌کنیم.

He woke up twice in the night .

او دو بار در (طول) شب بیدار شد.

I heard a funny noise in the night .

من شب صدای عجیبی شنیدم.

قید ago

ما با زمان گذشته ساده از قید ago استفاده می‌کنیم تا نشان دهیم که عملی چه مدت قبل انجام شده است.

I saw Jim about three weeks ago .

من سه هفته پیش "جیم" را دیدم.

We arrived a few minutes ago .

ما چند دقیقه پیش رسیدیم.

ما می‌توانیم چندین قید زمان را پشت سر هم بیاوریم

We will meet next week at six o'clock on Monday .

ما هفته آینده ساعت شش روز دوشنبه همدیگر را ملاقات خواهیم کرد.

It happened last week at seven o'clock on Monday night .

هفته گذشته ساعت ۷ دوشنبه شب آن اتفاق افتاد.

کاربردهای for و since

برای نشان دادن طول مدت یک عمل و اینکه یک عمل از چه زمانی شروع شده است از دو حرف اضافه for و since به معنای (برای) و (از) استفاده می‌کنیم. این دو حرف اضافه اغلب با زمان‌های کامل، یعنی حال کامل، گذشته کامل، حال کامل استمراری و گذشته کامل استمراری کاربرد دارند.

حرف اضافه for

از حرف اضافه for برای نشان دادن مدت زمانی چیزی استفاده می‌کنیم. ما در فارسی معمولاً این حرف اضافه را در معنای قیدی ترجمه نمی‌کنیم. وقتی از for استفاده می‌کنیم باید بعد از آن دوره‌ای زمانی را بیاوریم مثل three days, ten minutes, an hour, two hours, a week, four weeks, a month, six months, five years, a long time.

We have been waiting for twenty minutes .

ما بیست دقیقه است که منتظر مانده‌ایم.

They lived in Manchester for fifteen years .

آنها پانزده سال در منچستر زندگی کردند.

حرف اضافه since

ما از حرف اضافه since با زمان‌های گذشته کامل و حال کامل استفاده می‌کنیم تا نشان دهیم عملی از چه زمانی شروع شده است. وقتی از since استفاده می‌کنیم باید بعد از آن نقطه شروع یک دوره زمانی را بیان کنیم (نمی‌توانیم از دوره‌ای زمانی استفاده کنیم) مثل Monday, Wednesday, 9 o'clock, 12:30, 24 July, Christmas, January, I was ten years old, 1985, we arrived.

I have worked here since December .

من از دسامبر اینجا کار کرده‌ام.

They had been watching TV since seven o'clock in the morning .

آنها از ساعت ۷ صبح داشتند تلویزیون تماشا می‌کردند.

برای نشان دادن شروع و پایان کاری از ساختار from ...to/until استفاده می‌کنیم.

They stayed with us from Monday to Friday .

آنها از دوشنبه تا جمعه پیش ما ماندند.

We will be on holiday from the sixteenth until the twentieth .

ما از شانزدهم تا بیستم در تعطیلات خواهیم بود.

مقایسه for و ago

از ago در پاسخ به سؤالاتی با when و از for برای پاسخ دادن به سؤالاتی با how long استفاده می‌کنیم. فعل جمله‌ای که در آن از ago استفاده کرده‌ایم گذشته ساده و فعل جمله‌ای که در آن از for استفاده کرده‌ایم حال کامل (ماضی نقلی) است.

A : When did Mary arrive in Germany ?

"ماری" چه موقع به آلمان رسید؟

B : She arrived in Germany three days ago .

او سه روز پیش به آلمان رسید.

A : How long has she been in Germany ?

او چه مدت در آلمان بوده است؟

B : She has been in Germany for three days .

او (به مدت) سه روز در آلمان بوده است

قیدهای تکرار

قید در زبان انگلیسی حالت و کیفیت فعل را نشان می‌دهد. قیدهای تکرار نشان می‌دهند که عملی "هر چند وقت یکبار" اتفاق می‌افتد. پرکاربردترین قیدهای تکرار در این انگلیسی به شرح زیر هستند:

- always (همیشه)
- usually (معمولا)
- sometimes (گاهی اوقات)
- often (اغلب)
- normally (معمولا)
- occasionally (گاهگاهی)
- seldom (به ندرت)
- rarely (به ندرت)
- never (هرگز، هیچوقت)

ما معمولا قیدهای تکرار را قبل از فعل اصلی می‌آوریم. اما اگر فعل اصلی جمله ما be باشد، قیدهای تکرار بعد از فعل be می‌آیند.

We often spend Christmas with friends .

ما معمولا کریسمس را با دوستان خود می‌گذرانیم.

He was always tired in the evening .

او همیشه عصرها خسته بود.

We are never late for work .

ما هیچوقت سرکار دیر نمی‌رسیم.

ما معمولاً از قید **a lot** به معنای (اغلب، زیاد) برای نشان دادن تکرار استفاده می‌کنیم. این قید معمولاً در انتهای جمله می‌آید. اما اگر در انتهای جمله یک قید زمان باشد، آنگاه قید **a lot** قبل از قید زمان می‌آید.

We go to the cinema a lot .

ما زیاد به سینما می‌رویم.

We go to the cinema a lot at the weekend .

ما آخر هفته‌ها زیاد به سینما می‌رویم.

نکته

برای اینکه نشان دهیم کاری را زیاد انجام نمی‌دهیم، فعل را منفی می‌کنیم و از قید **much** استفاده می‌کنیم.

We don't go out much . (= We don't go out often)

ما زیاد بیرون نمی‌رویم.

سوال پرسیدن درباره قیدهایی تکرار

برای سوال پرسیدن درباره دفعات تکرار یک عمل از عبارت سوالی **how often** یا **ever** استفاده می‌کنیم **how often** . در ابتدای جمله می‌آید و **ever** قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی می‌آید.

How often do you go to the cinema ?

هر چند وقت به سینما می‌روید؟

Do you ever go to the cinema at the weekend ?

آیا تا به حال آخر هفته سینما رفته‌ای؟

قیدهایی تکراری که دو واژه یا بیشتر دارند و نسبتاً طولانی هستند، مثل **every year** و **three times a day** در انتهای جمله می‌آیند.

I have an English lesson twice a week .

من دو بار در هفته کلاس انگلیسی دارم.

She goes to see her mother every day .

او هر روز به دیدن مادرش می‌رود.

قیدهایی **already, still, yet**

این سه قید در زبان انگلیسی اغلب برای زبان‌آموزان مشکل ایجاد می‌کنند. هر سه تای این قید زمانی استفاده می‌شوند که عملی می‌خواهد انجام شود، یا انتظار می‌رود اتفاق بیفتد، یا وقتی اتفاق افتاد، غیرمنتظره بوده است. در این بخش کمی وارد جزئیات این سه قید می‌شویم.

قید (**Still** هنوز)

قید Still زمانی استفاده می‌شود که عمل یا موقعیتی تا زمان حال ادامه داشته است و هنوز تمام نشده است. اغلب از این قید برای عمل یا موقعیتی استفاده می‌شود که بیشتر از حد معمول ادامه پیدا کرده است. قید still قبل از فعل اصلی یا صفت می‌آید. به مثال‌ها توجه کنید:

Do you still live with your parents ?

آیا هنوز با پدر و مادرت زندگی می‌کنی؟

My grandfather is sixty-nine and he still works every day .

پدربزرگ من ۶۹ سالش است و هنوز هر روز کار می‌کند.

اگر در جمله ما شکل حال ساده یا گذشته ساده فعل be استفاده شده باشد، آن وقت still بعد از فعل be می‌آید.

Her grandfather is still alive .

پدربزرگ او هنوز زنده است.

They were still unhappy .

آنها هنوز ناراضی بودند.

قید (Already قبلا)

ما از قید already به معنای "قبلا، از قبل" زمانی استفاده می‌کنیم که چیزی زودتر از موقعی که انتظار می‌رفت اتفاق افتاده باشد. این قید مثل still قبل از فعل اصلی می‌آید.

The car is OK . I've already fixed it .

ماشین درست کار می‌کند. من قبلا تعمیرش کردم.

I already know what I'm going to buy you for your birthday .

من از قبل می‌دانم که برای تولدت چه می‌خواهم بخرم.

اگر در جمله ما شکل حال ساده یا گذشته ساده فعل be استفاده شده باشد، آن وقت already بعد از فعل be می‌آید.

We are already late .

ما الانش هم دیر کرده‌ایم.

We just started working but we were already tired .

ما تازه کار را شروع کرده بودیم اما آنها هیچی نشده خسته بودند.

توجه

توجه کنید که قید already هیچ گاه با زمان آینده به کار نمی‌رود.

قید (Yet هنوز)

ما از قید yet در عبارتهای منفی و سوالی استفاده می‌کنیم، علی‌الخصوص وقتی زمان جمله "کامل" باشد تا نشان دهیم چیزی تا زمان مشخص هنوز انجام نگرفته است. قید yet معمولا در انتهای جمله می‌آید.

It was late , but they hadn't arrived yet .

دیر وقت بود، اما آنها هنوز نرسیده بودند.

Have you fixed the car yet ?

آیا هنوز ماشین را تعمیر کرده‌ای؟

قیدهای احتمال

قید در زبان انگلیسی حالت و کیفیت فعل را نشان می‌دهد. ما از قیدهای احتمال برای نشان دادن اینکه ما درباره چیزی چقدر مطمئن هستیم و چقدر احتمال انجام شدنش را می‌دهیم استفاده می‌کنیم. پرکاربردترین قیدهای احتمال در انگلیسی به شرح زیر است:

قیدهای **maybe** و **perhaps** در ابتدای عبارت و جمله می‌آیند. سایر قیدهای احتمال معمولا قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی می‌آیند.

- **certainly** (قطعا، حتما)
- **definitely** (حتما، مطمئنا)
- **maybe** (شاید، احتمالا)
- **possibly** (احتمالا)
- **clearly** (واضحا، آشکارا)
- **obviously** (آشکارا، واضح)
- **probably** (احتمالا، شاید)

Perhaps the weather will be fine .

شاید هوا خوب شود.

Maybe it won't rain .

شاید باران نبارد.

He is certainly coming to the party .

او قطعا به مهمانی می‌آید.

We will possibly come to England next year .

ما احتمالا سال آینده به انگلستان خواهیم آمد.

اما اگر فعل اصلی جمله **be** باشد، آنگاه قیدهای احتمال بعد از فعل اصلی می‌آیند.

They are definitely at home .

آنها حتما خانه هستند.

She was obviously very surprised .

او مشخصا خیلی متعجب شده بود.

قیدهای مقایسه ای

ما از قیدهای مقایسه‌ای برای نشان دادن تغییر یا برای مقایسه کردن دو یا چند چیز با هم استفاده می‌کنیم. قیدهایی که یک هجایی هستند با اضافه کردن پسوند **-er** به انتهایشان و اگر دو یا چند هجایی باشند با **more** مقایسه می‌شوند.

I forget things more often nowadays .

من این روزها بیشتر از معمول چیزها را فراموش می‌کنم.

She began to speak more quickly .

او شروع کرد به سریع‌تر صحبت کردن.

They are working harder now .

آنها الان دارند سخت‌تر کار می‌کنند.

ما می‌توانیم با قیده‌های مقایسه‌ای از واژه **than** استفاده کنیم. زمانی در جمله **than** به کار می‌بریم که مشخصاً بخواهیم دو چیز یا دو اتفاق یا دو زمان و ... را با هم مقایسه کنیم.

I forget things more often than I used to .

من این روزها نسبت به گذشته بیشتر از معمول چیزها را فراموش می‌کنم.

برای تشدید کردن قیده‌های مقایسه‌ای می‌توانیم از ساختارهای تشدیدکننده زیر استفاده کنیم. (برای اطلاعات بیشتر به بخش تشدیدکننده‌ها (intensifiers) مراجعه کنید.)

a good bit	a great deal	a lot	much
a fair bit	a good deal	quite a lot	far

I forget things much more often nowadays .

من این روزها خیلی بیشتر از معمول چیزها را فراموش می‌کنم.

برای تضعیف کردن قیده‌های مقایسه‌ای می‌توانیم از ساختارهای تضعیف‌کننده زیر استفاده کنیم. (برای اطلاعات بیشتر به بخش تضعیف‌کننده‌ها (mitigators) مراجعه کنید.)

just a little bit	a little	a bit
slightly	a little bit	just a bit

She began to speak a bit more quickly .

او شروع کرد به کمی سریع‌تر صحبت کردن.

قیده‌های بی‌قاعده

برخی قیده‌ها هنگام مقایسه از قانون **er-** و **more** پیروی نمی‌کنند. در جدول زیر با برخی از پرکاربردترین قیده‌ها آشنا می‌شویم:

قید	حالت مقایسه‌ای	حالت عالی
well	better	best
badly	worse	worst
much	more	most
little	less	least
far	farther / further	farthest / furthest

قیده‌های عالی

ما از قیده‌های عالی (superlative adverbs) برای مقایسه کردن بین دو قید استفاده می‌کنیم. قیدهایی که یک هجایی هستند با اضافه کردن -est به انتهایشان و اگر دو یا چند هجایی باشند با most مقایسه می‌شوند. (برای آشنا شدن با قیده‌های مقایسه‌ای به درس قیده‌های مقایسه‌ای مراجعه کنید).

His ankles hurt badly , but his knees hurt worst .

مچ پاهایش بدجوری صدمه دیدند اما زانوهایش از همه بیشتر آسیب دیدند.

It rains most often at the beginning of the year .

در آغاز سال از همه بیشتر باران می‌بارد.

وقتی می‌خواهیم قید عالی را تشدید کنیم ابتدا یک تشدیدکننده می‌آوریم بعد حرف the و بعد قید را می‌آوریم. برای تشدید کردن می‌توانیم از این واژه‌ها و عبارتهای تشدیدکننده استفاده کنیم:

- easily (به راحتی، به آسانی)
- much (خیلی، بیشتر)
- by far (با فاصله)

That's by far the worst film I've ever seen !

این با اختلاف زیاد بدترین فیلمی است که تا به حال دیده‌ام!

قیده‌های بی‌قاعده

برخی قیده‌ها هنگام مقایسه از قانون -est و most پیروی نمی‌کنند. در جدول زیر با برخی از پرکاربردترین قیده‌ها آشنا می‌شویم:

قید	حالت مقایسه‌ای	حالت عالی
well	better	best
badly	worse	worst
much	more	most
little	less	least
far	farther / further	farthest / furthest

حروف اضافه

حروف اضافه یا **Prepositions** در زبان انگلیسی، کلمات کوتاهی هستند که معمولاً پیش از اسم‌ها می‌آیند. حروف اضافه رابطه بخش‌های مختلف جمله با هم را نشان می‌دهند. عموماً حرف اضافه با اسم یا با ضمیر می‌آید. در ادامه با ساختارها، انواع و کاربردهایشان آشنا می‌شویم.

جایگاه حروف اضافه در جمله

حروف اضافه همیشه قبل از اسم یا ضمیر می‌آیند و رابطه آن اسم یا ضمیر را با بخش‌های قبلی جمله مشخص می‌کنند. به عنوان نمونه به چند مثال حرف اضافه در جایگاه‌های مختلف توجه کنید:

- A cup of tea : بین دو اسم:

- بین دو ضمیر: He gave it to me
- بین یک اسم و ضمیر: Mary and you
- بین یک فعل و اسم: I saw him before coming
- بین یک صفت و اسم: He is bad at math
- بین یک قید و اسم: He behaves badly towards his wife
- بین یک فعل و ضمیر: Come to me and sit down
-

توجه

توجه کنید که وقتی قبل از فعل حرف اضافه to بیاید، to در آنجا نقش نشانه مصدری دارد و حرف اضافه محسوب نمی‌شود.

I prefer to read in the library .

من ترجیح می‌دهم در کتابخانه مطالعه کنم.

قوانین حروف اضافه

دو قانون مهم در به کارگیری حروف اضافه وجود دارد که باید به آنها توجه کرد. چون حروف اضافه برای فارسی زبان‌ها کمی پیچیده هستند باید با تکرار و تمرین نحوه کارکرد آنها را یاد گرفت. باید توجه داشت که اغلب نمی‌توان حروف اضافه را مستقیماً ترجمه کرد.

قانون اول این است که برخی افعال یا اسامی بدون حرف اضافه مختص خود معنا نمی‌دهند یا با حروف اضافه خاص معنا و ارتباط خاصی را با اسم دیگری به خود می‌گیرند. بیشتر حروف اضافه می‌توانند جایگزین هم شوند اما تا حدودی مفهوم‌های خاص خود را دارند.

قانون دوم این است که حروف اضافه باید همراه با اسم بیایند و نمی‌شود تنهایی در جمله حاضر شوند.

انواع حرف اضافه از نظر کاربرد

حروف اضافه از نظر کاربرد به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: حروف اضافه زمان (time prepositions)، حروف اضافه مکان (place prepositions) و سایر حروف اضافه (other prepositions). حروف اضافه زمان، توضیح و رابطه زمانی دو اسم را می‌رساند، مثلاً before, after, during, until. حروف اضافه مکان، درباره جایگاه و موقعیت اسم توضیح می‌دهد مثلاً around, between, against. حروف اضافه مکان هم جهت یک اسم را مشخص می‌کند مثلاً across, up, down. سایر حروف اضافه هم حالت، یا چگونگی وقوع چیزی را مشخص می‌کند، مثلاً like, by, with.

انواع حروف اضافه از نظر ساختار

حروف اضافه از نظر ساختار به سه صورت هستند، یا یک کلمه هستند مثلاً at, on, to و ... یا به صورت مرکب (compound preposition) هستند، مثلاً on top of, instead of، یا به صورت عبارت حرف اضافه‌ای می‌آیند، مثلاً to London, in the closet.

حرف اضافه در نقش قید

بعضی از حرف اضافه‌ها می‌توانند هم در نقش حرف اضافه و هم قید بیایند. اگر بعد از حرف اضافه یک اسم یا ضمیر باشد در نقش حرف اضافه است. اگر بعد از آن چیزی نیامده باشد حرف اضافه در نقش قید است.

My school bus just went past .

اتوبوس مدرسه من همین الان رد شد و رفت.

در این مثال، واژه past نقش قید دارد.

My brother just drove past us .

برادرم همین الان با ماشین از کنار ما گذشت و رفت.

در این مثال، واژه past نقش حرف اضافه دارد.

حروف اضافه زمان

در زبان انگلیسی می‌توانیم برای ساختن قیده‌های زمان برای نشان دادن اینکه عملی "چه زمانی" اتفاق افتاده یا "به چه مدتی" ادامه داشته از حروف اضافه خاصی مانند at, in, on و ... استفاده می‌کنیم. در این بخش با این حروف اضافه آشنا خواهیم شد.

حرف اضافه at

از حرف اضافه at برای بیان ساعت و زمان و تاریخ چیزی استفاده می‌کنیم:

۱- قبل از ساعت

دقت کنید که ما در فارسی نمی‌گوییم (در ساعت ...) و این حرف اضافه را ترجمه نمی‌کنیم.

at half past nine

(در) ساعت نه و نیم

۲- قبل از زمان وعده‌های غذایی

at breakfast

هنگام صبحانه

۳- قبل از واژه night. night دقت کنید که سایر زمان‌های شبانه روز (مانند صبح، ظهر، بعدازظهر، عصر و ...) با حرف اضافه in

می‌آیند و night استثنا است.

at night

در شب

۴- قبل از مناسبت‌های ملی مانند اعیاد یا روزهای مهم ملی و مذهبی، زمانی که اسامی واژه day نداشته باشند.

at Christmas , at Easter

در کریسمس، در عید پاک

نکته

در انگلیسی بریتانیایی بعد از واژه weekend (به معنای آخر هفته) از حرف اضافه at استفاده می‌کنیم، اما در انگلیسی آمریکایی از حرف اضافه on استفاده می‌کنیم.

حرف اضافه in

در چهار جا از حرف اضافه in برای بیان ساعت و زمان و تاریخ چیزی استفاده می‌کنیم:

۱- قبل از فصول و ماه‌های سال.

in August , in winter

در اوت، در زمستان

۲- قبل از سال‌ها و قرن‌ها

in 2009 , in the twentieth century

در سال ۲۰۰۹ - در قرن بیستم

۳- قبل از قسمت‌های مختلف روز

in the morning , in the afternoon , in the evening

(در) صبح - بعد از ظهر - غروب

۴- قبل از واژه‌هایی مانند hour, past, future و ... که برای بیان زمان‌ها استفاده می‌شود.

in an hour , in the past , in the future

در یک ساعت، در گذشته، در آینده

حرف اضافه on

در سه جا از حرف اضافه on برای بیان ساعت و زمان و تاریخ چیزی استفاده می‌کنیم:

۱- قبل از روزهای هفته

on Monday

(در) دوشنبه

۲- قبل از تاریخ

on 16th May

در شانزدهم مه

۳- قبل از مناسبت‌های ملی مانند اعیاد یا روزهای مهم ملی و مذهبی زمانی که اسامی واژه day داشته باشند.

on Easter Monday

در عید پاک دوشنبه

نکته

وقتی می‌خواهیم درباره "تمام طول شب" صحبت کنیم از قید **at night** استفاده می‌کنیم.

He sleeps during the day and works at night .

او در طول روز می‌خوابد و شب‌ها کار می‌کند.

وقتی می‌خواهیم درباره "مدت کوتاهی در شب" صحبت کنیم از قید **in the night** استفاده می‌کنیم.

He woke up twice in the night .

او دو بار در (طول) شب بیدار شد.

حرف اضافه **by**

از حرف اضافه **by** در دو کاربرد استفاده می‌کنیم:

۱- برای رساندن مفهوم "تا ساعت ..." که نشان می‌دهد حداکثر تا ساعت خاصی عملی اتفاق می‌افتد.

I will be back by 6 o'clock .

من تا ساعت شش برخواهم گشت.

۲- برای نشان دادن اینکه قبل از زمان خاصی یا تا زمان خاصی کاری اتفاق افتاده است.

By 11 o'clock I had read five pages .

تا ساعت ۱۱ من پنج صفحه خوانده بودم.

حرف اضافه **after**

از حرف اضافه **after** برای نشان دادن مدت زمانی بعد از یک دوره زمانی استفاده می‌شود.

after school

بعد از مدرسه

حرف اضافه **from**

برای نشان دادن اینکه یک کاری از چه تاریخی شروع می‌شود از حرف اضافه **from** استفاده می‌کنیم.

I'm going to study from tomorrow .

من از فردا قرار است درس بخوانم.

نکته

می‌توانیم برای نشان دادن اینکه یک کاری از چه تاریخی شروع می‌شود به جای **from** از حرف اضافه مرکب **as of** استفاده کنیم.

I'm going to study as of tomorrow .

من از فردا قرار است درس بخوانم.

حرف اضافه **ago**

حرف اضافه ago نقش قید را در جمله ایفا می کند و برای نشان دادن تاریخ یا زمان خاصی در گذشته به کار می رود.

two years ago

دو سال پیش

حرف اضافه before

از حرف اضافه before برای نشان دادن مدت زمانی قبل از یک دوره زمانی استفاده می شود.

before 2004

قبل از سال ۲۰۰۴

حرف اضافه during

برای نشان دادن رخ دادن کاری در حین یک بازه زمانی از during استفاده می کنیم.

during the summer holidays

حین تعطیلات تابستان

حرف اضافه for

از حرف اضافه for برای نشان دادن مدت زمانی چیزی استفاده می کنیم. در این حالت شروع کار مشخص نیست. ما در فارسی معمولاً این حرف اضافه را در معنای قیدی ترجمه نمی کنیم. وقتی از for استفاده می کنیم باید بعد از آن دوره ای زمانی را بیاوریم، مثل three days, ten minutes, an hour, two hours, a week, four weeks, a month, six months, five years, a long time.

They lived in Manchester for fifteen years .

آنها پانزده سال در منچستر زندگی کردند.

حرف اضافه since

ما از حرف اضافه since با زمان های گذشته کامل و حال کامل استفاده می کنیم تا نشان دهیم عملی از چه زمانی شروع شده است. وقتی از since استفاده می کنیم باید بعد از آن نقطه شروع یک دوره زمانی را بیان کنیم (نمی توانیم از دوره ای زمانی استفاده کنیم) مثل Monday, Wednesday, 9 o'clock, 12:30, 24 July, Christmas, January, I was ten years old, 1985, we arrived.

I have worked here since December .

من از دسامبر اینجا کار کرده ام.

حرف اضافه past

حرف اضافه past در جمله نقش قید را ایفا می کند و برای نشان دادن مدت زمان گذشته شده در هنگام اعلام ساعت استفاده می شود. در انگلیسی آمریکایی از حرف اضافه after استفاده می کنیم.

ten past six (6 : 10)

شش و ده دقیقه

حرف اضافه to

حرف اضافه to در جمله برای نشان دادن مدت زمان باقی مانده در هنگام اعلام ساعت استفاده می‌شود. در انگلیسی آمریکایی از حرف اضافه before, of, till استفاده می‌کنیم.

ten to six (5 : 50)

ده دقیقه به شش

حرف اضافه until/till

از حرف اضافه‌های till و until برای نشان دادن مدت زمانی که یک عمل طول می‌کشد، استفاده می‌شود.

He is in Germany until Friday .

او تا جمعه در آلمان است.

نکته

وقتی بخواهیم زمان شروع و پایان کاری را بیان کنیم از from ... until/till/to استفاده می‌کنیم.

from Monday until / till / to Friday

از دوشنبه تا جمعه

حروف اضافه مکان و حرکت

در زبان انگلیسی می‌توانیم برای ساختن قیدهای مکان و برای نشان دادن اینکه عملی "در کجا" اتفاق افتاده یا "در چه جهتی" بوده از حروف اضافه خاصی مانند at و on و ... استفاده می‌کنیم. در این بخش با این حروف اضافه آشنا خواهیم شد.

حرف اضافه on

حرف اضافه on در کاربردهای مختلفی بیان کننده مکان و موقعیت یک چیز یا فرد است:

۱- برای نشان دادن اتصال دو چیز به هم

the picture on the wall

عکس (چسبیده) روی دیوار

۲- برای نشان دادن موقعیت چیزی روی یک سطح

on the table

روی میز

۳- برای نشان دادن موقعیت چیزی در سمت راست یا چپ

on the left , on the right

سمت چپ، سمت راست

۴- برای نشان دادن موقعیت چیزی در طبقات یک ساختمان

on the first floor

در طبقه اول

۵- برای نشان دادن مکان چیزی در یکی از وسایل نقلیه از قبیل اتوبوس، قطار، هواپیما و...

on the bus , on a plane

در اتوبوس، در هواپیما

۶- برای نشان دادن موقعیت چیزی در کنار رودخانه

London lies on the Thames .

لندن در کنار رود تیمز قرار داد.

۷- همراه با کلماتی مانند تلویزیون، رادیو و اینترنت.

on TV , on the radio , on the internet

در تلویزیون، در رادیو، در اینترنت

حرف اضافه at

در پنج کاربرد از حرف اضافه at برای بیان موقعیت و مکان چیزی استفاده می کنیم:

۱- به معنای "در کنار"، "رو به روی" و "کنار" برای نشان دادن مکان چیزی یا شخصی

at the door , at the station

دم در، در ایستگاه

۲- به معنای "پشت" برای نشان دادن موقعیت فردی پشت میز.

at the table

پشت میز

۳- برای نشان دادن مکان شخصی در یک مراسم یا مجلس.

at a concert , at the party

در کنسرت، در مهمانی

۴- برای نشان دادن مکان شخصی در جاهایی مانند سرکار، مدرسه، سینما و...

at the cinema , at school , at work

در سینما، در مدرسه، در سرکار

حرف اضافه in

حرف اضافه in در کاربردهای زیر استفاده می‌شود:

۱- برای نشان دادن مکان چیزی یا شخصی در اتاق، ساختمان، خیابان، شهر، کشور

in the kitchen , in hospital , in London , in Ireland

در آشپزخانه، در بیمارستان، در لندن، در ایرلند

۲- برای نشان دادن مطلبی در کتاب، روزنامه و...

in the book

در کتاب

۳- برای نشان دادن مکان چیزی یا شخصی در وسایل نقلیه ماشین و تاکسی.

in the car , in a taxi

در ماشین، در تاکسی

نکته

با وسایل نقلیه‌ای که کوچک هستند و در آنها باید بنشینید و نمی‌توانید بایستید از حرف اضافه in استفاده می‌کنیم، اما با وسایل نقلیه بزرگ که می‌توان در آن ایستاد و راه رفت از حرف اضافه on استفاده می‌کنیم.

۴- قبل از واژه‌های world و picture برای نشان دادن موقعیت و مکان چیزی یا شخصی.

in the picture , in the world

در عکس، در جهان

حرف اضافه over

از حرف اضافه over در کاربردهای مختلفی استفاده می‌شود:

۱- برای نشان دادن اینکه چیزی یک چیز یا شخص دیگر را پوشانده است.

She put a blanket over the sleeping child .

او پتویی روی کودک خوابیده انداخت.

۲- به معنای "بیشتر از" برای نشان دادن بزرگتر بودن یا بیشتر بودن چیزی یا فردی نسبت به چیز یا فردی دیگر

over 16 years of age

بالای ۱۶ سال [بیشتر از ۱۶ سال]

۳- برای نشان دادن رد شدن از امتداد چیزی. در این کاربرد با حرف اضافه across هم‌معنی است.

to walk over a bridge

از (امتداد) پل عبور کردن

۴- برای نشان دادن رد شدن از روی یک مانع یا چیز بلند

to climb over a wall

از روی دیوار رد شدن

حرف اضافه to

از حرف اضافه to در چهار کاربرد برای نشان دادن مکان استفاده می‌کنیم:

۱- برای نشان دادن جهت حرکت فردی به سمت چیزی یا شخصی

to go to the cinema

به سینما رفتن

۲- برای نشان دادن جهت حرکت فردی به شهر یا کشوری

to go to London , to go to the USA

به لندن رفتن، به آمریکا رفتن

۳- به همراه واژه bed برای نشان دادن مفهوم "به تخت‌خواب رفتن، خوابیدن"

to go to bed

به تخت‌خواب رفتن [خوابیدن]

۴- به همراه واژه work برای نشان دادن مفهوم "به سرکار رفتن"

to go to work

به سرکار رفتن

حرف اضافه against

کاربردهای حرف اضافه against عبارتند از:

۱- به معنای روبه رو و مقابل

Barcelona is playing against Manchester tonight .

بارسلونا امشب روبه روی منچستر بازی می‌کند.

۲- برای نشان دادن موقعیت فردی که به چیزی تکیه زده باشد.

Michael stood with his back against the wall .

"مایکل" به پشت به دیوار تکیه داده ایستاده بود.

حرف اضافه above

از حرف اضافه above به معنای "بالا" برای نشان دادن موقعیت چیزی یا شخصی نسبت به چیزی یا شخصی دیگر استفاده

می‌کنیم. وقتی از این حرف اضافه استفاده می‌کنیم منظورمان این است که چیزی بالاتر از چیز دیگری است، اما لزوماً دقیقاً

بالای چیز دیگری قرار ندارد.

We were flying above the clouds .

ما داشتیم بالای ابرها پرواز می کردیم.

حرف اضافه across

از حرف اضافه across برای نشان دادن عبور کردن از امتداد چیزی استفاده می کنیم.

to walk across a bridge

از (امتداد) پل عبور کردن

to swim across a lake

در امتداد رود شنا کردن

حرف اضافه behind

برای نشان دادن موقعیت چیزی یا شخصی که دقیقاً پشت چیزی یا شخص دیگری قرار گرفته از حرف اضافه behind استفاده می کنیم.

There is a beautiful garden behind the house .

باغ زیبایی پشت خانه وجود دارد.

حرف اضافه below

از حرف اضافه below برای نشان دادن موقعیت چیزی یا شخصی زیر یا پایین چیز دیگر استفاده می کنیم. دقت کنید که وقتی از below استفاده می کنیم منظورمان بالای سطح زمین و کف چیزی است.

He dived below the surface of the water .

او زیر سطح آب شیرجه زد.

حرف اضافه between

حرف اضافه between برای نشان دادن مکان و موقعیت چیزی یا شخصی که بین دو چیز یا شخص قرار دارد استفاده می شود.

The train doesn't stop between Frankfurt and Darmstadt .

قطار بین (شهرهای) فرانکفورت و دارمشتات توقف نمی کند.

حروف اضافه by, next to, beside

حروف اضافه by, next to, beside همگی برای نشان دادن موقعیت چیزی یا شخصی در کنار شخص یا چیز دیگر استفاده می شود.

Jane is standing by / next to / beside the car .

"جین" کنار ماشین ایستاده است.

حرف اضافه from

برای نشان دادن مبدأ و نقطه شروع حرکت چیزی یا شخصی از from استفاده می کنیم.

a bus from London

اتوبوسی از لندن

حرف اضافه into

برای نشان دادن جهت حرکت فردی یا چیزی به داخل یک مکان از حرف اضافه into استفاده می‌شود.

to go into the kitchen / house

به (داخل) آشپزخانه/ خانه رفتن

حرف اضافه in front of

حرف اضافه in front of که جزو حروف اضافه مرکب محسوب می‌شود برای نشان دادن موقعیت و مکان چیزی یا فردی که جلو و روبه روی چیز یا فردی دیگر قرار داشته باشد استفاده می‌شود.

There are two men in front of the house .

دو مرد روبه روی خانه ایستاده‌اند.

حرف اضافه near

حرف اضافه near در جمله نقش قید را ایفا می‌کند و به معنای "نزدیک" است.

The school is near here .

مدرسه نزدیک اینجا است.

حرف اضافه onto

حرف اضافه onto به معنای "بر روی" نشان‌دهنده موقعیت چیزی روی چیزی دیگر است.

to jump onto the table

(بر) روی میز پریدن

حرف اضافه through

از حرف اضافه through برای نشان دادن حرکت چیزی یا شخصی از یک طرف به طرف دیگر استفاده می‌کنیم. این حرف اضافه به عبارتی به معنای "از درون" چیزی است.

The burglar got in through the window .

دزد از پنجره وارد خانه شد.

حرف اضافه towards

حرف اضافه towards برای نشان دادن جهت حرکت شخص یا چیزی به سمت چیز یا فرد دیگر استفاده می‌شود.

to go 5 steps towards the house

۵ قدم به سمت خانه رفتن

حرف اضافه under

حرف اضافه under نشان‌دهنده موقعیت چیزی یا شخصی زیر چیز دیگری است.

The bag is under the table .

کیف زیر میز است.

سایر حروف اضافه مهم

علاوه بر حروف اضافه مکان و زمان که در بخش‌های مخصوص به خود بررسی شدند در این بخش با دسته‌ای دیگر از حروف اضافه حائز اهمیت و کاربردهایشان در زبان انگلیسی آشنا می‌شویم.

حرف اضافه with

حرف اضافه with به معنای "با، همراه با" در کاربردهای زیر استفاده می‌شود:

۱- وقتی می‌خواهیم نشان دهیم فردی همراه با فرد یا افراد دیگری است.

with my parents , with a friend

با والدینم، همراه با یک دوست

۲- برای نشان دادن اینکه یک فرد یا چیز چه چیزی به همراه دارد یا دارای چه ویژگی‌های ظاهری است.

a woman with red hair

زنی با موی قرمز

۳- برای بیان اینکه کاری با چه ابزار یا وسیله‌ای انجام می‌گیرد.

Cut it with a knife .

با چاقو آن را ببرید.

حرف اضافه by

اولین کاربرد حرف اضافه by نشان دادن خالق یا آفریننده یک اثر است، یکی دیگر از کاربردهای آن معمولاً در جملات مجهول است که فاعل جمله را با by به علاوه عبارت اسمی نشان می‌دهد.

a book by Mark Twain

کتابی اثر مارک تواین

برای نشان دادن درصد نزول یا صعود چیزی از by استفاده می‌کنیم.

Prices have risen by 10 percent .

قیمت‌ها تا ۱۰ درصد افزایش یافته‌اند.

برای نشان دادن رفتن از جایی به جای دیگر با وسایل نقلیه از حرف اضافه by استفاده می‌کنیم.

by car , by bus

با ماشین، با اتوبوس

حرف اضافه about

برای صحبت کردن درباره موضوع خاصی از حرف اضافه about به معنای "درباره" استفاده می‌کنیم.

We were talking about you .

ما داشتیم درباره تو صحبت می‌کردیم.

حرف اضافه at

برای صحبت کردن درباره سن کسی از at استفاده می‌کنیم.

She learned Russian at 45 .

او در ۴۵ سالگی زبان روسی یاد گرفت.

حرف اضافه for

از حرف اضافه for برای نشان دادن هدف و منظور از کاری استفاده می‌شود.

flowers for Jane

گل‌هایی برای "جین"

حرف اضافه from

از حرف اضافه from برای نشان دادن اینکه چیزی از طرف شخصی رسیده استفاده می‌شود.

a present from Jane

هدیه‌ای از طرف "جین"

حرف اضافه of

از مهم‌ترین کاربردهای حرف اضافه of نشان دادن مالکیت است. مالکیت در فارسی با "ی" یا "ی" نشان داده می‌شود.

a page of the book

یک صفحه کتاب

حرف اضافه on

برای اشاره به انواع سفر کردن (مثلا پیاده، با اسب و ...) از حرف اضافه on استفاده می‌کنیم.

on foot , on horseback

(با پای) پیاده، با اسب

نشانگرها و کمیت سنج ها

حرف تعریف نامعین

حرف تعریف در زبان انگلیسی به دو دسته معین یا **Definite Article** و نامعین **Indefinite Articles** تقسیم بندی می شود. در این درس به حرف تعریف نامعین در زبان انگلیسی می پردازیم. حرف تعریف نامعین برای واژه هایی به کار می رود که آن واژه ها برای گوینده/شنونده نامشخص هستند و ما نمی دانیم درباره کدام چیز یا فرد خاص داریم صحبت می کنیم.

حرف تعریف نامعین در زبان انگلیسی **a** و **an** هستند که **a** قبل از واژه های قابل شمارش مفردی می آید که با حروف بی صدا (consonant) شروع شوند و **an** قبل از واژه های قابل شمارش مفردی می آید که با حروف صدادار (vowel) شروع می شوند.

Police are searching for a 14 year-old girl .

پلیس ها به دنبال یک دختر ۱۴ ساله هستند.

a blue jacket

یک ژاکت آبی

برای نشان دادن این که یک واژه عضو یک گروه خاصی از افراد یا اشیا است نیز از حرف تعریف نامعین **a/an** استفاده می کنیم.

She is a pupil at London Road School .

او (یک) دانش آموز مدرسه "لندن رود" است.

نکته

توجه کنید که ما با اسم های جمع و اسم های غیر قابل شمارش از حرف تعریف نامعین استفاده نمی کنیم. در واقع اسامی جمع و غیر قابل شمارش در انگلیسی هیچ حرف تعریفی نمی پذیرند.

She was wearing blue shoes . (= plural noun)

او کفش های آبی پوشیده بود.

She has short blonde hair . (= uncount noun)

او موهای بلوند کوتاهی دارد.

برای بیان شغل از حرف تعریف نامعین **a/an** استفاده می کنیم. ما در زبان فارسی برای شغل از "یک" استفاده نمی کنیم.

My brother is a doctor .

برادر من (یک) دکتر است.

George is a student .

"جرج" (یک) دانش آموز است.

گاهی اوقات برای اینکه به طور کلی درباره گروهی خاص صحبت کنیم (مثلا انسان، بشر و ...) از حرف تعریف نامعین **a/an** استفاده می کنیم. در این حالت در فارسی، حرف تعریف را ترجمه نمی کنیم.

A man needs friends . (= All men need friends)

انسان به دوست احتیاج دارد. [همه انسان‌ها به دوست احتیاج دارند.]

A dog likes to eat meat . (= All dogs like to eat meat)

سگ گوشت خوردن را دوست دارد. [همه سگ‌ها گوشت خوردن را دوست دارند.]

حرف تعریف معین

حرف تعریف در زبان انگلیسی به دو دسته معین یا **Definite Article** و نامعین **Indefinite Articles** تقسیم‌بندی می‌شود. در این درس به حرف تعریف معین در زبان انگلیسی می‌پردازیم.

پراکاربردترین واژه در زبان انگلیسی **the** است که حرف تعریف معین در زبان انگلیسی است که برای واژه‌هایی به کار می‌رود که آن واژه‌ها برای گوینده/شنونده مشخص و شناخته شده است و ما می‌دانیم درباره کدام چیز یا فرد خاص داریم صحبت می‌کنیم. در اینجا با کاربردهای مختلف این حرف تعریف آشنا می‌شویم.

۱- برای واژه‌هایی که تنها یکی از آنها وجود دارد و برای ما مشخص است (مثلا ماه، خورشید، زمین و ...) از **the** استفاده می‌کنیم.

The Pope is visiting Russia .

پاپ اعظم از روسیه بازدید می‌کند.

The King of Iran was deposed in 1979 .

شاه ایران در سال ۱۹۷۹ عزل شد.

The moon is very bright tonight .

ماه امشب خیلی درخشان است.

۲- برای صفات عالی (که در فارسی با -تر و -ترین درست می‌شود) از حرف تعریف **the** استفاده می‌کنیم.

He is the tallest boy in the class .

او بلندقدترین پسر کلاس است.

It is the oldest building in the town .

این قدیمی‌ترین ساختمان شهر است.

۳- برای چیزهایی که تنها یکی از آنها برای ما شناخته شده است یا اینکه برای گروه خاصی از مردم شناخته شده است نیز از حرف تعریف **the** استفاده می‌کنیم.

در مثال‌های زیر واژه‌های کلیسا و ماشین برای گوینده و شنونده جمله شناخته شده و تعریف شده هستند:

We live in a small village next to the church . (the church in the village)

ما در روستایی کوچک نزدیک کلیسا زندگی می‌کنیم. (کلیسایی در روستا)

Dad , can I borrow the car ? (the car that belongs to our family)

بابا، می‌توانم ماشین را قرض بگیرم؟ (ماشینی که برای خانواده است)

Look at the boy in the blue shirt over there . (the boy I am pointing at)

نگاه کن به آن پسر که آنجاست و لباس آبی پوشیده است. (پسری که من اشاره می‌کنم)

۴- وقتی قبلا از اسمی صحبت کرده‌ایم و می‌خواهیم برای بار دوم درباره آن صحبت کنیم، از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

A woman who fell 10 meters was lifted to safety by a helicopter . The woman fell while climbing .

یک زن که از ارتفاع ده متری افتاده بود توسط هلیکوپتری نجات یافت. آن زن موقع کوهنوردی سقوط کرده بود.

۵- وقتی می‌خواهیم به طور کلی راجع به اسم خاصی صحبت کنیم از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

The wolf is really a dangerous animal .

گرگ حیوان واقعا خطرناکی است. [همه گرگ‌ها حیوانات واقعا خطرناکی هستند.]

The heart pumps blood around the body .

قلب خون را به سراسر بدن پمپاژ می‌کند. [هر قلبی خون را به سراسر بدن پمپاژ می‌کند.]

۶- برای صحبت کردن درباره سازهای موسیقی از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

Joe plays the piano really well .

"جو" واقعا خوب پیانو می‌نوازد. ["جو" می‌تواند هر پیانویی را بنوازد.]

She is learning the guitar .

او دارد گیتار زدن یاد می‌گیرد. [او دارد یاد می‌گیرد هر گیتاری را بنوازد.]

۷- برای صحبت کردن درباره یک سیستم خدمات‌رسانی (مثلا مترو، خط اتوبوس واحد و ...) یا سازمان خاصی (مثلا رادیو،

تلویزیون و ...) یا اداره خاصی (مثلا اداره پلیس، آتش‌نشانی و ...) از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

How long does it take for the train to come ?

چقدر طول می‌کشد قطار برسد؟

I heard it on the radio .

من از رادیو شنیدم.

You should tell the police .

باید به پلیس اطلاع دهی.

۸- همراه با صفاتی مانند فقیر، ثروتمند، سالخورده و ... وقتی بخواهیم به صورت گروهی به همه کسانی که دارای این صفت

هستند اشاره کنیم.

Life can be very hard for the poor .

زندگی می‌تواند برای فقرا بسیار سخت باشد.

I think the rich should pay more taxes .

من فکر می‌کنم ثروتمندان باید مالیات بیشتری بپردازند.

توجه

ما در زبان انگلیسی معمولا برای اسمی خاص حرف تعریف استفاده نمی‌کنیم. (اما این موضوع استثناهایی نیز دارد که در ادامه

به آنها خواهیم پرداخت.)

William Shakespeare wrote Hamlet .

ویلیام شکسپیر هملت را نوشت.

Iran is in Asia .

ایران در آسیا است.

Paris is the capital of France .

پاریس پایتخت فرانسه است.

موارد استفاده از the با برخی اسامی خاص

۹- با اسامی کشورهایی که شامل واژه‌هایی همچون kingdom ، states یا republic هستند از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

the United Kingdom ; the Kingdom of Nepal ; the United States ; the People's Republic of China .

بریتانیای کبیر؛ پادشاهی نپال؛ ایالات متحده آمریکا؛ جمهوری خلق چین
۱۰- با اسامی کشورهایی که اسمشان جمع است از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

the Netherlands ; the Philippines

هلند، فیلیپین

۱۱- برای صحبت کردن درباره مشخصه‌های جغرافیایی مثل رشته کوه‌ها، جزایر، رودخانه‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها، تنگه‌ها و ... از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

the Himalayas ; the Canaries ; the Atlantic Ocean ; the Amazon ; the Panama Canal .

هیمالیا، جزایر قناری، اقیانوس اطلس، آمازون، تنگه پاناما.

۱۲- برای اسامی روزنامه‌ها از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

The Times ; The Washington Post

روزنامه تایمز، واشنگتن پست

۱۳- برای صحبت کردن درباره ساختمان‌های مشهور یا آثار هنری شناخته شده از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

the Empire State Building ; the Taj Mahal ; the Mona Lisa

ساختمان امپایر استیت؛ تاج محل، مونالیزا

۱۴- برای صحبت کردن درباره سازمان‌ها و انجمن‌ها و صنف‌ها و ... از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

the United Nations ; the European Union

سازمان ملل؛ اتحادیه اروپا

۱۵- برای اسم هتل‌ها، بارها و رستوران‌ها از حرف تعریف the استفاده می‌کنیم.

the Ritz ; the Ritz Hotel

نکته

اگر اسم رستوران یا هتل از اسم صاحب آن گرفته شده باشد دیگر از حرف تعریف the استفاده نمی‌کنیم.

Brown's ; Brown's Hotel ; Morel's ; Morel's Restaurant , etc .

۱۶- برای صحبت کردن درباره خانواده‌ها به نام خانوادگی، حرف تعریف the را اضافه می‌کنیم.

the Obamas ; the Jacksons

خانواده اوباما، خانواده جکسون (اوباماها، جکسونها)

نشانگرهای پرسشی

نشانگرهای پرسشی یا **Interrogative Determiners** در زبان انگلیسی دو تا هستند **what** و **which**. وقتی می‌خواهیم از بین گروهی خاص درباره چیز خاصی سوال بپرسیم از نشانگر **which** استفاده می‌کنیم. در واقع وقتی می‌خواهیم از بین دو چیز مشخص انتخاب کنیم با **which** سوال می‌پرسیم، مثلا:

Which restaurant did you go to , Italian or Indian ?

به کدام رستوران رفتی، ایتالیایی یا هندی؟
در مثال بالا مخاطب و گوینده سوال دو یا چند رستوران خاص مدنظر دارند و گوینده سوال می‌کند که مخاطب از بین آنها به کدام رستوران رفته است. اما وقتی بخواهیم راجع به گروهی، کلی سوال بپرسیم و چیزهای خاصی مدنظر ما نباشد از نشانگر سوالی **what** استفاده می‌کنیم.

What university did you go to ?

به کدام دانشگاه رفتی؟
اما اگر همین مثال بالا را بخواهیم محدودتر کنیم، مثلا بپرسیم به دانشگاه آکسفورد رفتی یا کلمبیا باید از **which** استفاده کنیم. لزومی ندارد پاسخ‌های مدنظر در متن سوال آورده شود، مثلا:

Which university did you go to ?

به کدام دانشگاه رفتی؟

نشانگرها

نشانگرها (**determiners**) واژه‌هایی هستند که در ابتدای اسم یا عبارت اسمی می‌آیند و نشان می‌دهند که آن اسم یا عبارت اسمی برای مخاطب تعریف شده (مشخص) و یا تعریف نشده (نامشخص) است.

بر همین اساس، نشانگرها به دو دسته تعریف شده (مشخص) و تعریف نشده (نامشخص) تقسیم‌بندی می‌شوند.

نشانگرهای تعریف شده (**Specific determiners**)

نشانگرهای تعریف شده به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱- حرف تعریف **The**

۲- ضمائر ملکی (**my, your, his, her, its; our, their, whose**)

۳- ضمائر اشاره (**this, that, these, those**)

۴- ضمیر پرسشی **Which**

ما زمانی از نشانگرهای تعریف شده استفاده می‌کنیم که خواننده یا شنونده دقیقاً بداند که ما داریم راجع به چه کسی یا چه چیزی صحبت می‌کنیم.

Can you pass me the salt please ?

می‌شود (آن) نمک را به من بدهی لطفاً؟

Look at those lovely flowers .

به آن گل‌های خوشگل نگاه کن.

نشانگرهای تعریف نشده (General determiners)

وقتی می‌خواهیم به طور کلی راجع به افراد یا چیزهایی صحبت کنیم و فرد خاص یا چیز خاصی مدنظر ما نیست، از نشانگرهای تعریف نشده (نامشخص) استفاده می‌کنیم. این نشانگرها در انگلیسی عبارتند از: **a; an; any; another; other; what**

لازم به ذکر است که وقتی می‌خواهیم به طور کلی راجع به چیزی یا افرادی صحبت کنیم سه راه داریم: یا می‌توانیم از اسامی غیر قابل شمارش استفاده کنیم یا اینکه یک اسم جمع را بدون نشانگر نامشخص بیاوریم یا اینکه یک اسم مفرد بعد از نشانگر تعریف نشده **a** و **an** بیاوریم.

Milk is very good for you . (اسم غیر قابل شمارش)

شیر برای شما مفید است.

Girls normally do better in school than boys . (اسم جمع بدون حرف تعریف)

دخترها معمولاً در مدرسه عملکرد بهتری نسبت به پسرها دارند.

A man climbing nearby saw the accident .

مردی که داشت در آن نزدیکی کوهنوردی می‌کرد حادثه را دید.

وقتی می‌خواهیم تمام اعضای گروه یک اسم را در نظر بگیریم و بگوییم همه افراد آن اسم به گونه‌ای خاص هستند از نشانگر تعریف نشده **any** همراه با یک اسم مفرد یا غیر قابل شمارش استفاده می‌کنیم.

It's very easy . Any child can do it . (= All children can do it)

خیلی کار آسانی است. هر بچه‌ای می‌تواند این کار را بکند.

وقتی می‌خواهیم از فرد یا چیزی اضافه بر چیز یا فرد ذکر شده نام ببریم از نشانگر تعریف نشده **another** استفاده می‌کنیم. شکل جمع این واژه **other** می‌باشد.

Would you like another glass of water ?

آیا یک لیوان دیگر آب میل دارید؟

I spoke to John , Helen and a few other friends .

من با "جان"، "هلن" و چند تا از دوستان دیگر صحبت کردم.

کمیت سنج‌ها

وقتی می‌خواهیم درباره مقدار یا تعداد چیزی اطلاعات بدهیم از کمیت‌سنج‌ها (**quantifiers**) استفاده می‌کنیم. کمیت‌سنج‌ها برای اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش متفاوت است. برخی کمیت‌سنج‌ها نیز مشترکاً برای اسامی غیر قابل شمارش و

قابل شمارش به کار می‌روند و به عبارتی خنثی هستند. گاهی اوقات ما می‌توانیم از کمیت‌سنج‌ها به جای نشانگرها (determiners) استفاده می‌کنیم. یعنی قبل از اسمی بی‌اوریم و اطلاعاتی درباره اسم ارائه دهیم. (برای اطلاعات بیشتر به بخش نشانگرها مراجعه کنید.)

" Most " children start school at the age of six .

بیشتر بچه‌ها از شش سالگی مدرسه رفتن را شروع می‌کنند.

We ate " some " bread and butter .

ما کمی نان و کره خوردیم.

We saw " lots of " birds .

ما پرندگان زیادی دیدیم.

در جدول زیر با کمیت‌سنج‌هایی آشنا می‌شویم که هم برای اسامی قابل شمارش و هم برای اسامی غیر قابل شمارش استفاده می‌شوند.

lots of	a lot of	less	enough	any	all
	some	none of	no	most	more

گاهی اوقات کمیت‌سنج‌ها به صورت عبارتی با حرف اضافه هستند، مانند a lot of.

- plenty of مقدار زیادی از
- heaps of انبوهی از
- a load of حجمی از
- loads of مقادیر زیادی از
- tons of مقادیر بسیار زیادی از

برخی از کمیت‌سنج‌ها تنها با اسامی "قابل شمارش" می‌آیند. به واژه‌های زیر نگاه کنید:

- both هر دو
- each هر کدام
- either هر دو
- few (A) برخی، چندتا
- fewer کم تر
- neither هیچ کدام
- several چندین

کمیت‌سنج‌هایی که با اسامی قابل شمارش به کار می‌روند گاهی اوقات به صورت عبارتی با حرف اضافه هستند، مثلاً:

- a couple of یک جفت
- hundreds of صدها

• thousands of هزاران

برخی از کمیت‌سنج‌ها تنها با اسامی "غیر قابل شمارش" می‌آیند. به واژه‌های زیر نگاه کنید:

- a little کمی
- (Not) much نه خیلی
- a bit of اندکی

نکته

با اسامی انتزاعی از قبیل زمان، پول، دردسر، مشکل و ... ما اغلب از دو اصطلاح کمیت‌سنج استفاده می‌کنیم.

- a great deal of یک عالم، مقدار زیادی
- a good deal of یک عالم، مقدار زیادی

وقتی می‌خواهیم درباره اعضای یک گروهی به طور کلی صحبت کنیم می‌توانیم قبل از اسم از یک کمیت‌سنج استفاده کنیم.

some snakes are dangerous .

برخی از مارها خطرناک هستند.

Both brothers work with their father .

هر دو برادر با پدرشان کار می‌کنند.

اما وقتی می‌خواهیم به طور خاصی از یک گروه افراد یا اشیا صحبت کنیم باید علاوه بر کمیت‌سنج از حرف تعریف the هم استفاده کنیم.

some of the snakes are dangerous .

برخی از این مارها خطرناک هستند.

All of the children live at home .

همه بچه‌ها در خانه زندگی می‌کنند.

نکته

توجه کنید که وقتی می‌خواهیم درباره دو چیز یا دو فرد صحبت کنیم از کمیت‌سنج‌های both و either و neither استفاده می‌کنیم. به جدول زیر نگاه کنید:

One supermarket	Two supermarkets	More than two supermarkets
The supermarket was closed .	Both the supermarkets were closed .	All the supermarkets were closed .
The supermarket wasn't open .	Neither of the supermarkets was open .	None of the supermarkets were open .
I don't think the supermarket was open .	I don't think either of the supermarkets was open .	I don't think any of the supermarkets were open .

دقت کنید که فعل جملاتی که در آن either و neither آمده است، به صورت مفرد است.

کمیت‌سنج‌های اسامی مفرد

در انگلیسی دو کمیت‌سنج (quantifier) داریم که با اسامی مفرد می‌آیند each و every. هرگاه این دو واژه قبل از اسمی بیایند، آن اسم شامل همه اعضای گروهش می‌شود. در فارسی این کمیت‌سنج‌ها به صورت "هر" یا "همه" ترجمه می‌کنیم.

Every shop was decorated with flowers .

= All the shops were decorated with flowers .

هر مغازه با گل تزیین شده بود. (همه مغازه‌ها با گل تزیین شده بودند).

Each child was given a prize . = All the children were given a prize .

به هر بچه جایزه‌ای داده شد. (به همه بچه‌ها جایزه‌ای داده شد).

ما از every برای صحبت کردن درباره روزهای هفته، روزهای خاص، هفته، ماه و سال استفاده می‌کنیم.

every year , every day , every Christmas .

هر سال، هر روز، هر کریسمس.

توجه

وقتی در جمله‌ای از every و each استفاده کردیم دیگر نمی‌توانیم از حرف تعریف (determiner) استفاده کنیم.

جمله وارہ، عبارت و جمله

در این بخش به طور خلاصه تعاریفی از جمله، جمله‌واره و عبارت در زبان انگلیسی ارائه می‌شود. در ادامه هر کدام از این مباحث در بخش مربوط به خود مفصل بررسی می‌شوند.

جمله‌واره (clause)

واحد اصلی تقسیم‌بندی جملات در دستور زبان انگلیسی جمله‌واره (clause) است. جمله‌واره‌ها از یک فاعل و فعل تشکیل می‌شوند و به دو دسته تقسیم می‌شوند: اگر مفهوم کاملی داشته باشند جمله‌واره مستقل یا اصلی (independent or main clause) و اگر به تنهایی معنای کاملی نداشته باشند جمله‌واره وابسته یا فرعی (dependent or subordinate clause) خوانده می‌شوند. مثال‌های زیر همگی جمله‌واره محسوب می‌شوند و دو تا دو تا یک جمله را تشکیل می‌دهند:

[An unlucky student almost lost a 17th century violin worth almost £200 , 000]

یک دانش آموز بدشانس تقریباً ویولنی قرن هفدهمی به ارزش ۲۰۰,۰۰۰ پوند را از دست داد ...

[when he left it in the waiting room of a London station .]

... وقتی آن را در اتاق انتظاری در ایستگاه لندن جا گذاشت.

[William Brown inherited the violin from his mother]

"ویلیام براون" ویولن را از مادرش به ارث برد ...

[and had just had it valued by a London dealer at £180 , 000 .]

... و به تازگی ارزش آن ویولن در مزایده‌ای در لندن ۱۸۰,۰۰۰ پوند مشخص شد.

عبارت (phrase)

عبارت ترکیبی از واژه‌هاست که به تنهایی معنای کاملی نمی‌دهند. از ترکیب عبارت‌ها، جمله‌واره و از ترکیب جمله‌واره‌ها جمله ساخته می‌شود. عبارت‌ها انواع مختلفی دارند، از قبیل عبارت اسمی، عبارت فعلی، عبارت حرف اضافه‌ای و ... اکنون مثال‌های بالا را به عبارت‌های تقسیم می‌کنیم:

[An unlucky student] + [almost lost] + [a 17th century violin worth almost £200 , 000]

یک دانش آموز بدشانس تقریباً ویولنی قرن هفدهمی به ارزش ۲۰۰,۰۰۰ پوند را از دست داد ...

[when] + [he] + [left] + [it] + [in the waiting room of a London station .]

... وقتی آن را در اتاق انتظاری در ایستگاه لندن جا گذاشت.

[William Brown] + [inherited] + [the violin] + [from his mother]

"ویلیام براون" ویولن را از مادرش به ارث برد ...

[and] [had just had it valued] + [by a London dealer] + [at £180 , 000 .]

... و به تازگی ارزش ویولن در مزایده‌ای در لندن ۱۸۰,۰۰۰ پوند مشخص شد.

جمله (sentence)

ما از ترکیب دو یا چند جمله‌واره جمله می‌سازیم. جمله‌ها فعل و فاعل دارند و به تنهایی معنای کامل و مستقلی ندارند. در زبان انگلیسی جمله‌ها با حرف اول بزرگ نوشته می‌شوند و انتهایشان نیز نقطه (.) گذاشته می‌شود.

An unlucky student almost lost a 17th century violin worth almost £200 , 000 when he left it in the waiting room of a London station .

یک دانش آموز بدشانس تقریباً ویولنی قرن هفدهمی به ارزش ۲۰۰,۰۰۰ پوند را از دست داد، وقتی آن را در اتاق انتظاری در ایستگاه لندن جا گذاشت.

William Brown inherited the violin from his mother and had just had it valued by a London dealer at £180 , 000 .

"ویلیام براون" ویولن را از مادرش به ارث برد و به تازگی آن ویولن در مزایده‌ای در لندن ۱۸۰,۰۰۰ پوند مشخص شد.

عبارت‌های اسمی

عبارت اسمی عبارتی است که حداقل از یک اسم یا ضمیر تشکیل می‌شود و در جمله می‌تواند یکی از نقش‌های فاعلی، مفعولی یا متممی را داشته باشد. شناختن عبارت‌های اسمی از این نظر اهمیت دارد که می‌توانیم جایگاه بخش‌های مختلف جمله را شناسایی کنیم. در مثال‌های زیر **people** و **I** و **my house** عبارت‌های اسمی محسوب می‌شوند:

People like to have money .

مردم دوست دارند پول داشته باشند.

I am tired .

من خسته‌ام.

My house is near the village .

خانه من نزدیک روستا است.

اهمیت شناخت عبارت اسمی

اهمیت شناخت عبارت اسمی از این نظر است که همه واژه‌های یک عبارت اسمی "یک" نقش در جمله دارند و موقع سوالی کردن یا جا به جا کردن عبارت اسمی باید دقت کنیم که همه واژه‌ها را جا به جا کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

That nine-year-old boy is playing .

آن پسر نه ساله دارد بازی می‌کند.

Is that nine-year-old boy playing ?

آیا آن پسر نه ساله دارد بازی می‌کند؟

عبارت‌های اسمی پیش‌رو

وابسته‌های پیش‌رو اسم‌ها یا نشانگرهایی هستند که پیش از هسته اسمی می‌آیند. یک عبارت اسمی می‌تواند به عنوان وابسته پیش‌رو یک نشانگر (determiner) داشته باشد. (اگر یک نشانگر کنار اسمی آمده باشد هر دو با هم عبارت اسمی را تشکیل می‌دهند) در مثال‌های زیر **our friends** و **those houses** عبارت‌های اسمی هستند:

Our friends have bought a house in the village .

دوست‌های ما خانه‌ای در روستا خریده‌اند.

Those houses are very expensive .

آن خانه‌ها خیلی گران‌قیمت هستند.

عبارت اسمی می‌تواند علاوه بر یک اسم و یک نشانگر یک یا چند صفت نیز داشته باشد، مثلاً **Our closest friends** و **a new house** در مثال زیر:

Our closest friends have just bought a new house in the village .

صمیمی‌ترین دوستان ما به تازگی در روستا خانه‌ای خریده‌اند.

عبارت اسمی می‌تواند با یک کمیت‌سنج (quantifier) آغاز می‌شود، در این صورت کمیت‌سنج هم عضو عبارت اسمی محسوب می‌شود، به مثال‌های زیر توجه کنید:

" All those children " go to school here .

همه آن بچه‌ها اینجا مدرسه می‌روند.

" Both of my younger brothers " are married .

هر دو برادر کوچکتر من متاهل هستند.

" Some people " spend a lot of money .

برخی مردم خیلی پول خرج می‌کنند.

نکته

در یک عبارت اسمی، کمیت‌سنج‌ها قبل از نشانگرها می‌آیند اما اعداد بعد از نشانگرها می‌آیند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

My four children go to school here .

چهار فرزند من اینجا به مدرسه می‌روند.

All my children go to school here .

همه بچه‌های من اینجا مدرسه می‌روند.

Those two suitcases are mine .

آن دو چمدان مال من است.

Both those suitcases are mine .

هر دوی این چمدانها مال من است.

ترتیب وابسته‌های پیش‌روی هسته اسمی

لیست زیر ترتیب فرارگیری وابسته‌های پیش‌روی هسته اسمی را به طور خلاصه نشان می‌دهد:

۱. اسم: people; money

۲. نشانگر + اسم: the village, a house, our friends; those houses

۳. کمیت‌سنج + اسم: some people; a lot of money

۴. نشانگر + صفت + اسم: our closest friends; a new house

۵. کمیت‌سنج + نشانگر + اسم: all those children

۶. کمیت‌سنج + نشانگر + صفت + اسم: both of my younger brothers

وابسته‌های پس‌روی هسته اسمی

برخی واژه‌ها و عبارتها در یک عبارت اسمی بعد از اسم می‌آیند و درباره آن اسم توضیح می‌دهند، به این نوع واژه‌ها و عبارات وابسته‌های پس‌رو (subordinate clause) می‌گویند. یک اسم می‌تواند وابسته‌های پس‌روی مختلفی داشته باشد. در ادامه با این وابسته‌ها آشنا می‌شویم:

عبارت حرف اضافه‌ای به عنوان وابسته پس‌رو

عبارت‌های حرف اضافه‌ای حتماً از ترکیب یک حرف اضافه با یک یا چند اسم تشکیل می‌شود. معمولاً از این عبارت برای توصیف یک اسم استفاده می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

a man " with a gun "

مردی با یک اسلحه

the boy " in the blue shirt "

پسری با پیراهن آبی

a loaf " of nice fresh brown bread "

یک قرص نان خوش طعم تازه قهوه‌ای

the house " on the corner "

خانه‌ای در کنج

عبارت-ing دار به عنوان وابسته پس‌رو

این عبارتها از ترکیب یک واژه-ing دار به علاوه یک یا چند واژه دیگر تشکیل می‌شوند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

the man " standing over there "

مردی که آن جا ایستاده

the boy " talking to Angela "

پسری که با آنجلا صحبت می‌کند

جمله‌واره موصولی به عنوان وابسته پس‌رو
جمله‌واره‌های موصولی جمله‌هایی وابسته‌ای هستند که معمولاً با ضمائر موصولی و **that** می‌آیند و به تنهایی معنایی ندارند.
به مثال‌های زیر توجه کنید:

the man " who we met yesterday "

مردی که دیروز دیدیم

the house " that Jack built "

خانه‌ای که "جک" ساخته

the woman " who discovered radium "

زنی که رادیوم را کشف کرده

جمله‌واره با **that** به عنوان وابسته پس‌رو
وقتی در جمله اسمی نظیر (idea ایده)، (fact حقیقت)، (belief باور)، (suggestion پیشنهاد) آمده باشد، برای توضیح این اسمی از جمله‌واره‌هایی با **that** استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

He's still very fit , in spite of " the fact that he's over eighty ."

او هنوز خیلی خوش هیكل است، علیرغم این حقیقت که او بالای هشتاد سال سن دارد.

She got the idea " that people didn't like her ."

او این فکر را داشت که مردم دوستش ندارند.

There was a suggestion " that the children should be sent home ."

پیشنهادی شد که بچه‌ها باید به خانه فرستاده شوند.

جمله‌واره با مصدر با **to** به عنوان وابسته پس‌رو
بعد از ضمائر نامعین مثلاً **nothing, somewhere, something** و ... باید از مصدر با **to** استفاده کنیم. زمانی از ضمائر نامعین استفاده می‌کنیم که بخواهیم در رابطه با چیزی یا کسی نامشخص و مبهم صحبت کنیم:

You should take " something to read " .

بهرتر است برای خواندن چیزی همراه ببری.

I need " somewhere to sleep " .

من به جایی برای خوابیدن نیاز دارم.

عبارت‌های اسمی پیچیده
یک اسم می‌تواند هم وابسته‌های پیش‌رو و هم وابسته‌های پس‌رو داشته باشد، یعنی علاوه بر داشتن صفت و نشانگر و کمیت‌سنج عبارت موصولی، عبارت حرف اضافه‌ای و قید و صفت نیز داشته باشد. به مثال‌هایی از این قبیل عبارات اسمی توجه کنید:

that attractive young woman in the blue dress sitting over there in the corner

آن زن جوان زیبا که لباس آبی پوشیده و آنجا در گوشه‌ای نشسته

the eight-year-old boy who attempted to rob a sweet shop with a pistol

پسر هشت ساله‌ای که تلاش کرد با اسلحه از مغازه آبنبات فروشی دزدی کند

عبارت های فعلی

عبارت های فعلی در زبان انگلیسی ساختارهای زیر را دارند:

۱- فعل اصلی که به صورت یک واژه می آیند. فعل می تواند حال ساده یا گذشته ساده. دقت کنید که فعلی که تنها یک واژه است زمان ساده (simple aspect) را نشان می دهد.

- are
- like
- saw
- laughed

۲- فعل کمکی be همراه با مصدر-ing دار افعال (gerund). این نوع ساختار افعال زمان استمراری (continuous aspect) را نشان می دهد.

- is laughing
- were watching

۳- فعل کمکی have و شکل سوم افعال. این نوع ساختار افعال، مفهوم زمان کامل (perfect aspect) را دارند. فعل کمکی have/has برای زمان حال کامل و فعل کمکی had برای گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می شود.

- have enjoyed
- has worked
- had finished

۴- فعل کمکی have به علاوه been و حالت-ing دار فعل اصلی جمله. فعل با have و been و حالت-ing دار فعل زمان کامل استمراری (perfect continuous aspect) را می سازد. فعل کمکی have/has حال کامل استمراری و فعل کمکی had گذشته کامل استمراری را می سازد.

- has been working
- had been singing
- have been playing

۵- فعل کمکی (modal verb) همراه با فعل اصلی. افعال مدال در انگلیسی عبارتند از:

may	could	can
shall	must	might
would	will	should

۶- ما می توانیم افعال کمکی (modal verbs) را همراه با فعل be و have یا have been به کار ببریم.

- will be listening

- might have arrived
- must have been listening

عبارت های حرف اضافه ای

یک عبارت حرف اضافه ای از یک حرف اضافه به علاوه یک عبارت اسمی درست می شود. ما از عبارت های حرف اضافه ای در کاربردهای بسیاری استفاده می کنیم که در ادامه به آنها می پردازیم:

بیان کردن مکان و زمان

برای نشان دادن زمان و مکان از حرف اضافه هایی که مخصوص نشان دادن زمان و مکان هستند (مثل in, to, on) ، استفاده می کنیم و بعد از آن عبارت های اسمی مکان و زمان می آوریم (برای اطلاعات بیشتر به بخش قیدهای مکان و زمان مراجعه کنید).

We will be back " in a few days " .

ما تا چند روز آینده برمی گردیم.

They drove " to Glasgow " .

آنها تا "گلاسکو" رانندگی کردند.

به عنوان وابسته پسرو اسم

برای توضیح دادن بیشتر درباره اسم از عبارت های حرف اضافه ای استفاده می کنیم. این عبارت های حرف اضافه ای وابسته های پسرو (subordinate phrase) هستند، یعنی معمولاً بعد از اسم می آیند:

Helen is the girl " in the red dress " .

"هلن" دختری است که پیراهن قرمز پوشیده است.

We've got a new television " with a thirty one inch screen " .

ما تلویزیون جدیدی با صفحه نمایش سی و یک اینچی خریده ایم.

نشان دادن کننده کار

برای نشان دادن کننده کار از حرف اضافه by به علاوه فاعل جمله استفاده می کنیم. (معمولاً در جملات مجهول از این نوع عبارت حرف اضافه ای برای نشان دادن فاعل جمله استفاده می کنیم).

The lion was killed " by the hunter " .

شیر توسط شکارچی کشته شد.

I saw a wonderful painting " by Van Gogh " .

من یک نقاشی فوق العاده از ون گوگ دیدم.

با افعال دو مفعولی

با تعداد زیادی از افعال دو مفعولی (مثل give و get و send و ...) می توانیم مفعول غیرمستقیم را با حرف اضافه به علاوه عبارت اسمی بسازیم. به مثال های زیر توجه کنید:

We gave five pounds " to the woman " " on the corner " .

ما پنج پوند به خانمی که در گوشه ایستاده بود دادیم.

They got a drink " for me " .

آنها برای من نوشیدنی خریدند.

با واژه‌های نیازمند به حرف اضافه

برخی اسم‌ها، افعال یا صفات در زبان انگلیسی همیشه وقتی با یک حرف اضافه خاص بیایند، معنی متفاوتی خواهند داشت. به مثال‌های زیر توجه کنید:

The book " belongs to " me .

این کتاب متعلق به من است.

I had an " argument with " my brother .

من با برادرم بحث کردم.

I feel " sorry for " you .

من برای تو متأسف هستم.

ساختار جمله واره

یکی از اصلی‌ترین واحدهای دستوری که برای تقسیم‌بندی جملات استفاده می‌شود، جمله‌واره (clause) است که به واحدی کوچک‌تر از جمله گفته می‌شود. در واقع یک جمله ساده خود از یک جمله‌واره درست شده است، چون تمام جمله‌واره‌ها در انگلیسی حداقل دو بخش دارند: یک عبارت اسمی یا نهاد (a noun phrase) و یک عبارت فعلی یا گزاره (a verb phrase). در جدول زیر دو جمله‌واره می‌بینیم:

عبارت اسمی	عبارت فعلی
The children	laughed
All the people in the bus	were watching

اما امکان هم دارد که جمله‌واره‌ها بیشتر از دو قسمت داشته باشند. به مثال‌ها توجه کنید:

عبارت اسمی (فاعل)	عبارت فعلی		
The children	laughed		
John	wanted	a new bicycle	
All of the girls	are learning	English	
This soup	tastes	awful	
Mary and the family	were driving	to Madrid	
She	put	the flowers	in a vase

همانطور که در جدول بالا دیدید اولین عبارت اسمی در جمله‌واره، فاعل آن جمله‌واره محسوب می‌شود. دقت داشته باشید که جمله‌واره‌های انگلیسی همیشه باید فاعل داشته باشند.

His father has just retired . Was a teacher . (نادرست)

در این مثال که نادرست است، می‌بینیم که جمله‌واره دوم فاعل (he ندارد).

His father has just retired . He was a teacher . (درست)

توجه

در بخش بالا توضیح داده شد که جمله‌واره‌ها همیشه باید فاعل داشته باشند. این موضوع استثنا دارد و آن هم برای جملات امری و جملات شبه امری مانند دعوت و درخواست است که فاعل ندارند:

Stop !

بس کن!

Go away .

دور شو.

Please come to dinner tomorrow .

لطفا فردا شام تشریف بیاورید.

Play it again please .

لطفا دوباره آن را بنوازید.

ضمایر مصنوعی

اگر جمله‌واره به گونه‌ای باشد که فاعل مشخصی نداشته باشد باید از ضمایر مصنوعی (dummy subject) استفاده کنیم، مانند **it** و **there**. این ضمایر معنای خاصی ندارند و تنها با این هدف می‌آیند که جمله‌واره با داشتن فاعل کامل شود. (برای اطلاعات بیشتر به بخش ضمایر مصنوعی مراجعه کنید.)

It's a lovely day .

روز قشنگی است.

There were twenty people at the meeting ..

بیست نفر در جلسه حضور خواهند داشت.

I have toothache . It hurts a lot .

من دندان درد دارم. خیلی درد می‌کند.

There will be an eclipse of the moon tonight .

امشب خسوف ماه خواهد بود.

It's nearly one o'clock .

ساعت تقریباً یک است.

جمله‌واره‌های موصولی

جمله‌واره‌های موصولی برای ایجاد و ارائه اطلاعات بیشتر در جمله استفاده می‌شود. این اطلاعات می‌تواند تعریف یک چیز باشد یا ارائه‌دهنده اطلاعات غیر ضروری اضافه شده به جمله (جمله‌واره معترضه) باشد. برای بررسی جمله‌واره‌های موصولی ابتدا باید با ضمایر موصولی آشنا شویم. ضمایر موصولی یا به عبارت دیگر ضمایر نسبی (Relative Pronouns) ضمایری هستند که از آنها برای نشان دادن رابطه یک اسم با موضوعی خاص استفاده می‌شود. (برای اطلاعات بیشتر به درس ضمایر موصولی مراجعه کنید.)

ضمیر موصولی فاعلی	ضمیر موصولی مفعولی	ضمیر موصولی ملکی
who	whom , who	whose
which	which	whose
that	that	

ما از **who** و **whom** برای صحبت کردن درباره انسان و از **which** برای صحبت کردن درباره غیر انسان استفاده می‌کنیم .
that خنثی است، هم برای انسان و هم غیر انسان کاربرد دارد. ما در ابتدای جمله‌واره‌های موصولی از یکی از این ضمائر موصولی استفاده می‌کنیم تا اطلاعاتی اضافی درباره چیزی یا شخصی ارائه دهیم.

جمله‌واره موصولی برای اطلاعات دادن درباره اسم
ما از ضمائر موصولی برای دادن اطلاعات اضافی درباره اسم استفاده می‌کنیم. جمله‌واره موصولی بعد از اسم می‌آید و مشخص می‌کند ما داریم درباره کدام شخص یا کدام چیز صحبت می‌کنیم. در این جمله‌واره‌ها ما می‌توانیم از ضمائر موصولی **who** و **which** و **whose** و **that** استفاده کنیم.

جمله‌واره موصولی در نقش فاعل
این نوع جمله‌واره‌ها بعد از **who** و **that** برای انسان و بعد از **which** و **that** برای غیر انسان می‌آیند و توضیح بیشتری راجع به فاعل جمله ارائه دهند. به مثال‌ها توجه کنید:

Isn't that the woman who lives across the road from you ?

آیا این همان خانمی نیست که آن طرف خیابان شما زندگی می‌کند؟

The police said the accident that happened last night was unavoidable .

پلیس گفت که تصادفی که دیشب رخ داد اجتناب‌ناپذیر بود.

The newspaper reported that the tiger which killed its keeper has been put down .

روزنامه گزارش داد که ببری که نگهبانش را کشته بود با دارو کشته شد.

توجه کنید

توجه کنید که ضمیر موصولی در نقش فاعل است و دیگر در جمله‌واره نباید ضمیر فاعلی بیاوریم یا اسم فاعل را تکرار کنیم. در مثال اول که نادرست است، می‌بینیم که بعد از **who** دیگر لازم نیست **she** بیاوریم، چون **who** خود ضمیر جمله‌واره است و به جای **she** آمده است:

The woman who she lives across the road . (نادرست)

The woman who lives across the road . (درست)

جمله‌واره موصولی در نقش مفعول

این نوع جمله‌واره‌ها بعد از **(who)m** و **that** برای انسان و بعد از **which** و **that** برای غیر انسان به کار می‌روند و توضیح بیشتری راجع به مفعول جمله ارائه می‌دهند. به مثال‌ها توجه کنید:

Have you seen those people who we met on holiday ?

آیا افرادی را که ما در تعطیلات دیدیم ملاقات کرده‌اید؟

You shouldn't believe everything that you read in the newspaper .

شما نباید هر چیزی را که در روزنامه می‌خوانید باور کنید.

The house that we rented in London was fully furnished .

خانه‌ای که در لندن اجاره کردیم کاملا مبله بود.

The food was definitely the thing which I enjoyed most about our holiday .

غذا واقعا چیزی بود که من بیشتر از همه در تعطیلات ازش لذت بردم.

گاهی اوقات و خیلی به ندرت به جای **who** از **whom** در نقش مفعول استفاده می‌کنیم. در دستور زبان قدیمی انگلیسی **whom** ضمیر مفعولی بود، اما این ضمیر کم‌کم دارد از بین می‌رود و **who** جای آن را می‌گیرد:

Have you seen those people whom we met on holiday ?

آیا افرادی را که ما در تعطیلات دیدیم ملاقات کرده‌اید؟

نکته

وقتی ضمیر موصولی در نقش مفعول در جمله‌واره **that** و **which** باشد، اغلب می‌توانیم آن را حذف کنیم:

Have you seen those people we met on holiday ?

آیا افرادی را که در تعطیلات دیدیم ملاقات کرده‌اید؟

You shouldn't believe everything you read in the newspaper .

شما نباید هر چیزی که در روزنامه می‌خوانید را باور کنید.

The house we rented in London was fully furnished .

خانه‌ای که در لندن اجاره کردیم کاملا مبله بود.

توجه کنید

توجه کنید که ضمیر موصولی در نقش مفعول است و دیگر نباید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. در مثال اول می‌بینیم که بعد از **who** که خود ضمیر مفعولی است و به جای مفعول جمله آمده از **we** استفاده کرده که اشتباه است:

Have you seen those people who we met them on holiday ? (نادرست)

Have you seen those people who we met on holiday ? (درست)

جمله‌واره موصولی در نقش متمم

گاهی اوقات ضمیر موصولی در نقش متمم (**complement**) می‌آید. اگر جمله‌واره موصولی فعلی داشته باشد که با حرف اضافه بیاید در این کاربرد معمولا حرف اضافه را بعد از فعل و در انتهای جمله‌واره موصولی می‌آوریم. به مثال‌ها توجه کنید:

Who was the woman who you were talking to?	You were talking to a woman.
That's the house that my parents live in.	My parents live in that house.

نکته

وقتی ضمیر موصولی در نقش متمم در جمله‌واره ظاهر شود، اغلب می‌توانیم آن را حذف کنیم:

Who was the woman you were talking to ?

خانمی که داشتید با او صحبت می کردید چه کسی بود؟

That's the house my parents live in .

آن خانه‌ای است که والدینم در آن زندگی می کنند.

وقتی ما از whom و which و whose در جمله‌واره‌ای استفاده می کنیم که فعل آن حرف اضافه داشته باشد، می توانیم حرف اضافه را در ابتدای جمله‌واره بیاوریم. این نوع جمله‌ها بیشتر در مکالمات و زبان محاوره‌ای به کار می رود. به مثال‌ها نگاه کنید:

I haven't read the book about which you were talking .

من کتابی را که درباره‌اش صحبت می کردی نخوانده‌ام.

جمله‌واره موصولی برای نشان دادن مالکیت

برای نشان دادن مالکیت چیزی می توانیم از جمله‌واره موصولی با whose استفاده کنیم. یعنی وقتی می خواهیم درباره چیزی یا کسی که متعلق به اسمی در جمله است صحبت کنیم بعد از اسم، whose می آوریم. به مثال‌ها توجه کنید:

I met a man whose brother works in Moscow .

من مردی را دیدم که برادرش در مسکو کار می کند.

That's the woman whose name I always forget .

او خانمی است که من همیشه اسمش را فراموش می کنم.

جمله‌واره‌های موصولی برای بیان زمان و مکان

از قیدهای when و where می توانیم جمله‌واره‌های موصولی بسازیم و برای دادن اطلاعات اضافی درباره زمان و مکان چیزی استفاده کنیم و مشخص کنیم چیزی که درباره‌اش صحبت می کنیم کی و در کجا رخ می دهد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

England won the world cup in 1996 . It was the year when we got married .

انگلستان جام جهانی ۱۹۹۶ را برد. همان سالی بود که ما ازدواج کردیم.

I remember my twentieth birthday . It was the day when the tsunami happened .

من بیستمین تولدم را یادم می آید. روزی بود که سونامی اتفاق افتاد.

Do you remember the place where we caught the train ?

جایی را که ما توانستیم سوار قطار شویم را یادت می آید؟

Stratford-upon-Avon is the town where Shakespeare was born .

استراتفورد شهری است که شکسپیر در آن به دنیا آمد.

نکته

ما می توانیم قید when را در این کاربرد حذف کنیم:

England won the world cup in 1996 . It was the year we got married .

انگلستان جام جهانی ۱۹۹۶ را برد. همان سالی بود که ما ازدواج کردیم.

I remember my twentieth birthday . It was the day the tsunami happened .

من بیستمین تولدم را یادم می آید. روزی بود که سونامی اتفاق افتاد.

جمله معترضه

جمله معترضه همان جمله‌واره موصولی است، با این تفاوت که جمله‌ای است که یا بین دو ویرگول یا در انتهای جمله می‌آید و می‌تواند از جمله حذف شود و این حذف شدن هیچ اثری بر معنای کلی جمله نمی‌گذارد. جمله معترضه در زبان انگلیسی با ضمائر موصولی **who** و **whom** و **whose** و **which** برای صحبت کردن درباره یک چیز یا شخص استفاده می‌شود. (اما از **that** نمی‌توانیم در این کاربرد استفاده کنیم).

جمله معترضه برای فاعل هر وقت بخواهیم اطلاعاتی اضافی درباره فاعل جمله بدهیم که حذفش هیچ آسیبی به معنای کلی جمله نمی‌رساند، بعد از فاعل، جمله‌واره‌ای موصولی می‌آوریم. این جمله‌واره یا باید بین دو ویرگول بیاید یا اگر در انتهای جمله بود قبلش یک ویرگول بگذاریم. به مثال‌ها توجه کنید:

My uncle , who was born in Hong Kong , lived most of his life overseas .

عموی من، که در هنگ کنگ به دنیا آمده بود، بیشتر عمرش را خارج کشور زندگی کرد.

توجه

توجه کنید که ضمیر موصولی در جمله‌واره در نقش فاعل است و دیگر نباید از ضمیر فاعلی استفاده کنیم.

My uncle , who he was born in Hong Kong , lived most of his life overseas .

(نادرست)

در این مثال که نادرست است، می‌بینیم که بعد از **who** که خود ضمیر است و به جای **he** آمده دوباره ضمیر **he** تکرار شده است.

My uncle , who was born in Hong Kong , lived most of his life overseas . (درست)

جمله معترضه برای مفعول

هر وقت بخواهیم اطلاعاتی اضافی درباره مفعول جمله بدهیم که حذفش هیچ آسیبی به معنای کلی جمله نمی‌رساند، بعد از مفعول جمله‌واره‌ای موصولی می‌آوریم. این جمله‌واره یا باید بین دو ویرگول بیاید یا اگر در انتهای جمله بود قبلش یک ویرگول بگذاریم. به مثال‌ها توجه کنید:

We saw the latest Harry Potter film , which we really enjoyed .

ما جدیدترین فیلم هری پاتر را دیدیم، که خیلی از آن لذت بردیم.

My favorite actor is Marlon Brando , who I saw in "On the Waterfront" .

هنرپیشه مورد علاقه من مارلون براندو است، که من در فیلم "در بارانداز" دیدم.

گاهی اوقات و خیلی به ندرت به جای **who** از **whom** در نقش مفعول استفاده می‌کنیم. در دستور زبان قدیمی انگلیسی **whom** ضمیر مفعولی بود اما این ضمیر کم‌کم دارد از بین می‌رود و **who** جای آن را می‌گیرد:

My favorite actor was Marlon Brando , whom I saw in "On the Waterfront" .

هنرپیشه مورد علاقه من مارلون براندو است، که من در فیلم "در بارانداز" دیدم.

توجه کنید

توجه کنید که ضمیر موصولی در جمله‌واره در نقش مفعول است و دیگر نباید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. در مثال اول که نادرست است می‌بینیم که بعد از **which** که خود ضمیر است و به جای **we** آمده دوباره ضمیر **we** تکرار شده است:

We saw the latest Harry Potter film , which we really enjoyed it . (نادرست)

We saw the latest Harry Potter film , which we really enjoyed . (درست)

جمله معترضه برای متمم

هر وقت بخواهیم اطلاعاتی اضافی درباره متمم جمله بدهیم که حذفش هیچ آسیبی به معنای کلی جمله نمی‌رساند، بعد از ضمیر موصولی، جمله‌واره‌ای موصولی می‌آوریم که فعل آن دارای حرف اضافه است. این جمله‌واره یا باید بین دو ویرگول بیاید یا اگر در انتهای جمله بود قبلش یک ویرگول بگذاریم. به مثال‌ها توجه کنید:

He decided to telephone Mrs . Jackson , who he had read about in the newspaper .

او تصمیم گرفت به خانم "جکسون"، که راجع به او در روزنامه خوانده بود، تلفن کند.

That's the program which we listened to last night .

این برنامه‌ای است که ما دیشب به آن گوش دادیم.

گاهی اوقات و خیلی به ندرت به جای **who** از **whom** در نقش متمم استفاده می‌کنیم. در دستور زبان قدیمی انگلیسی **whom** ضمیر مفعولی بود اما این ضمیر کم‌کم دارد از بین می‌رود و **who** جای آن را می‌گیرد:

He decided to telephone Mrs . Jackson , whom he had read about in the newspaper .

او تصمیم گرفت به خانم "جکسون"، که راجع به او در روزنامه خوانده بود، تلفن کند.

وقتی ما از **whom** و **which** استفاده می‌کنیم، حرف اضافه می‌تواند در ابتدای جمله‌واره بیاید. این ساختار بیشتر در حالت محاوره اتفاق می‌افتد. به مثال‌ها توجه کنید:

He decided to telephone Mrs . Jackson , about whom he had read in the newspaper .

او تصمیم گرفت به خانم "جکسون"، که راجع به او در روزنامه خوانده بود، تلفن کند.

That's the program to which we listened last night .

این برنامه‌ای است که ما دیشب به آن گوش دادیم.

کمیت‌سنج‌ها و اعداد با ضمائر موصولی

ما اغلب با ضمائر موصولی می‌توانیم از کمیت‌سنج‌ها (quantifiers) و اعداد استفاده کنیم، مثلاً:

- many of whom (بیشتر آنها)
- most of whom (بیشتر آنها)
- one of which (یکی از آنها)
- none of whom (هیچ‌کس از آنها)
- some of which (بعضی از آنها)
- lots of whom (خیلی از آنها)
- two of which (دو تا از آنها)

این ساختارها می‌توانند در نقش‌های فاعلی، مفعولی و متمم ظاهر شوند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

She has three brothers , two of whom are in the army .

او سه برادر دارد، دو تایشان در ارتش هستند.

I read three books last week , one of which I really enjoyed .

من هفته پیش سه کتاب خواندم، از یکی از آنها واقعا لذت بردم.

There were some good programs on the radio , none of which I listened to .

چند برنامه خوب از رادیو پخش می شد، به هیچکدام از آنها گوش نکردم.

جمله‌واره موصولی برای توصیف یک جمله

می‌توانیم از ضمیر موصولی which علاوه بر توضیح دادن درباره یک اسم، برای دادن اطلاعات بیشتر درباره یک جمله‌واره هم

استفاده کنیم، مثلا برای جمله‌واره دلیل بیاوریم. در مثال‌های زیر کلمه which درباره جمله‌واره اول توضیح بیشتر داده است

و یا علت وقوع یک جمله‌واره را بیان کرده است:

He was usually late , which always annoyed his father .

او معمولا دیر می کرد، که همیشه پدرش را عصبانی می کرد.

We've missed our train , which means we may be late .

ما از قطارمان جا ماندیم، که یعنی ممکن است دیر برسیم.

جمله‌واره های wh-

کلمه‌های wh- دار در زبان انگلیسی عبارتند از what, when, where, who, which, why و how. غیر از

سوالات بله/خیر که بدون واژه پرسشی ساخته می‌شوند، تمام سوالات در زبان انگلیسی با این هفت واژه ساخته می‌شوند.

نحوه ساختن سوال با کلمات wh

برای ساختن جمله پرسشی با واژه‌های wh ابتدا باید جمله خبری را به پرسشی تبدیل کنیم، یعنی جای فاعل و فعل کمکی را

عوض می‌کنیم. بعد قسمتی از جمله که می‌خواهیم درباره‌اش سوال بپرسیم را حذف می‌کنیم و در نهایت واژه پرسشی مورد نظر

را در ابتدای جمله می‌آوریم. به مثال‌های زیر نگاه کنید:

جمله خبری	جمله پرسشی	
He is reading a book .	What is he doing ?	
He goes to school .	Where does he go ?	
wh مقایسه کلمات پرسشی		
کلمه پرسشی	کاربرد	معادل فارسی
What	برای سوال کردن درباره چیزها	چه
Where	برای سوال کردن درباره مکان چیزی یا کسی	کجا
When	برای سوال کردن درباره زمان وقوع چیزی	کی، چه زمانی

معادل فارسی	کاربرد	کلمه پرسشی
کی، چه کسی	برای سوال کردن درباره انجام دهنده فعل	Who
چرا	برای سوال کردن درباره چرایی چیزی	Why
چگونه، چطور	برای سوال کردن درباره چگونگی وقوع چیزی	How
کدام	برای سوال کردن درباره انتخاب بین دو یا چند چیز	Which

کلمه پرسشی who

با کلمه پرسشی who می توان درباره فاعل و مفعول جمله سوال پرسید. جمله سوالی با who که در رابطه با فاعل جمله به کار می رود با سایر جملات پرسشی wh فرق دارد. این کلمه نقش ضمیر دارد و در جمله در جایگاه ضمیر ظاهر می شود. یعنی برای سوالی کردن جمله با who لازم نیست جمله خبری به پرسشی تبدیل شود؛ فقط فاعل حذف می شود و who جای فاعل در ابتدای جمله قرار می گیرد.

جمله خبری	جمله پرسشی
I ate all the pies .	Who ate all the pies ?
She is coking dinner .	Who is cooking dinner ?

وقتی بخواهیم درباره مفعول جمله سوال بپرسیم واژه who مانند سایر واژه های wh ساخته می شود، یعنی جای فعل و فاعل جمله خبری را عوض می کنیم، مفعول جمله را حذف می کنیم و بعد who را در ابتدای جمله قرار می دهیم. در دستور زبان های قدیمی تر انگلیسی از whom استفاده می کردیم اما این واژه دیگر کاربردی ندارد و ما از who استفاده می کنیم. به مثال های زیر نگاه کنید:

جمله خبری	جمله پرسشی
She is calling her friend .	Who is she calling ?
He was making cake .	What was he making ?

کلمه پرسشی how

کلمه پرسشی how به تنهایی به معنای "چگونه" و "چطور" است. این کلمه پرسشی می تواند با سایر قیده ها همراه شود و کلمات پرسشی جدیدی بسازد. به چند نمونه از این کلمات پرسشی توجه کنید:

- how many (چه تعداد)
- how much (چه مقدار)
- how far (چقدر دور، چقدر فاصله)
- how long (چه مدت)
- how often (چند بار، هر چند وقت)
- how many times (چند بار)

کلمات پرسشی what و which

از کلمات پرسشی what و which برای سوال کردن درباره انتخاب بین دو یا چند چیز استفاده می‌شود. معمولاً بعد از کلمات پرسشی what و which یک اسم می‌آید (مثل which one یا what color). این دو کلمه تفاوت‌هایی هم با هم دارند. هرگاه بخواهیم از بین دو یا چند چیز مشخص یکی را انتخاب کنیم از which استفاده می‌کنیم ولی اگر بخواهیم بین دو یا چند چیز که به طور خاص مشخص نشده‌اند انتخاب کنیم از what استفاده می‌کنیم. برای روشن شدن این موضوع به مثال‌ها توجه کنید:

Which is the capital of Liberia ? Monrovia or Greenville ?

پایتخت لیبری کدام است؟ مونروویا یا گرینویل؟

What's the capital of Liberia ?

پایتخت لیبری چیست؟

ساختار کوتاه جمله وارده ها

در این درس با ساختارهای کوتاه جمله‌واره‌ها و انواع کاربردهایشان آشنا می‌شویم. یکی از ساختارهای جمله‌واره‌های کوتاه در زبان انگلیسی پاسخ کوتاه به سوال‌های بله/خیر است.

پاسخ کوتاه

در زبان انگلیسی برای پاسخ دادن به یک سوال بله/خیر دو راه وجود دارد: یا می‌توانیم کامل و بلند جواب دهیم یا می‌توانیم پاسخ کوتاه دهیم. در پاسخ کوتاه ما بعد از yes یا no به ترتیب از یک ضمیر و یک فعل کمکی یا مدال استفاده می‌کنیم، اگر جواب منفی باشد فعل به صورت منفی می‌آید (به آن not اضافه می‌شود).

A : Can you come round tomorrow ?

می‌توانی فردا این طرفی بیایی؟

B : Yes , I can .

بله، می‌توانم.

C : No , I can't .

نه، نمی‌توانم.

A : Have you seen Jack lately ?

آیا اخیراً "جک" را دیده‌ای؟

B : Yes , I have .

بله، دیده‌ام.

C : No , I haven't .

نه، ندیده‌ام.

A : Do you like living here ?

اینجا زندگی کردن را دوست داری؟

B : Yes , I do .

بله، دارم.

C : No , I don't .

نه، ندارم.

برخی جمله‌واره‌های کوتاه با افعالی نظیر think و suppose و expect و hope ساخته می‌شوند که در پاسخ کوتاه به سوالات می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. وقتی جواب مثبت باشد بعد از فعل، واژه so را می‌آوریم (I expect so, I hope so) و اگر جواب منفی باشد قبل از فعل، don't یا doesn't می‌آوریم (I don't think so, I don't suppose so) فعل hope تفاوتی با بقیه دارد و آن هم این است که در پاسخ منفی تنها از واژه not استفاده می‌کنیم.

A : Can you come tomorrow ?

می‌توانی فردا بیایی؟

B : I hope so .

امیدوارم (بتوانم).

A : Will they be at home ?

آیا آنها خانه خواهند بود؟

B : I expect so .

اینطور فکر می‌کنم.

A : Is Amsterdam the capital of the Netherlands ?

آیا آمستردام پایتخت هلند است؟

B : I don't think so .

فکر نمی‌کنم.

A : Do you think it's going to rain ?

فکر می‌کنی قرار است باران ببارد؟

B : I hope not .

امیدوارم نبارد.

بعضی جمله‌واره‌های کوتاه از قیده‌های احتمال مانند perhaps, probably, possibly, maybe, definitely و certainly تشکیل می‌شوند که در جواب‌های کوتاه می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. اگر جواب ما منفی باشد بعد از این قیده‌ها not می‌آوریم:

A : Do you think it's going to rain ?

آیا فکر می‌کنی قرار است باران ببارد؟

B : Yes , possibly .

بله، احتمالاً.

A : Can you come round tomorrow ?

می‌توانی فردا این طرفی بیایی؟

B : Definitely !

قطعاً!

A : Do you think it's going to rain ?

فکر می‌کنی قرار است باران ببارد؟

B : Probably not .

احتمالاً نه.

A : Can you come round tomorrow ?

می توانی فردا این طرفی بیایی؟

B : Maybe not .

احتمالا نه.

ما می توانیم با دادن پاسخ کوتاه با گفته کسی موافقت یا مخالفت کنیم. معمولا برای این کاربرد از اولین واژه در عبارت فعلی استفاده می کنیم:

A : It's a lovely day .

روز قشنگی است.

B : Yes , it is .

بله، همین طور است.

A : I think they might have missed their train .

فکر می کنم آنها احتمالا از قطارشان جا مانده اند.

B : Yes , I think they might .

بله، فکر می کنم همینطور شده است.

A : The children will be coming to see us next week .

بچه ها هفته آینده به دیدن ما خواهند آمد.

B : No they won't . They are going to their grandparents .

نه نمی آیند. آنها قرار است به خانه پدربزرگ و مادربزرگشان بروند.

در زمان حال ساده برای دادن پاسخ کوتاه از do/does/don't/doesn't استفاده می کنیم، do, does برای پاسخ مثبت و don't و doesn't برای پاسخ منفی:

A : Your grandmother looks very well .

مادربزرگت خیلی خوب به نظر می رسد.

B : Yes , she does .

بله، همین طور است.

A : I think Jack lives here .

فکر می کنم "جک" اینجا زندگی می کند.

B : No he doesn't .

نه، اینطور نیست.

A : Everybody really enjoyed the trip .

همه واقعا از سفر لذت بردند.

B : Yes , they did .

بله، همین طور است.

A : The children went to Malaysia last year .

بچه ها پارسال به مالزی رفتند.

B : No they didn't . They went to Singapore .

نه، اینطور نیست. آنها به سنگاپور رفتند.

ضمایم پرسشی (question tags)

گاهی اوقات در انتهای پرسش یا نظر، از ضمائم پرسشی (question tags) استفاده می‌کنیم. این کاربرد بیشتر در حالت محاوره به کار می‌رود. ضمائم پرسشی از جمله پرسشی ساده و کوتاه درست می‌شود، یعنی جای فعل کمکی و فاعل عوض می‌شود.

توجه داشته باشید اگر جمله مثبت بود از ضمیمه کوتاه منفی و اگر جمله منفی بود از ضمیمه کوتاه مثبت استفاده می‌کنیم. اگر در پاسخ به سوالی از ضمائم پرسشی استفاده می‌کنیم لزومی ندارد علامت سوال در انتهای آن قرار دهیم. ابتدا با مثال‌هایی از کاربرد ضمائم پرسشی در انتهای پاسخ یا نظر نگاه کنید:

A : It's a lovely day .

روز قشنگی است.

B : Yes , it is , isn't it .

بله، همین طور است، مگر نه؟

A : Your grandmother looks very well

مادربزرگ خیلی سرحال به نظر می‌رسد.

B : Yes , she does , doesn't she .

بله، همین طور است، مگر نه؟

A : They didn't seem to enjoy the trip very much .

به نظر می‌رسد آنها زیاد از سفر لذت نبردند.

B : They didn't , did they .

نه نبردند، (مگر) نه؟

A : It's not a very nice day .

روز خیلی قشنگی نیست.

B : No , it isn't , is it .

همینطور است، (مگر) نه؟

در اینجا مثال‌هایی از استفاده از ضمائم پرسشی در انتهای پرسش می‌بینیم. در اینجا هم اگر جمله مثبت بود از پرسش کوتاه منفی و اگر جمله منفی بود از پرسش کوتاه مثبت استفاده می‌کنیم:

It's a lovely day , isn't it ?

روز قشنگی است، (مگر) نه؟

Your grandmother looks very well , doesn't she ?

مادربزرگ شما خیلی سرحال به نظر می‌رسد، اینطور نیست؟

They haven't done much , have they ?

آنها کار زیادی نکرده‌اند، (مگر) نه؟

They all seemed to enjoy the trip , didn't they ?

به نظر می‌رسد آنها همه از سفر لذت بردند، اینطور نیست؟

نوع دیگری از ضمیمه‌ها (tags) وجود دارد که با استفاده از so و neither و nor ساخته می‌شوند. در صورتی که بخواهیم نظر یا پاسخ مثبتی بدهیم از SO استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

A : John is working in Barcelona .

"جان" در بارسلونا کار می‌کند.

B : And so is Maria .

"ماریا" هم همینطور.

A : I love Indian food .

من عاشق غذای هندی هستم.

B : So do I .

منم همینطور.

A : They've just bought a new computer .

آنها به تازگی کامپیوتر جدیدی خریده‌اند.

B : Really ? So have we .

واقعا؟ ما هم همینطور.

اگر بخواهیم نظر یا پاسخ منفی بدهیم از واژه‌های neither و nor استفاده می‌کنیم:

A : I don't smoke any more .

من دیگر سیگار نمی‌کشم.

B : Neither do I .

منم همینطور.

A : They haven't written to us for ages .

آنها سال‌هاست که برای ما نامه ننوشته‌اند.

B : Nor has Peter .

"پیترا" هم همینطور. [او هم نامه ننوشته است.]

A : We won't be taking a holiday this year .

ما امسال تعطیلات نخواهیم داشت.

B : Neither will we .

ما هم همینطور.

A : I never have time for breakfast .

من هیچوقت برای صبحانه وقت ندارم.

B : Nor have I .

منم همینطور.

گزاره های نقل قول

در این درس می‌خواهیم درباره گزاره‌های نقل قول صحبت کنیم. نقل قول در زبان انگلیسی تنها بیان کردن نظرات یک نفر نیست، بلکه برای نشان دادن و بازگو کردن هر نوع عمل فکری (مثلا (guess, decide, think) و هر نوع عمل کلامی (مثلا (promise, threaten, explain) باید از گزاره‌های نقل قول (reporting language) استفاده کنیم. ما در زبان انگلیسی به دو نوع می‌توانیم نقل قول کنیم: نقل قول مستقیم و نقل قول غیر مستقیم.

نقل قول مستقیم

در نقل قول مستقیم ما عیناً حرف‌هایی که زده شده را نقل می‌کنیم. در این کاربرد ما گفته افراد را در علامت نگارشی " " قرار می‌دهیم. (در این نوع نقل قول به هیچ ساختار گرامری خاصی نیاز نداریم.) هنگام ترجمه جمله نقل قول را باید در علامت نگارش «» قرار دهیم.

معمولاً برای نقل قول از دیگران از ساختار نقل قول مستقیم استفاده می‌کنیم.

She said , 'It is raining . '

او گفت: «دارد باران می بارد.»

نقل قول غیرمستقیم

از نقل قول غیر مستقیم برای اشاره به اعمال فکری (مثلا guess, decide, think) و کلامی (مثلا promise, threaten, explain) استفاده می شود. برای نقل قول غیرمستقیم اغلب جملات در زمان گذشته می آیند. در نقل قول غیر مستقیم ما معمولا زمان گفته را یک زمان عقب تر می بریم. مثلا اگر در زمان حال صحبت شده در نقل قول غیر مستقیم از گذشته استفاده می کنیم، یا اگر جمله گذشته باشد برای نقل قول غیر مستقیم گذشته کامل می آوریم.

جمله عادی	نقل قول
She said , 'look , it's raining . '	She said (that) it was raining .
He said , 'I met him in the theater . '	He said he had met him in the theater .

است: **that** در نقل قول غیر مستقیم از روش های مختلفی بهره می بریم که یکی از آنها استفاده از

Everybody knew that it was Henry's birthday tomorrow .

همه می دانستند که فردا تولد "هنری" است.

She explained that she would do as much as she could to help .

او توضیح داد که او هر کاری از دستش بر بیاید برای کمک انجام می دهد.

نکته

گذاشتن **that** در نقل قول غیر مستقیم اختیاری است و می توانیم جمله را بدون **that** هم بنویسیم. تغییری در معنی جمله به وجود نمی آید.

Everybody knew it was Henry's birthday tomorrow .

همه می دانستند که فردا تولد "هنری" است.

She explained she would do as much as she could to help .

او توضیح داد که او هر کاری از دستش بر بیاید برای کمک انجام می دهد.

استفاده از کلمات سوالی **wh** و گزاره های **if**

از دیگر روش های نقل قول غیر مستقیم استفاده از واژه های **wh** یا گزاره هایی با **if** است. زمانی از این روش استفاده می کنیم که بخواهیم پرسش یا جمله ای شرطی را دوباره بازگو کنیم. (برای اطلاعات بیشتر به بخش افعال نقل قول مراجعه کنید).

He was asked what he had been doing the previous night .

از او پرسیده شد که شب قبل چه کارهایی می کرده است.

She explained why she went by train rather than by car .

او توضیح داد که چرا به جای با ماشین رفتن با قطار رفت.

به این نکته توجه داشته باشید که در زبان انگلیسی ما معمولا از نقل قول غیر مستقیم به صورت خلاصه کردن استفاده می کنیم. یعنی دقیقا گفته را با یک زمان عقب تر نمی گوئیم، بلکه گفته را تغییر داده و خلاصه ای از بیانات گفته شده را نقل می کنیم. به این مکالمه نگاه کنید و در ادامه به خلاصه مکالمه توجه کنید:

Mary : Oh dear , we've been walking for hours . I am exhausted . I don't think I can go any further . I really need to stop for a rest .

اوه خدایا، ما ساعت‌هاست راه رفتیم. من خسته شده‌ام. فکر نمی‌کنم بیشتر از این بتوانم بروم. من واقعا نیاز به استراحت دارم.

Peter : Don't worry . I'm not surprised that you're tired . I'm tired too .

I'll see if I can find a place to sit down , and then we can stop and have our picnic .

نگران نباش. تعجب نمی‌کنم که خسته شده‌ای. منم خسته‌ام. میرم بینم جایی هست بتوانیم بنشینیم آن وقت می‌توانیم توقف کنیم و پیک نیک داشته باشیم.

اگر بخواهیم مکالمه بین "پیتر" و "ماری" را به طور خلاصه نقل قول کنیم می‌گوییم:

When Mary complained that she was tired out after walking so far , Peter said they could stop for a picnic .

وقتی ماری شکایت کرد که بعد از آن همه راه رفتن خسته شده است، پیتر گفت که می‌توانند برای پیک نیک توقف کنند.

استفاده از زمان‌ها برای نقل قول و خلاصه‌گویی

در نقل قول غیر مستقیم الزامی وجود ندارد که زمان فعل یک زمان به عقب برگردد. به مثال زیر توجه کنید که یک بار در زمان گذشته و یکبار هم در زمان حال آمده است و معنایشان هیچ تغییری نکرده‌اند:

Andrew said , " I am twenty-two years old and I am at University studying engineering " .

اندرو گفت: «من بیست و دو ساله و دانشجوی مهندسی هستم.»

Andrew told me that he was 22 he was an engineering student .

"اندرو" به من گفت که بیست و دو ساله و دانشجوی مهندسی است.

Andrew told me that he is 22 he is an engineering student .

"اندرو" به من گفت که بیست و دو ساله و دانشجوی مهندسی است.

استفاده از مصدر با to برای نقل قول و خلاصه‌گویی

افعالی که در زبان انگلیسی برای نقل قول با مصدر با to می‌آیند شامل افعال زیر هستند:
1. افعالی که برای بیان افکار و احساسات استفاده می‌شوند، مثل decide و hope و intend:

جمله عادی	نقل قول
I think I will start all over again .	He decided to start all over again .
I am going to write to the newspaper about it .	She intended to write to the newspaper about it .

2. promise و refuse و agree افعالی که اشاره به اعمال کلامی می‌کنند، مثل:

جمله عادی	نقل قول
I can do the shopping for you if you like .	He agreed to do the shopping for me .
I'm sorry . I would love to help you but I'm afraid I can't .	She refused to help me .

3. افعالی که همیشه با مصدر با to می‌آیند: (برای اطلاعات بیشتر به بخش افعال + مصدر با to مراجعه کنید).

- (advise نصیحت کردن)
- (ask پرسیدن)
- (encourage تشویق کردن)
- (invite دعوت کردن)
- (order دستور دادن، سفارش دادن)
- (remind یادآوری کردن)
- (tell گفتن)
- (warn هشدار دادن)
- (expect انتظار داشتن)
- (intend قصد داشتن)
- (want خواستن)
- (would like خواستار بودن، دوست داشتن)
- (would prefer ترجیح دادن)

جمله عادی

I think you should turn the lights out .

She reminded me

Be very careful , children . The sea can be very dangerous so please don't go in the water . She warned the

افعال نقل قول با جمله‌واره

هرگاه بخواهیم گفته‌ها یا افکار خود یا دیگری را بازگو کنیم از ساختار نقل قول استفاده می‌کنیم. به افعالی که برای نقل قول استفاده می‌شوند افعال نقل قول (Reporting Verbs) می‌گویند. برای نقل قول کردن روش‌های مختلفی وجود دارد:

1. استفاده از جمله‌واره با that

2. استفاده از جمله‌واره با if و wh

فعل نقل قول با جمله‌واره that

برخی فعل‌های نقل قول با ساختار S + V + (that) + clause ساخته می‌شوند. وقتی می‌خواهیم درباره چیزی که یک نفر گفته یا فکرش را کرده صحبت کنیم، از جمله‌واره that استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

He said that I had to see a doctor .

او گفت که من باید به دکتر بروم.

I thought that he was being silly .

من فکر کردم که او داشت شوخی می کرد.
دقت کنید که ما می توانیم that را از این جمله واره ها حذف کنیم:

He said I had to see a doctor .

او گفت من باید به دکتر بروم.

I thought he was being silly .

من فکر کردم او داشت شوخی می کرد.

با برخی از فعل های نقل قول می توانیم شنونده یا مخاطب فعل را هم در جمله بیاوریم . این نوع افعال دو مفعولی هستند که مفعول مستقیم آنها معمولا ضمیر مفعولی و مفعول غیر مستقیم آن جمله واره that محسوب می شود و ساختارشان S + V + O + (that) + clause است. به مثال های زیر توجه کنید:

She reminded him that it was time to go .

او به او یادآوری کرد که وقت رفتن است.

He told me he was a friend of yours .

او به من گفت که از دوستان شماست.

نقل قول با جمله واره if و wh

برخی افعال برای بیان خلاصه چیزی، نقل قول، پرسش کردن و بیان مسائل به کار می روند، مثل فعل هایی که اعمال کلامی را نشان می دهند (مثلا ask, wonder, know, think) این افعال با این دو ساختار استفاده می شوند:

S + V + wh- + clause
یا

S + V + if + clause

She wondered where she was .

او فکر کرد که او کجا رفته است.

Ken asked if we wanted to go .

"کن" پرسید آیا می خواهیم برویم یا نه.

I didn't know what to do .

من نمی دانستم چکار کنم.

He asked if I was ready .

او پرسید آیا آماده شدم یا نه.

با برخی از فعل های نقل قول می توانیم شنونده یا مخاطب فعل را هم در جمله بیاوریم. این نوع افعال دو مفعولی هستند که مفعول مستقیم آنها معمولا ضمیر مفعولی و مفعول غیر مستقیم آن جمله واره that محسوب می شود. این افعال با این دو ساختار استفاده می شوند:

S + V + O + wh- + clause
یا

S + V + O + if + clause

I told them what he was doing .

من به آنها گفتم که او داشت چکار می کرد.

Ken asked us if we wanted to go .

"کن" از ما پرسید آیا می‌خواهیم برویم یا نه.

ساختارهای سوالی و منفی

در این درس می‌خواهیم با ساختار سوالی و منفی کردن در زبان انگلیسی آشنا شویم. دو نوع جمله سوالی در زبان انگلیسی داریم:

1-سوالات بله/خیر

2-سوالات با واژه‌های پرسشی wh

ساختار جملات منفی هم در زبان انگلیسی معمولاً با اضافه کردن not بعد از افعال ساخته می‌شود.

سوال‌های بله/خیر

جملات بدون توجه به زمان افعال به سه روش سوالی می‌شوند:

1. اگر جمله فعل کمکی داشت، فعل کمکی ابتدای جمله قرار می‌گیرد (جای فعل کمکی و فاعل عوض می‌شود).
2. اگر جمله فعل کمکی نداشت، باید از شکل مناسب فعل do استفاده کنیم. توجه کنید وقتی فعل کمکی do در جمله بیاید فعل اصلی به شکل ساده (مصدر بدون to) می‌آید.
3. اگر جمله فعل کمکی نداشت اما فعل اصلی be بود، دیگر نیازی به اضافه کردن فعل کمکی نیست، فقط فعل be را ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

جمله سوالی	جمله خبری
Had they worked hard ?	They had worked hard .
Does she play football ?	She plays football .
Is she happy ?	She is happy .

سوالی کردن با کلمه‌های wh

کلمه‌های wh در زبان انگلیسی عبارتند از what, when, where, who, which, why و how. برای درست کردن جملات سوالی با این واژه‌ها ابتدا باید جمله را سوالی کنیم (یعنی جای فعل و فاعل را عوض کنیم) بعد قسمتی از جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال بپرسیم حذف می‌کنیم و کلمه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم. (برای اطلاعات بیشتر به بخش جمله‌واره‌های wh مراجعه کنید).

What are you doing ?

چه کار می‌کنی؟

Who ate all the pies ?

چه کسی همه پای‌ها را خورد؟

منفی کردن

در انگلیسی با اضافه کردن واژه not بعد از فعل، جمله منفی می‌شود. اگر فعل ما دو قسمتی بود (همراه با فعل کمکی آمده بود not) (بعد از فعل کمکی می‌آید. در انگلیسی محاوره‌ای not را به صورت n't خلاصه می‌کنیم).

جمله منفی محاوره‌ای	جمله منفی نوشتاری
They aren't working hard .	They are not working hard .
They won't be working hard .	They will not be working hard .
They hadn't been working hard .	They had not worked hard .
They haven't been working hard	They have not been working hard

الگوهای فعلی

ساختار یک جمله‌واره (clause) به فعل و جایگاه آن در جمله بستگی دارد. در زبان انگلیسی افعال انواع مختلفی دارند (مثلا گذرا، ناگذر، ربطی و ...) که هر کدام از این افعال با ساختار خاصی در جملات می‌آیند. در ادامه با چهار ساختار جمله‌واره که با چهار نوع مختلف فعل ساخته می‌شوند آشنا می‌شویم:

(intransitive verbs) جمله‌واره با فعل ناگذر

در جمله‌هایی با فعل ناگذر ساختار جمله به این صورت است: اسم (فاعل) + فعل ناگذر. به یک مثال توجه کنید:

N(=noun) + V(=verb) : (John) + (smiled) .

"جان" خندید.

جمله‌واره با فعل گذرا (transitive verbs)

ساختار جمله‌هایی که با فعل گذرا هستند به این صورت است: اسم (فاعل) + فعل گذرا + اسم (مفعول). به مثال زیر توجه کنید (البته توجه کنید که در ترجمه فارسی این ترتیب متفاوت خواهد بود):

N + V + N : (We) + (had been playing) + (football)

ما داشتیم فوتبال بازی می‌کردیم.

جمله‌واره با فعل ربطی (linking verbs)

ساختار جمله‌هایی که با افعال ربطی می‌آیند به این صورت خواهد بود: اسم (فاعل) + فعل ربطی + صفت. افعال ربطی افعالی هستند که نه گذرا هستند و نه ناگذر، مثل افعالی نظیر (be, look, seem, appear)، مثلا:

N + V + Adj : (She) + (looked) + (happy)

او خوشحال به نظر می‌رسید.

جمله‌واره با فعل عبارتی (phrasal verbs)

ساختار جمله‌هایی که افعال عبارتی دارند به این دو صورت خواهد بود: برای افعال جدانشدنی به صورت "اسم (فاعل) + فعل + حرف اضافه + اسم (مفعول)" و برای افعال جدا شدنی به صورت "اسم (فاعل) + فعل + اسم (مفعول) + حرف اضافه" است. افعال عبارتی فعل‌هایی هستند که با یک یا دو حرف اضافه همراه باشند. فعل‌های عبارتی یا به صورت جدانشدنی یا جدانشدنی هستند، یعنی یا حرف اضافه بلافاصله بعد از فعل می‌آید یا با فاصله از فعل. مثلا:

N + V + p + N (She) + (gave) +(back) + (the money)

او پول را پس داد.

N + V + N + p (She) + (gave) + (the money) + (back)

او پول را پس داد.

ساختار جمله

در زبان انگلیسی ما چند نوع جمله داریم: جمله ساده، مرکب و پیچیده. این تقسیم‌بندی بر اساس تعداد جمله‌واره‌هایی است که یک جمله دارد. در این درس با انواع جملات ساده، مرکب و پیچیده آشنا می‌شویم:

جمله ساده

جمله ساده در زبان انگلیسی تنها از یک جمله‌واره (clause) تشکیل شده است و یک فعل دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

The children were laughing .

بچه‌ها داشتند می‌خندیدند.

John wanted a new bicycle .

"جان" یک دوچرخه جدید می‌خواست.

All the girls are learning English .

همه دخترها دارند انگلیسی یاد می‌گیرند.

جمله مرکب

جملات مرکب در زبان انگلیسی حداقل از دو جمله‌واره مستقل (independent clause) تشکیل می‌شوند. برای متصل

کردن دو جمله‌واره به هم دو راه وجود دارد:

1. استفاده از نقطه ویرگول (;). به مثال زیر توجه کنید:

You go ; I go .

تو برو؛ منم می‌روم.

2. استفاده از حروف ربط هم‌پایه‌ساز (coordinating conjunctions). لیست زیر رایج‌ترین حروف هم‌پایه‌ساز را نشان می‌دهد:

- (for برای اینکه)
- (and و)
- (nor نه)
- (but اما)
- (or یا)
- (yet با این حال)
- (so پس)
- (then سپس)

John shouted and everybody waved .

"جان" داد زد و همه دست تکان دادند.

We looked everywhere but we couldn't find him .

ما همه جا را گشتیم اما نتوانستیم او را پیدا کنیم.

They are coming by car so they should be here soon .

آنها دارند با ماشین می آیند پس به زودی باید به اینجا برسند.

جمله پیچیده

جمله پیچیده در زبان انگلیسی جمله‌ای است که یک جمله‌واره اصلی و مستقل (main clause) و دو یا چند جمله‌واره وابسته (dependent or subordinate clause) داشته باشد. توجه کنید که اگر جمله‌واره وابسته در ابتدا بیاید، بین آن و جمله‌واره مستقل یک ویرگول قرار می‌گیرد. در غیر این صورت، هیچ علامت نگارشی لازم نیست. معمولاً در زبان انگلیسی جمله‌واره اصلی در ابتدا می‌آید و جمله‌واره وابسته با یک حرف ربط وابسته‌ساز در ادامه می‌آید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Her father died when she was very young .

وقتی او خیلی کوچک بود پدرش از دنیا رفت.

در لیست زیر می‌توانیم جمله‌واره‌های سازنده و حرف ربط مثال بالا را ببینیم:

۱. (Her father died جمله‌واره اصلی)

۲. (when حرف ربط وابسته‌ساز)

۳. (she was very young جمله‌واره وابسته)

She had a difficult childhood because her father died when she was very young .

او کودکی سختی داشت، زیرا وقتی خیلی کوچک بود پدرش از دنیا رفت.

در لیست زیر می‌توانیم جمله‌واره‌های سازنده و حرف ربط مثال بالا را ببینیم:

۱. (She had a difficult childhood جمله‌واره اصلی)

۲. (because حرف ربط وابسته‌ساز)

۳. (her father died جمله‌واره وابسته ۱)

۴. (when حرف ربط وابسته‌ساز)

۵. (she was very young جمله‌واره وابسته ۲)

گاهی اوقات جمله‌واره وابسته در ابتدای جمله می‌آید:

Although a few snakes are dangerous most of them are quite harmless .

اگرچه برخی مارها خطرناک هستند، بیشتر آنها کاملاً بی‌خطر هستند.

در لیست زیر می‌توانیم جمله‌واره‌های سازنده و حرف ربط مثال بالا را ببینیم:

۱. (Although حرف ربط وابسته‌ساز)

۲. (some snakes are dangerous جمله‌واره وابسته)

۳. (most of them are harmless جمله‌واره اصلی)

یک جمله هم می تواند حرف ربط وابسته ساز و هم حرف ربط هم پایه ساز داشته باشد:

Although she has always lived in France
, she speaks fluent English because her mother was American and her father was Nigerian .

اگرچه او همیشه در فرانسه زندگی کرده است، خیلی خوب انگلیسی حرف می زند چون مادرش آمریکایی بود و پدرش نیجریه ای بود.

در لیست زیر می توانیم جمله وارهای سازنده و حرف ربط مثال بالا را ببینیم:

۱. (Although حرف ربط وابسته ساز (۱)
۲. (she has always lived in France جمله وار وابسته (۱)
۳. (she speaks fluent English جمله وار اصلی)
۴. (because حرف ربط وابسته ساز (۲)
۵. (her mother was American جمله وار وابسته (۲)
۶. (and حرف ربط هم پایه ساز)
۷. (her father was Nigerian جمله وار وابسته (۳)

حروف ربط در انگلیسی

علاوه بر حروف ربطی که قبل تر ذکر شد در این بخش با سایر حروف ربط آشنا می شویم که بر اساس کاربردشان در جمله دسته بندی شده اند:

- حروف ربط تضاد ساز: although; though; even though; while
- حروف ربط علت و معلولی: because; since; as
- حروف ربط مکان: where; wherever; everywhere
- حروف ربط علت: so that; so; because + want
- حروف ربط نتیجه گیری: so that; so ... that; such ... that
- حروف ربط زمان: when; before; after; since; while; as; as soon as; by the time; until
- حروف ربط شرطی: if; unless; provided (that); as long as